www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

نگاهی به نظریه‌ی ولایت فقیه

در اندیشه‌ی
حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله)

بسم الله الرحمن الرحیم

نگاهی به نظریه انتظار: در اندیشه ی حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی)

نویسنده:

موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی

ناشر چاپي:

انقلاب اسلامي

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

نگاهی به نظریّه انتظار: در اندیشه ی حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدّظلّه العالی) ----- ۱۰

مشخصات کتاب ----- ۱۰

اشاره ----- ۱۰

مقدّمه ----- ۱۴

فهرست مطالب ----- ۱۶

درآمد ----- ۲۲

اشاره ----- ۲۳

عدالت در تمام مراتب انسانیّت ----- ۳۰

رویکردهای انحرافی در مسئله ی انتظار ----- ۳۰

رویکرد نفی و تقابل با تشکیل و تأسیس هرگونه حکومتی قبل از ظهور ----- ۳۰

رویکرد بی عملی و فرار از مسئولیّت در دوران انتظار فرج ----- ۳۱

رویکرد بی تفاوتی و سازش کاری با مستکبران و ستمگران ----- ۳۳

رویکرد نفی امر به معروف و نهی از منکر در راستای فراگیری ظلم ----- ۳۳

رویکرد دامن زدن و گسترش گناه و ظلم در عالم ----- ۳۳

انتظار فرج و حکومت اسلامی ----- ۳۴

نقش استکبار و استعمار در باور به جدایی دین از سیاست ----- ۳۴

ضرورت حکومت در عصر غیبت ----- ۳۵

ویژگی حکومت اسلامی ----- ۳۷

منشأ مشروعیّت حکومت اسلامی و فعلیّت آن ----- ۳۸

حکومت، یک حق و یک تکلیف ----- ۳۹

فلسفه ی سیاسی شیعه ی امامیّه ----- ۴۱

روش تحقیق در مسئله ی انتظار و مهدویّت ----- ۴۵

از دیدگاه آیت الله العظمی خامنه ای ----- ۴۵

وضوح مسئله ی مهدویّت عام و خاص ---- ۴۶
فصل اوّل : مفهوم شناسی انتظار فرج ---- ۴۷
اشاره ---- ۴۷
مفهوم فرج ---- ۴۹
مصادیق فرج: ---- ۵۰
الف) عدالت، خواسته ی عمومی بشریّت ---- ۵۰
اشاره ---- ۵۰
مفهوم استقرار عدالت ---- ۵۵
قدرت، لازمه ی استقرار عدالت ---- ۵۵
ب) تشکیل جامعه ی توحیدی و دینی ---- ۵۶
اشاره ---- ۵۶
وابستگی برقراری توحید در عالم به استقرار عدالت ---- ۵۷
ج) حاکمیّت اسلام ---- ۵۷
د) فتح ابواب معرفت حق ---- ۵۸
ه -) گشایش در بُن بست های جاری زندگی ---- ۵۹
و) پیشرفت معنوی و مادّی ---- ۶۲
گستردگی شمول فرج نسبت به کلّ بشریّت ---- ۶۲
تدریجی و طبیعی بودن شکل گیری فرج نهایی ---- ۶۳
جایگاه مسئله ی انتظار ---- ۶۵
مفهوم شناسی انتظار ---- ۶۵
لوازم «انتظار» ---- ۶۷
۱) نپذیرفتن وضع موجود ---- ۶۷
۲) اطمینان به فرج و تحقّقآن ---- ۶۸
۳) اطمینان به نابودی ظلم ---- ۶۹
۴) امید و حرکت ---- ۷۱
۵) تکلیف به عمل و آمادگی ---- ۷۷

۶) قدرت سیاسی ---------- ۸۰
عینیّت یابی مسئله ی انتظار در مکتب تشیّع ---------- ۸۲
اهمّیّت انتظار موجود حی و حاضر در ایجاد امید ---------- ۸۴
اهمّیّت تبیین مسئله ی معیّن بودن شخص مهدی (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) ---------- ۸۹
نسبت عاشورا و فرج نهایی ---------- ۸۹
نسبت حرکت بشر در دوران انتظار و دوران فرج ---------- ۹۰
فصل دوّم : مبانی و ادلّه ی انتظار فرج ---------- ۹۳
اشاره ---------- ۹۳
وعده ی الهی ---------- ۹۵
تحقّق وعده های الهی ازجمله تشکیل جمهوری اسلامی ---------- ۹۶
اصل عدالت ---------- ۹۹
فطرت و طبیعت انسانی ---------- ۱۰۱
استمرار نبوّت ---------- ۱۰۳
سنّت الهی حرکت عالم به سمت غلبه ی حق و عدل ---------- ۱۰۷
سنّت الهی فرج بعد از سختی ---------- ۱۱۰
تواتر ---------- ۱۱۱
فصل سوّم : شرایط فرج ---------- ۱۲۱
اشاره ---------- ۱۲۱
کثرت ظلم و جور و آمادگی انسانهای صالح ---------- ۱۲۳
فصل چهارم : کارکرد انتظار فرج ---------- ۱۲۷
اشاره ---------- ۱۲۷
انتظار فرج کلیدواژه ی فهم دین ---------- ۱۲۹
امیدبخشی و نیروبخشی برای موفّقیّتهای مادّی و معنوی ---------- ۱۲۹
رهایی از پوچی ---------- ۱۳۴
ساخت سرنوشت بشر ---------- ۱۳۵
ایستادگی و مبارزه در برابر ظلم و استکبار ---------- ۱۳۵

فصل پنجم : وظایف جامعه ی منتظر ---------- ۱۳۹
اشاره ---------- ۱۳۹
تلاش برای حاکمیّت اسلام ---------- ۱۴۱
برقراری عدالت و مبارزه با فساد در نظام اسلامی ---------- ۱۴۲
کسب آمادگی های لازم ---------- ۱۴۴
آمادگی معنوی - پیوند با مؤمنین - آمادگی برای مبارزه ---------- ۱۴۴
آمادگی روحی و جسمی ---------- ۱۴۷
پذیرش حق و عدل ---------- ۱۴۸
مجاهدت و مقاومت ---------- ۱۴۹
ارتباط قلبی با امام زمان (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) ---------- ۱۵۰
فصل ششم : آسیب شناسی انتظار فرج و جامعه ی منتظر ---------- ۱۵۱
اشاره ---------- ۱۵۱
ضرورت پیرایه زدایی از مسئله ی انتظار فرج و مهدویّت ---------- ۱۵۳
آسیب ها ---------- ۱۵۴
تلاش برای گسترش ظلم و فساد برای تعجیل فرج! ---------- ۱۵۴
بی عملی و فرار از مسئولیّت در دوران انتظار فرج ---------- ۱۵۷
بدفهمی نسبت به روایاتِ نافیِ قیام قبل از ظهور ---------- ۱۵۸
انجام کارهای غیر عالمانه و غیر متّکی به اسناد و مدارک ---------- ۱۵۹
مدّعیان دروغین مهدویّت ---------- ۱۶۰
فصل هفتم : حکومت اسلامی و انتظار فرج ---------- ۱۶۱
اشاره ---------- ۱۶۱
مردمی بودن حکومت حضرت مهدی (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) ---------- ۱۶۳
لزوم برقراری حکومت اسلامی به عنوان مقدّمه ی ظهور ---------- ۱۶۳
زمینه سازی انقلاب اسلامی برای ظهور ---------- ۱۶۵
شکل گیری و پیروزی انقلاب اسلامی بر اساس اندیشه ی انتظار ---------- ۱۶۸
ترسیم معنای انتظار در تشکیل حکومت اسلامی ---------- ۱۷۱

تأثیر انقلاب اسلامی بر ذهنیّت مردم نسبت به منطق انتظار ---------- ۱۷۲

اتّصال قطعی انقلاب و نظام اسلامی به ظهور حضرت ولیّ عصر (عجّل الله تعالی فرجه) ---------- ۱۷۳

فصل هشتم : دشمن و انتظار فرج ---------- ۱۷۵

اشاره ---------- ۱۷۵

تلاش دشمن برای محو و تحریف عقیده ی انتظار ---------- ۱۷۷

منابع ---------- ۱۸۳

درباره مرکز ---------- ۱۸۵

نگاهی به نظریّه انتظار: در اندیشه ی حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدّظلّه العالی)

مشخصات کتاب

سرشناسه: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 -.

عنوان و نـام پدیـدآور: نگـاهی به نظریّه انتظـار: در انـدیشه ی حضـرت آیت الله العظمی خامنه ای (مـدّظلّه العالی) /گردآورنـده معاونت پژوهش و آموزش مؤسّسه ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

مشخّصات نشر: تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، نهضت نرم افزاری، 1398.

مشخّصات ظاهری: 172 ص.

قیمت: 150000 ریال شابك: 4-0-96395-622-978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: خامنه ای، خامنه ای، علی، 1318 -- نظریه درباره مهدویت

موضوع: مهدویت -- انتظار

شناسه افزوده: مؤسّسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی. معاونت پژوهش و آموزش

رده بندی کنگره: DSR 1692

رده بندی دیویی: 955/0844

شماره کتابشناسی ملی: 6085784

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

نگاهی به

نظریّه انتظار

در اندیشه ی

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدّ ظلّه العالی)

گردآورنده: معاونت پژوهش و آموزش مؤسّسه ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی

ناشر: نهضت نرم افزاری

(وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی)

چاپ اوّل: زمستان 1398

شمارگان: 1000-150000 ریال

شابك: 978-622-96395-0-4

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه ی هلالی، شماره ی 26

فروشگاه مرکزی: 02166483975-02166493548

فروشگاه مشهد: 05132281225-7

فروشگاه قم: 02537702852

تارنما: http : //Book-Khamenei.ir

پست الکترونیکی: Info@Book-khamenei.ir

سامانه پیام کوتاه: 1000 20 120

ص: 4

مقدّمه

معـارف انقلاـب اسـلامی بر اصـلاح معرفت دینی نسـبت به ترکیب مفهومی «انتظار فرج» و نفی رویکردهای انحرافی، با اتّخاذ رویکردی سازنده، تأسیسی و فعّال با هویّتی اسلامی و انقلابی نسبت به برقراری عدالت در مراتب انسانیّت تأکید دارد. رسیدن به اوج اعتلاء انسانی با ساخت تمدّن اسـلامی، مرهون فلسـفه ی سیاسـی - اجتماعی انتظار فرج است که کارکردی شناختی در اصلاح معرفت دینی و کارکردی انگیزشـی در امیدبخشـی و نیروبخشـی برای اقـدام متنـاسب و به هنگام و رهایی از پوچی انسانیّت و همچنین کارکردی کنشـی در ساخت سرنوشت بشر و ایستادگی و مبارزه در برابر ظلم و استکبار دارد.

مقصود از «نظریّه» در عنوان این اثر تـألیفی اشاره به مجموعه گفتارهای منطقی و گزاره های سازوار و متلائم است که بصورت نظام یافته و صورتبندی شده ربط میان مفاهیم با یکدیگر را مشـخّص ساخته و مبیّن بخشـی از واقعیّت هسـتند که به سازماندهی شناخت ما از موضوع انتظار فرج کمك شایانی میکند.

نظر به ضرورت و اهمّیّت این موضوع و نقش آفرینی آن، این نگاشت با

صورت بنـدی به یك بخش تمهیدی و فصـلهای هشت گانه به تبیین انتظار فرج در اندیشه ی حضـرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدّ ظلّه العالی) پرداخته است.

در پایان لازم است از تلاشهای علمی فرهیختگان ارجمند آقایان هادی ابراهیمی، محمود قاسمی قلعه بهمن، سعید اشیری، محسن رایجی و هادی رزمجویی در تدوین و تنظیم این کتاب ارزشمند تقدیر و تشکّر گردد.

معاونت پژوهش و آموزش - بهمن ماه سال 1398

مؤسّسه ی پژوهشی - فرهنگی انقلاب اسلامی

ص: 6

فهرست مطالب

درآمد 1

عدالت در تمام مراتب انسانیّت 8

رویکردهای انحرافی در مسئله ی انتظار 8

رویکرد نفی و تقابل با تشکیل و تأسیس هرگونه حکومتی قبل از ظهور 8

رویکرد بی عملی و فرار از مسئولیّت در دوران انتظار فرج 9

رویکرد بی تفاوتی و سازش کاری با مستکبران و ستمگران 11

رویکرد نفی امر به معروف و نهی از منکر در راستای فراگیری ظلم 11

رویکرد دامن زدن و گسترش گناه و ظلم در عالم 11

انتظار فرج و حکومت اسلامی 12

نقش استکبار و استعمار در باور به جدایی دین از سیاست 12

ضرورت حکومت در عصر غیبت 13

ویژگی حکومت اسلامی 15

منشأ مشروعیّت حکومت اسلامی و فعلیّت آن 16

حکومت، یك حق و یك تکلیف 17

فلسفه ی سیاسی شیعه ی امامیّه 19

روش تحقیق در مسئله ی انتظار و مهدویّت 23

از دیدگاه آیت الله العظمی خامنه ای 23

وضوح مسئله ی مهدویّت عام و خاص 24

فصل اوّل: مفهوم شناسی انتظار فرج 25

مفهوم فرج 27

مصادیق فرج: 28

الف) عدالت، خواسته ی عمومی بشریّت 28

مفهوم استقرار عدالت 33

قدرت، لازمه ی استقرار عدالت 33

ب) تشکیل جامعه ی توحیدی و دینی 34

وابستگی برقراری توحید در عالم به استقرار عدالت 35

ج) حاکمیّت اسلام 35

د) فتح ابواب معرفت حق 36

ه -) گشایش در بُن بست های جاری زندگی 37

و) پیشرفت معنوی و مادّی 40

گستردگی شمول فرج نسبت به کلّ بشریّت 40

تدریجی و طبیعی بودن شکل گیری فرج نهایی 41

جایگاه مسئله ی انتظار 43

مفهوم شناسی انتظار 43

لوازم «انتظار» 45

1) نپذیرفتن وضع موجود 45

2) اطمینان به فرج و تحقّق آن 46

3) اطمینان به نابودی ظلم 47

4) امید و حرکت 49

5) تکلیف به عمل و آمادگی 55

6) قدرت سیاسی 58

عینیّت یابی مسئله ی انتظار در مکتب تشیّع 60

اهمّیّت انتظار موجود حی و حاضر در ایجاد امید 62

اهمّیّت تبیین مسئله ی معیّن بودن شخص مهدی (عج) 67

نسبت عاشورا و فرج نهایی 67

نسبت حرکت بشر در دوران انتظار و دوران فرج 68

فصل دوّم: مبانی و ادلّه ی انتظار فرج 71

وعده ی الهی 73

تحقّق وعده های الهی ازجمله تشکیل جمهوری اسلامی 74

اصل عدالت 77

فطرت و طبیعت انسانی 79

استمرار نبوّت 81

سنّت الهی حرکت عالم به سمت غلبه ی حق و عدل 85

سنّت الهی فرج بعد از سختی 88

تواتر 89

فصل سوّم: شرایط فرج 99

کثرت ظلم و جور و آمادگی انسانهای صالح 101

فصل چهارم: کارکرد انتظار فرج 105

انتظار فرج کلیدواژه ی فهم دین 107

امیدبخشی و نیرویبخشی برای موفّقیّتهای مادّی و معنوی 107

رهایی از پوچی 112

ساخت سرنوشت بشر 113

ایستادگی و مبارزه در برابر ظلم و استکبار 113

فصل پنجم: وظایف جامعه ی منتظر 117

تلاش برای حاکمیّت اسلام 119

برقراری عدالت و مبارزه با فساد در نظام اسلامی 120

کسب آمادگی های لازم 122

آمادگی معنوی – پیوند با مؤمنین – آمادگی برای مبارزه 122

آمادگی روحی و جسمی 125

پذیرش حق و عدل 126

مجاهدت و مقاومت 127

ارتباط قلبی با امام زمان (عج) 128

ص: 9

فصل ششم: آسیب شناسی انتظار فرج و جامعه ی منتظر 129

ضرورت پیرایه زدایی از مسئله ی انتظار فرج و مهدویّت 131

آسیب ها 132

تلاش برای گسترش ظلم و فساد برای تعجیل فرج! 132

بی عملی و فرار از مسئولیّت در دوران انتظار فرج 135

بدفهمی نسبت به روایاتِ نافیِ قیام قبل از ظهور 136

انجام کارهای غیر عالمانه و غیر متّکی به اسناد و مدارك 137

مدّعیان دروغین مهدویّت 138

فصل هفتم: حکومت اسلامی و انتظار فرج 139

مردمی بودن حکومت حضرت مهدی (عج) 141

لزوم برقراری حکومت اسلامی به عنوان مقدّمه ی ظهور 141

زمینه سازی انقلاب اسلامی برای ظهور 143

شکل گیری و پیروزی انقلاب اسلامی بر اساس اندیشه ی انتظار 146

ترسیم معنای انتظار در تشکیل حکومت اسلامی 149

تأثیر انقلاب اسلامی بر ذهنیّت مردم نسبت به منطق انتظار 150

اتّصال قطعی انقلاب و نظام اسلامی به ظهور حضرت ولیّ عصر (عج) 151

فصل هشتم: دشمن و انتظار فرج 153

تلاش دشمن برای محو و تحریف عقیده ی انتظار 155

منابع 161

درآمد

اشاره

ص: 1

خوانش مفهومی انتظـار فرج در طول دوره ی غیبت کبری با رویکردها، تبیین ها و تحلیلهای متفاوتی در جامعه ی تشـیّع روبرو بوده است. شیخ نعمانی، شـیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی (رحمهم الله تعالی) و... از اعاظم شیعه کتابهای متعدّدی در این زمینه نگاشته اند تا اصلاح معرفت دینی جامعه ی منتظر به روشنی و به دقّت صورت یابد. «پس از آغاز دوران غیبت و بویژه بعد از انتهای دوره ی 74 ساله ی غیبت صـغری و انقطاع کامل شـیعیان از امام غایب (ارواحنا فـداه)، یکی از خطراتی که کلّیّت مکتب اهل بیت (علیهم السّلام) را تهدید میکرد این بود که اشـتباه و انحراف عمدی یا غیر عمدی کسانی از منسوبین به این مکتب، چیزهایی را از آن کاسته یا به آن بیفزاید، و یا براثر کم رنگ شدن مرزبندی های اصولی مکتب، خطوط انحرافی با آن آمیخته و انحرافات مسـلکهای اعتقادی یا مذهبهای جعلی با حقایق آن ممزوج گردد... در این دوران از طرفی به خـاطر نیازهـای روزافزونی که اکنون دیگر نه به وسـیله ی امـام (علیه السّلام)، بلکه به وسـیله ی علمای دین بایـد برآورده شود، و از طرف دیگر، به خاطر اختلاف نظرهای طبیعی میان علما و خبرگان دین که محور بارز و قاطعی هم برای رفع آن نیست، راه به روی افکار و نظرات و برداشتهای مختلف در اصول و فروع دین باز است، و در میان نظرات

گوناگونی که ابراز میشود طبیعتاً عناصری هم از مکاتب انحرافی یا از مذاهب غیر امامی شیعی (زیدی، اسماعیلی، فطحی و...) به مجموعه ی مکتب اهل بیت (علیهم السّلام) راه می یابد که خلوص و اتقان آن را تهدید میکند و حتّی در درازمدّت ممکن است جهت مکتب را بکلّی دگرگون نماید. اینجا است که یکی از مهم ترین وظایف رهبران امّت در آن برهه از زمان رخ مینماید، وظیفه ای که درست به انجام رسیدن آن میتوانسته است به معنای حفظ مذهب و معادل جهادی سرنوشت ساز باشد؛ و آن وظیفه عبارت است از اینکه تشیّع به مثابه یك نظام فکری و عملی، مرزبندی شود و برای آن ازلحاظ عقیدتی و عملی با استفاده از میراث ارزشمند سخنان ائمّه (علیهم السّلام) چهارچوبی ترسیم گردد. و بدین گونه هویّت مستقل و مرزبندی شده ی مذهب اهل بیت (علیهم السّلام) مشخّص گشته، در معرض فهم و استفاده ی پیروانش قرار گیرد. این کار، به علما و متفکّران شیعه، این امکان را میداد که انحراف اصولی، یعنی خروج از حیطه ی مبانی مذهب در فقه و کلام را، از اختلاف نظرهایی که در داخل محدوده ی مکتب پیش می آید، بتوانند جدا کنند.»(1).

باور به امام قائم غایب که از آغاز در مذهب شیعه مورد تأکید بوده است، وظیفه ی انتظار ظهور و فرج را همواره در ادوار مختلف ترسیم کرده است تا به جامعه ی بشری بشارت توسعه در رزق معاد و معاش و همچنین نوید و مژده ی گشایش سیاسی - اجتماعی را با مؤلّفه های استکبارستیزی و استبدادستیزی بدهد.

انتظار فرج همواره عاملی مؤثّر برای امیدزایی، نشاطبخشی و تحرّك آفرینی در جامعه ی شیعه بوده است؛ تا در برابر مشکلات و موانع، خوف و حزنی نداشته و بدون مواجهه ی انفعالی، زنده و پویا زمینه ساز مقدّمات نهضت امام قائم (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) باشد. لذا انتظار فرج به معنای رها کردن کار

1- . پیام به کنگره ی جهانی هزاره ی شیخ مفید، مکتوبات 1372/1/28

و تسـلیم شـدن در برابر شـرایط و موانع نبوده است و بـا رویکردی تأسیسـی در صـدد رفع موانع طـاغوت درونی و بیرونی بشـری و ایجـاد اقتضائات لازم و متناسب با آن است.

این تربیت فکری، روحی و عملی جامعه ی اسـلامی و آمادگی و انسـجام نیروها و امکانات، زمینه ساز رشد و بلوغ عقول جامعه ی بشـری برای ظهور ذخیره ی خداونـدی است. انقلاب اسـلامیِ مهـدی موعود عمل به کلمه ی طیّبه ی توحیدی لااله الاالله است که در آن نفی و اثبـات توأمان است. لـذا دو گونه اقـدامات در آن رخ نمایان میکنـد؛ یکی نفی عوامل نابسامان موجود در جامعه ی بشـری است و دیگری اقدامات تمهیدی و زمینه ساز برای رشد و آمادگی در جهت پذیرش ولایت الهی است. ازاین رو، انتظار فرج از امری شخصـی به سـطحی بالاـتر، یعنی رفتـار فردی و جمعی ارتقا یافته است که با گوشه نشـینی و ذلّت پـذیری در تضاد است. انسان منتظر همواره آماده ی مبارزه و تلاش برای اصـلاح شناختی و رفتاری خود و جامعه است؛ در راستای آن به دقایق و لطایفی ویژه توجّه دارد، همانند اصلاح معرفت دینی و خوانش صـحیح از انتظـار فرج، اثبات مبانی فکری و انسـجام و تقویت اسـتدلالات منطقی آن، تـداوم گفتمانی مهـدویّت و انتظار فرج در جهت تقویت باورمنـدی جامعه به گشودگی و ایجاد خروشـی تأسیسـی و تمـدّن ساز برای فرج دنیوی و اخروی بشـریّت که تلاش فقهای شیعه در طول تاریخ غیبت کبری در راستای آن بوده است.

بـازآفرینی و اصـلاح معرفت دینی در زمینه ی انتظـار فرج همـواره کـانون توجّه منتظران واقعی بوده است که ایجـاد کـارکردی متفـاوت از خوانشـهای رقیب خود دارد؛ تـا در آن صورت برداشت نشود که انتظار فرج ابزاری برای تخـدیر جامعه ی شـیعه و ابزاری کنترلی در جهت عدم تقابل و جهاد با حُکّام سـتمگر و مسـتکبر عصـری و توجیه بی مسـئولیّتی امّت است؛ بلکه برای گسترش عدل، مبارزه با ظلم و ستم و نفی وضعیّت نامطلوب با جایگزینی

بـا شـرایط بهتر و آماده سازی برای دوران فرج و ظهور همراه است. «اوّلین درس عملی از موضوع مهـدویّت این است که نابود کردن بنای ظلم در سـطح جهـان، نه فقـط ممکن است، بلکه حتمی است.»(1). عصـر غیبت، دوران تربیت شـیعه و تجهیز و آمـاده سـازی فکری و روحی و عملی بشـریّت برای انقلاب اسـلامی مهدوی است. ازاین رو، صِرفِ صبوری بر وضعیّت موجود و بی عملی در آن نفی گردیده و بر اقدام عملیِ مناسب و کنشی بهنگام و کوششی برای ساخت حیات طیّبه تأکید شده است.

در دیدگاه حضـرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدّظلّه العالی) انتظار فرج با آرمان گرایی همنشین است؛ امّا به آن معنا نیست که در نقطه ی مقابل واقع بینی مطرح و تعریف شود. ایشان در صـدد آن هسـتند که پیراستی از این تلقّی را ارائه دهند و رابطه ی ملازمه ی میان مقدّمه ی قضـیّه ی شـرطیّه: اگر «کسی آرمان گرا است» با تالی: آنگاه «از عقلانیّت و واقعیّت به دور است» را مرتفع کنند. آرمان گرایی در اندیشه ی انقلاب اسـلامی، به معنی خیال بافی و تلقّیات خلاف واقع نیست؛ بلکه به تعبیر ایشان، آرمان گرایی واقع بینانه است نه واقع گرایانه؛ چرا که اوّلاً مشاهده ی واقعیّات جامعه و جهان، با آرمان گرایی و تعقیب آن هیچ گونه تنافی و تعارضـی ندارد؛ ثانیاً واقع گرایی، افراد را محافظه کار و به پذیرش وضع موجود ترغیب میکند و با تعهّدات انسانی و دینی سازگاری چندانی نمیتواند داشـته باشد؛ ثالثاً آرمان گراییِ صِرف نیز به دلیل نادیـده گرفتن واقعیّتها مطلوب نیست. ترجمان همراهی آرمان گرایی با واقع بینی آن است که حرکت مجاهـدانه در یك چهارچوب تدبیرشده ای قرار بگیرد.

از سویی، انتظار فرج، تلاش برای تغییر وضع موجود به وضع مطلوبی مطابق مراد و مقاصـد نفس امّاره ی فردی و جمعی نیست. در درون مفهوم انقلابی انتظار فرج، تحوّل خواهی و حرکت به سوی آرمانها و مطلوب، مستتر

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان 1381/7/30

است امّا مسئله ی اصلی آن است که کدام مطلوب و در کدام نظام ارزشی موردنظر است؟

مفهوم انقلابی انتظار فرج به معنای نفی عقلانیّت نیست؛ بلکه ذات عقل فطری بشر به دنبال تحوّل خواهی دائمی در راستای جلب منافع درازمدّت و ابدی برای بشریّت مطابق با نقشه ی الهی است؛ لذا مفهوم انتظار در تقابل با توقّف، بازگشت به عقب، تحجّر، ایستایی، شورشگریِ آنارشیستی و نپذیرفتن هیچ نظم و قاعده ای، تخریب، هنجارشکنی و نفی قانون قرار دارد. به عبارتی، در این نگاه، انتظار فرج هیچگاه به وضع موجود رضایت نداده و برای آن، یك فرایند بی انتها به مثابه ارزشهای الهی برای بهره مندی از تمام استعداد و سرمایه ی انسانی و ظرفیّتهای ملّی و جهانی قائل است.

به باور حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدّ ظلّه العالی)، برقراری حکومت مهدوی و رسیدن به فرج نهایی که همان عدالت است، بر اساس طبیعت عالم و حرکت طبیعی عالم به سمت صلاح و خیر است و در این بین طفره بی معنا است. بنابراین فرج نهایی در نهایتِ سیری طبیعی است که در این سیر، هر حرکت و انقلاب عدالت خواه، متناسب با حرکت کلّی عالم و سنن الهی است و همین مسئله یکی از علل حقّانیّت انقلاب اسلامی است؛ لذا میفرمایند: «شما ملّت انقلابی مسلمان باید با حرکت منظّم خود در تداوم انقلاب اسلامی به فرج جهانی انسانیّت نزدیك بشوید؛ و شما باید به سوی ظهور مهدی موعود و انقلاب نهایی اسلامی بشریّت که سطح عالم را خواهد گرفت و همه ی این گره ها را باز خواهد کرد قدم به قدم خودتان نزدیك بشوید و بشریّت را نزدیك کنید؛ این است انتظار فرج.»(1). امّا معنای عدالت که فرج نهایی بشریّت است چیست؟

1- . در نماز جمعه، 1360/3/29

عدالت در تمام مراتب انسانیّت

«هریك از انبیا که آمدند، برای اجرای عدالت آمدند و مقصدشان هم این بود که اجرای عدالت را در همه ی عالم بکنند؛ لکن موفّق نشدند؛ حتّی رسول ختمی [مرتبت] (صلّی الله علیه وآله) که برای اصلاح بشر آمده بود و برای اجرای عدالت آمده بود و برای تربیت بشر آمده بود، باز در زمان خودشان موفّق نشدند به این معنا؛ و آن کس که به این معنا موفّق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد، نه آن هم این عدالتی که مردم عادی میفهمند، مردم عادی می فهمند که فقط قضیه عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد؛ بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیّت. انسان اگر هر انحرافی پیدا کند، انحراف عملی، انحراف روحی، انحراف عقلی، برگرداندن این انحرافات را به معنای خودش، این ایجاد عدالت است در انسان. اگر اخلاقش اخلاق منحرفی باشد، از این انحراف وقتی به اعتدال برگردد، این عدالت در او تحقّق پیدا کرده است. اگر در عقاید یك انحرافاتی و کجیهایی باشد، برگرداندن آن عقاید کج به یك عقیده ی صحیح و صراط مستقیم، این ایجاد عدالت است در عقل انسان. در زمان ظهور مهدی موعود (سلام الله علیه) که خداوند ذخیره کرده است او را از باب اینکه هیچ کس در اوّلین و آخرین، این قدرت برایش نبوده است و فقط برای حضرت مهدی موعود بوده است که تمام عالم را، عدالت را در تمام عالم گسترش بدهد.»(1)

رویکردهای انحرافی در مسئله ی انتظار

رویکرد نفی و تقابل با تشکیل و تأسیس هرگونه حکومتی قبل از ظهور

«یك دسته میگفتند که هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقّق بشود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است. آنها مغرور بودند. آنهایی که بازیگر نبودند، مغرور بودند به بعضی روایاتی که وارد شده است بر این امر

1- . صحیفه ی امام (ره)، ج 12، ص 481

که هر عَلَمی بلند بشود قبل از ظهور حضـرت، آن عَلَم، عَلَم باطل است. آنها خیال کرده بودند که نه، هر حکومتی باشد، درصورتی که آن روایات [اشاره دارد] که هرکس عَلَم بلند کند با عَلَم مهدی، به عنوان «مهدویّت» بلند کند، [باطل است].»(1)

«اینهـایی که میگوینـد که هر عَلَمی بلنـد بشود و هر حکومتی، خیـال کردنـد که هر حکومتی باشـد، این برخلاف انتظار فرج است؛ اینها نمیفهمنـد چی دارنـد میگویند. اینها تزریق کرده اند بهشان که این حرفها را بزنند. نمیدانند دارند چی چی میگویند. حکومت نبودن، یعنی اینکه همه ی مردم به جان هم بریزنـد، بکشـند هم را، بزنند هم را، از بین ببرند، برخلاف نصّ آیات الهی رفتار بکنند. ما اگر فرض میکردیم دویست تا روایت هم در این باب داشـتند، همه را به دیوار میزدیم؛ برای اینکه خلاف آیات قرآن است. اگر هر روایتی بیاید که نهی از منکر را بگوید نباید کرد، این را باید به دیوار زد. این گونه روایت قابل عمل نیست.»(2)

رویکرد بی عملی و فرار از مسئولیّت در دوران انتظار فرج

«بعضـی ها انتظار فرج را به این میدانند که در مسـجد، در حسینیّه، در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان (سلام الله علیه) را از خدا بخواهند. اینها مردم صالحی هسـتند که یك همچو اعتقادی دارند. بلکه بعضـی از آنها را که من سابقاً می شـناختم بسیار مرد صالحی بود، یك اسبی هم خریده بود، یك شمشـیری هم داشت و منتظر حضـرت صاحب (سـلام الله علیه) بود. اینها به تکالیف شرعی خودشان هم عمل میکردند و نهی از منکر هم میکردند و امر به معروف هم میکردند؛ لکن همین، دیگر غیر از این کاری ازشان نمی آمد و فکر این مهم که یك کاری بکنند، نبودند.»(3)

1- . صحیفه ی امام (ره)، ج 21، صص 13 و 14

2- . صحیفه ی امام (ره)، ج 21، ص 16

3- . صحیفه ی امام (ره)، ج 3، ص 340

«این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان (سلام الله علیه) هستیم پس دیگر بنشینیم تو خانه هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم «عَجّلْ عَلی فَرَجِه». عجّل، با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او؛ و فراهم کردن اینکه مسلمین را باهم مجتمع کنید. همه باهم بشوید. ان شاءالله ظهور میکند ایشان.»(1)

«یکی از علما این جوری میگفت - خدا رحمتش کند - که «من که دلم بیشتر نسوخته به اسلام از حضرت صاحب (سلام الله علیه)؛ خب ایشان هم که می بینند این را، خود ایشان بیایند؛ چرا من بکنم.»! این منطق اشخاصی است که میخواهند از زیر بار دربروند. اسلام اینها را نمیپذیرد. اسلام اینها را به هیچ چیز نمیشمرد. اینها میخواهند از زیر بار دربروند. یك چیزی درست میکنند، دو تا روایت از این طرف و از آن طرف میگردند پیدا میکنند که خیر، با سلاطین مثلاً بسازید، دعا کنید به سلاطین. این خلاف قرآن است. اینها نخوانده اند قرآن را. اگر صد تا همچو روایتهایی بیاید، ضربِ به جِدار میشود. خلاف قرآن است، خلاف سیره ی انبیا است؛ بااینکه روایتی نیست. شما وقتی ملاحظه میکنید آن همه روایاتی که اگر کسی میل به این بکند که - روایتی است - که اگر مایل باشی که زنده باشد این سلطان، تو هم با او محشوری. مسلمان مگر میشود مایل باشد به اینکه یکی زنده باشد و ظلم کند، آدم بکشد؟ رابطه داشته باشد با یك کسی که آدم میکشد، عالِم میکشد، علما را میکشد؟... مسلمان اگر بخواهد اهتمام به امور مسلمین نداشته باشد که مسلمان [نیست]؛ «لیس بمسلمٍ» ؛«من اصبح و لم یهتمّ بامور المسلمین فلیس بمسلم(2)» . هی هم بگو لااله الاالله، مسْلم نیست این طور. اسلام آن است که به درد مسلمین بخورد؛ مسْلم آن است که به درد مسلمین بخورد.»(3)

1- . صحیفه ی امام (ره)، ج 18، ص 269

2- . مکاتیب الرسول (ص)، ج 2، ص: 454

3- . صحیفه ی امام (ره)، ج 3، صص 340 و 341

رویکرد بی تفاوتی و سازش کاری با مستکبران و ستمگران

«یك دسته ی دیگری بودند که انتظار فرج را میگفتند این است که ما کار نداشته باشیم به اینکه در جهان چه میگذرد، بر ملّتها چه میگذرد، بر ملّت ما چه میگذرد؛ به این چیزها ما کار نداشته باشیم، ما تکلیفهای خودمان را عمل میکنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند انشاءالله، درست میکنند؛ دیگر ما تکلیفی نداریم؛ تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آنچه در دنیا میگذرد یا در مملکت خودمان میگذرد، نداشته باشیم.»(1)

رویکرد نفی امر به معروف و نهی از منکر در راستای فراگیری ظلم

«یك دسته ای میگفتند که خب، باید عالم پر [از] معصیت بشود تا حضرت بیاید؛ ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری میخواهند بکنند؛ گناه ها زیاد بشود که فرج نزدیك بشود.»(2)

رویکرد دامن زدن و گسترش گناه و ظلم در عالم

«یك دسته ای از این بالاتر بودند، میگفتند: باید دامن زد به گناه ها، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از جور و ظلم بشود و حضرت (سلام الله علیه) تشریف بیاورند. این هم یك دسته ای بودند که البتّه در بین این دسته، منحرفهایی هم بودند، اشخاص ساده لوح هم بودند، منحرفهایی هم بودند که برای مقاصدی به این دامن میزنند.»(3) «منطق حاکمِ خمین را نداشته باشید که میگفت باید معاصی را رواج داد تا امام زمان (علیه السّلام) بیاید! اگر معصیت رواج پیدا نکند، حضرت ظهور نمیکند!»(4). «دیروز مقدّس نماهای

1- . صحیفه ی امام (ره)، ج 21، ص 13

2- . صحیفه ی امام (ره)، ج 21، ص 14

3- . همان

4- . امام خمینی (ره)، ولایت فقیه، ص 69

بی شعور میگفتند دین از سیاست جدا است و مبارزه با شاه حرام است، امروز میگویند مسئولین نظام کمونیست شده اند! تا دیروز مشروب فروشی و فساد و فحشا و فسق و حکومت ظالمان برای ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) را مفید و راهگشا میدانستند، امروز از اینکه در گوشه ای خلاف شرعی که هرگز خواست مسئولین نیست رخ میدهد، فریاد «وا اسلاما» سر میدهند! دیروز «حجّتیّه ای» ها مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه ی مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه یِ شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابی تر از انقلابیون شده اند!»(1).

انتظار فرج و حکومت اسلامی

نقش استکبار و استعمار در باور به جدایی دین از سیاست

«امّا مسئله این است که دست سیاست در کار بوده؛ همان طوری که تزریق کرده بودند به ملّتها، به مسلمین، به دیگر اقشار جمعیّتهای دنیا که سیاست کار شماها نیست؛ بروید سراغ کار خودتان و آن چیزی که مربوط به سیاست است، بدهید به دست امپراتورها. خب، آنها از خدا میخواستند که مردم غافل بشوند و سیاست را بدهند دست حکومت و به دست ظلمه، دست آمریکا، دست شوروی، دست امثال اینها و آنهایی که اذناب اینها هستند و اینها همه چیز ما را ببرند، همه چیز مسلمانها را ببرند، همه چیز مستضعفان را ببرند و ما بنشینیم بگوییم که نباید حکومت باشد؛ این یك حرف ابلهانه است، منتها چون دست سیاست در کار بوده، این اشخاص غافل را، اینها را بازی دادند و گفتند شما کار به سیاست نداشته باشید، حکومت مال ما، شما هم بروید توی مسجدهایتان بِایستید نماز بخوانید! چه کار دارید به این کارها؟»(2)

1- . صحیفه ی امام (ره)، ج 21، ص 281

2- . صحیفه ی امام (ره)، ج 21، ص 16

ضرورت حکومت در عصر غیبت

از آنجا که حکومت ضـرورت عقلی دارد، در عصـر غیبت نیز این ضرورت مضاعف است. امام خمینی (ره) ضرورت حکومت را این گونه بیان میکنـد: «از احکام روشن عقل که هیچ کس انکار آن را نمیتواند بکند آن است که در میانه ی بشـر قانون و حکومت لازم است و عائله ی بشـر نیازمند به تشکیلات و نظامنامه ها و ولایت و حکومتهای اساسی است.»(1)؛ «اینکه میگوید حکومت لازم نیست، معنایش این است که هرج ومرج باشد.»(2)؛ همچنین عقلاً ضـروری است این حکومت از جانب خدا باشد: «کسـی جز خدا حقّ حکومت بر کسی ندارد و خدا به حکم عقل باید خود برای مردم حکومت تشـکیل دهد و قانون وضع کند.»(3)؛ «تشکیلاتی که براساس احکام خدا و عدل الهی تأسـیس شود بهترین تشکیلات است.»(4)؛ «این حرف که قوانین اسـلام تعطیل پـذیر یا منحصـر و محدود به زمان یا مکانی است، برخلاـف ضـروریّات اعتقـادی اسـلام است... به ضـرورت شـرع و عقل آنچه در دوره ی حیات رسول اکرم (صـلّی الله علیه وآله) و زمان امیرالمؤمنین علیّبن ابی طالب (علیه السـلام) لازم بوده، یعنی حکومت و دستگاه اجرا و اداره ی [جامعه]، پس از ایشان و در زمان ما لازم است.»(5).

برخی ادلّه ی شرعی بودن حکومت در عصر غیبت بدین شرح است:

امام خمینی (ره) ذیل روایت «اللّهمّ ارحم خلفائی... الّذین یأتون بعدی و یروون حدیثی و سنّتی(6)» در اثبات ولایت پیغمبر برای فقیه با استفاده از کلمه ی خلیفه - جانشین - میفرماید: «اگر حاکمی کسی را جانشین خود معرّفی

1- . کشف اسرار، ص 181

2- . صحیفه ی امام (ره)، ج 21 ص 15

3- . کشف اسرار، ص 184

4- . کشف اسرار، ص 186

5- . ولایت فقیه، ص 27

6- . جامع الأخبار (للشعیری)، ص: 181

کرد معنی اش آن است که بایـد کارهـای او را در نبودش انجـام دهـد.»(1). در ذیـل مقبـوله ی عمربن حنظله میفرمایـد: «در این روایت مجتهد را حاکم قرار داده و ردّ او را ردّ امام و ردّ امام را ردّ خدا و ردّ خدا را در حدّ شرك به خدا دانسته است.»(2).

«قضـیّه ی غدیر، قضـیّه ی جعل حکومت است؛ این است که قابل نصب است وَالّا مقامات معنوی قابل نصب نیست؛ یك چیزی نیسـت که با نصب آن مقام پیدا بشود؛ لکن آن مقامات معنوی که بوده است و آن جامعیّتی که برای آن بزرگوار بوده است، اسـباب این شده اسـت که او را به حکومت نصب کنند و لهذا، می بینیم که در عرض صوم و صلاة و امثال اینها می آورد و ولایت مجری اینها است. ولایتی که در حـدیث غـدیر است به معنای حکومت است، نه به معنای مقام معنوی... مسـئله، مسـئله ی حکومت است؛ مسـئله، مسـئله ی سیاسـت است.».(3)

«تکلیف مردم در زمان غیبت امام آن است که در تمام امورشان رجوع کننـد به راویان حـدیث و اطاعت از آنها کننـد و امام آنها را حجّت خود کرده و جانشـین خود قرار داده است.»(4). «اگر خـدا شـخص معیّنی را برای حکومت در دوره ی غیبت تعیین نکرده است، لکن آن خاصـیّت حکومتی را که از صدر اسـلام تا زمان حضـرت صاحب (علیه السّلام) موجود بود، برای بعد از غیبت هم قرار داده است.»(5). «فقهای جامع الشّرایط از طرف معصومین نیابت در تمام امور شرعی و سیاسی و اجتماعی دارند و تولّی امور در غیبت کبری موکول به آنان است، لکن این امر غیر ولایـت کـبری است که مخصـوص به معصـوم است.»(6). «اگر چنـانچه فقیه در کـار نباشـد، ولایت فقیه در کار نباشد، طاغوت

1- . کشف اسرار، ص 188

2- . همان

3- . صحیفه ی امام (ره)، ج 20، صص 112-113

4- . کشف اسرار، ص 188

5- . ولایت فقیه، ص 50

6- . صحیفه ی امام (ره)، ج 16، ص 403

است. یا خـدا، یا طاغوت؛ یا خدا است، یا طاغوت. اگر با امر خدا نباشد، رئیس جمهور با نصب فقیه نباشد، غیر مشـروع است؛ وقتی غیر مشروع شد، طاغوت است؛ اطاعت او اطاعت طاغوت است.»(1).

ویژگی حکومت اسلامی

امـام خمینی (ره) ویژگی حکومت اسـلامی را چنین بیـان میکننـد: «حکومت اسـلام حکومت الهی است. فرق مابین حکومتهای دیگر با حکومت اسـلام این است که آنها حکومت را میخواهنـد برای اینکه غلبه کننـد بعضـی بر بعضـی و سـلطه پیدا کنند یك عدّه ای بر عدّه ی دیگر؛ اسـلام [این گونه] نیست؛ این منظورش نیست... حکومت اسـلامی هم این طوری است که میخواهـد حکومت الله در عـالم پیـدا بشود؛ یعنی میخواهد سرباز مسلمان با سربازهای دیگر فرق داشته باشد: این سرباز الهی باشد.»(2).

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدّ ظلّه العالی) نیز در تبیین مفهوم حکومت چنین بیانی دارند: «به طور خلاصه وقتی در نهج البلاغه میخواهیم مفهوم حکومت را به دست بیـاوریم، از آن طرف نگاه میکنیم می بینیم آن که در رأس حکومت است والی است، ولیّ امر است، متصـدّی کارهای مردم است، یك وظیفه دار و مکلّف بزرگ است، یك انسانی است که بیشترین بار و سـنگین ترین مسـئولیّت بر دوش او است؛ و در سوی دیگر انسانها قرار دارند که باید با همه ی ارزشـهایشان، با همه ی آرمانهایشان، با همه ی عناصـر مُشَکِّلِه ی شخصیّتشان مـورد رعـایت قرار بگیرنـد؛ این مفهـوم حکومت است، نه سـلطه گری است، نه زورمـداری است، نه افزون طلـبی است. امیرالمؤمنین در بخشـهای مهمّی از نهـج البلاغه به حیطه ی حکومت اشاره میکنـد. شایـد ده ها جمله در نهـج البلاغه میتوان نشان داد که مفهوم شـریف حکومت را از

1- . صحیفه ی امام (ره)، ج 10، ص 221

2- . صحیفه ی امام (ره)، ج 8، صص 435-436

نظر علیّین ابی طالب (علیه السّلام) مشخّص میکند؛ ازجمله در ابتدای فرمان مالك اشتر: «ولّاه مصر جباية خراجها و جهاد عدوّها و استصلاح اهلها و عمارة بلادها» (1)؛ این است معنای حکومت. اگر مالك اشتر به عنوان استاندار و والی و حاکم مصر معیّن میشود، نمیرود آنجا تا برای خود عنوانی و قدرتی کسب کند، یا سود و بهره ی مادّی را به خود متوجّه کند؛ میرود آنجا تا این کارها را انجام بدهد، سهم مردم را در اداره ی امور مالی کشور از آنها بگیرد، با دشمنان مردم مبارزه کند، آنها را در مقابل دشمنهایشان مصونیّت بدهد، آنها را به صلاح نزدیك کند - صلاح با بُعد وسیع مادّی و معنوی اش که از نظر علی (علیه السّلام) و در منطق نهج البلاغه مطرح است - شهر را و حیطه ی حکومت خود را آباد کند؛ یعنی به طور خلاصه انسانها را بسازد، سرزمین را آباد کند، اخلاق و ارزشهای معنوی را بالا ببرد، وظایف مردم و آنچه را که در جنب حکومت برعهده ی آنها است آنها را استنقاذ کند و استعداء کند.»(2).

منشأ مشروعیّت حکومت اسلامی و فعلیّت آن

«از نظر علی (علیه السّلام) منشأ اصلی حکومت یك سلسله ارزشهای معنوی است؛ آن کسی میتواند بر مردم حکومت کند و ولایت امر مردم را به عهده بگیرد که از یك خصوصیّاتی برخوردار باشد. نگاه کنید به نامه های فراوان علی (علیه السّلام) به معاویه و به طلحه و زبیر و به عاملان خود و به مردم کوفه و به مردم مصر، نامه های فراوانی که اگر یکی اش را هم بخواهیم اینجا بخوانیم وقت زیادی را خواهد گرفت. او حکومت را و ولایت امر مردم را ناشی از یك ارزش معنوی میداند؛ امّا فقط این ارزش معنوی هم کافی نیست برای اینکه انسان فعلاً و عملاً حاکم و والی باشد، بلکه مردم هم در اینجا سهمی دارند و آن بیعت است. امیرالمؤمنین در هر دو بخش تصریحاتی دارد که متأسّفانه

1- . نهج البلاغه، نامه ی 53

2- . در اوّلین کنگره ی بین المللی نهج البلاغه، 1360/2/9

نمیخواهم وقت را حالا به این بگـذرانم. آنچه درباره ی اهل بیت آمده آن را هم اضافه کنید به نامه های امام به رقبای حکومتش در آن زمان که اشـاره کردم؛ اشـاره کردم، در کنـار این، آن بیانـاتی که دربـاره ی اهـل بیت وارد شـده همچنین میتوانـد آن ارزشـهای معنوی که ملاك حکومت هست، اینها را بیان کنـد و مشـخّص کند؛ امّا فقط این نیست، بلکه بیعت هم شـرط است. «انّه بایعنی القوم الّذین بایعوا ابابکر و عمر و عثمـان علی مـا بـایعوهم علیهم فلم یکن للشاهـد عن یختار و لا للغائب عن یرد و انما الشوری للمهاجرین و الانصار فان اجتمعوا علی رجلٍ و سموه اماماً کان ذلك لله رضی» (1)؛ اگر مهاجر و انصار جمع بشوند و کسی را پیشوای خود بدانند و به امامت او گردن بنهند خدا بر این راضی است. بیعت منجّزکننده ی حقّ خلافت است؛ آن ارزشها آن وقتی میتواند فعلاً و عملاً کسی را به مقام ولایت امر برساند که مردم هم او را بپذیرنـد و قبول کنند، که این مسـئله در باب نقش مردم در حکومت باز مورد توجّه قرار میگیرد.»(2). «حکومت آینده ی حضـرت مهدی موعود (ارواحنا فداه)، یك حکومت مردمی به تمام معنا است. مردمی یعنی چه؟ یعنی متّکی به ایمانها و اراده ها و بازوان مردم است. امـام زمان، تنها دنیا را پر از عـدل و داد نمیکنـد؛ امام زمان از آحاد مؤمن مردم و با تکیه به آنها است که بنای عـدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار میبخشد و یك حکومت صددرصد مردمی تشکیل میدهد.»(3).

حکومت، یك حق و یك تکلیف

«امیرالمؤمنین به طور خلاصه و مجمل حکومت را هم یك حق میداند هم یك تکلیف. این جور نیست که هرکسی که برایش شرایط تولیت امور مردم فراهم شد و توانست به نحوی با کسب وجاهت، با تبلیغ، با کارها

1- . نهج البلاغه، نامه ی 6

2- . در اوّلین کنگره ی بین المللی نهج البلاغه 1360/2/29

3- . در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران 1381/7/30

و شـیوه هایی که معمولاً طالبان قـدرت خوب بلدنـد آن شـیوه ها را انجام بدهنـد، به هر نحوی توانست نظر مردم را جلب کنـد، این بتواند حکومت کند. حق متعلّق به کسان معیّنی است. این به معنای این نیست که یك طبقه، طبقه ی ممتازند؛ در جامعه ی اسلامی همه فرصت و میـدان دارنـد که خود را به آن زیورها بیارایند؛ همه میتوانند آن شـرایط را برای خود کسب کنند... بنابراین ولایت را یك حق میداند و این جای انکار نیست.»(1)

«امیرالمؤمنین حکومت را یك حق میدانـد، همچنانی که یك وظیفه نیز میدانـد. یعنی آن روزی که اطراف علی را میگیرنـد «فما راعنی الّا و النّـاس کعرف الضّـبع الی ینثـالون علیّ من کـلّ جانب حتّی وطیء الحسـنان و شقّ عطفای» (2) مردم آنچنـان انبوه بر من گرد آمدنـد که فرزنـدان مرا در زیر پاهای خود لگدمال کردند. مردم مشـتاقانه، نیازمندانه، از علی میخواهند که به نیاز آنها پاسخ بگوید. امیرالمؤمنین برای حکومت یك شأن واقعی قائل نیست، حکومت برای علی یك هـدف نیست، همچنانی که در بحث بعـدی باید روشن بشود، امّا بااین حال حکومت را میپـذیرد به عنوان یك وظیفه، و می ایسـتد و از آن دفاع میکند: «فلولا حضور الحاضـر و قیام الحجّة بوجود ناصـر و ما اخذ الله علی العلماء ان لا یقارّوا علی کظّـة ظالم و لا سـغب مظلوم لالقیت حبلها علی غاربها و لسـقیت آخرها بکأس اوّلها و لالفیتم دنیاکم هذه ازهد عندی من عفطة عنز» (3)؛ بازهم برای من حکومت ارزشـی ندارد؛ بازهم حاضـر نیسـتم برای به دست آوردن یك مقام، یك جاه، از ارزشـها بگذرم؛ بازهم حاضرم با همان جام نخستین این جمع را سیراب کنم؛ همچنانی که روز اوّل کنار نشستم بازهم کنار بنشینم. مؤکّداً میگوید: «دعونی والتمسوا غیری» (4)؛ مرا بگذارید به سـراغ دیگران بروید؛ امّا وقتی احساس میکند که وظیفه است، احساس میکند زمینه آماده است و او

1- . در اوّلین کنگره ی بین المللی نهج البلاغه 1360/2/29

2- . نهج البلاغه، خطبه ی 3

3- . همان

4- . نهج البلاغه، خطبه ی 92

میتواند این نقش عظیم و اساسی را برعهده بگیرد، آن وقت قبول میکند.»(1). «خطّ اساسی فاصل میان حکومت علی و حکومت دیگران همین است که حکومت برای علی هدف نیست، یك وسیله است آن هم برای آرمانهای معنوی.»(2).

فلسفه ی سیاسی شیعه ی امامیّه

اصل امامت و ولایت، به عنوان فلسفه ی سیاسی شیعه ی امامیّه بوده و نافی هرگونه آموزه ی آنارشیستی است. در مکتب شیعه اصل لزوم حکومت اسلامی و درنتیجه خالی نبودن زمان از فلسفه ی سیاسی مورد تأیید قرار گرفته است. به گونه ای که هیچ زمانی خالی از امام و حجّت خداوندی نیست. از سوی دیگر آموزه ی غیبت و انتظار فرج از اصول بنیادین عقاید امامیّه است. ولایت مطلقه ی فقیه همان فلسفه ی سیاسی امامت در دوران غیبت است، که امتداد فلسفه ی سیاسی امامت در دوران حضور است. عصر غیبت از منظر امام خمینی (ره)، عصر بلاتکلیفی نیست بلکه در عصر غیبت نیز نسبت به امر سیاسی - اجتماعی تکلیف وجود دارد که همان تشکیل حکومت اسلامی است، تا مقدّمه ای برای ظهور بوده و شیعیان در انتظار فرج، برای قدرت سیاسی اسلام خدمت میکنند. «انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است.»(3). در مفهوم انتظار فرج، نحوی انقلابیگری و طلب سیاسی - اجتماعی نهفته است؛ چنان که به باور امام خمینی (ره)، نفی حکومت در دوران غیبت به معنی تأیید آنارشیسم و هرج ومرج است که امری معقول نیست و خلاف نصوص قرآنی است. نظام سیاسی استنباطی امام خمینی (ره) برای عصر غیبت، ولایت مطلقه ی فقیه است که استمرار

1- . در اوّلین کنگره ی بین المللی نهج البلاغه 1360/2/29

2- . همان

3- . صحیفه ی امام (ره)، ج 8، ص 374

فلسفه ی سیاسی امامت است. بنابراین میتوان چنین برداشت کرد که از دیدگاه امام خمینی (ره) ولایت فقیه، دولت انتظار در عصر غیبت است و زمینه ساز برای ظهور است. برداشتهای ناصواب از انتظار فرج ریشه در فردی دیدن احکام اسلامی، فرار از تکلیف سیاسی و بی مسئولیّتی، ساده لوحی و رواج اندیشه ی استعماری جدایی دین از سیاست دارد. امام خمینی (ره) بر اهمّیّت مؤلّفه ی «امید» نیز برای پیروزی انقلابها تأکید کرده و آن را از آموزه ی «انتظار فرج» استنباط میکنند. انتظار فرج یك امید هیجان انگیز دانسته شده است که درنتیجه آن مؤمنین هیچگاه نباید مأیوس، ناامید و بیهوده گرا باشند بلکه عنایت و نصرت الهی همواره به سوی آنان خواهد بود. امّا در مواجهه با آرمان خواهی در آموزه ی انتظار فرج و تمایل به جهادی خستگی ناپذیر – که بنیان آن در قیام امام حسین (علیه السّلام) است – دو رویکرد متقابل نسبت به نظریّه ی انتظار ایجاد شده است که یکی رویکرد ترك مبارزه و مسئولیّت اجتماعی است که مبتنی بر روایاتی با مضامین بطلان قیام و انقلاب پیش از ظهور است. در این تفکّر هر نوع مبارزه ای باعث تأخیر در ظهور است و نباید امر به معروف و نهی از منکر کرد! امام خمینی (ره) نشان داده است که با چنین رویکردی با مسئله ی انتظار فرج مقابله کردند. همچنین شهید آیت الله مطهّری نیز در کتاب «قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه یِ تاریخ» با این رویکرد مخالفت کرده و آن را به اندیشه ی مارکسیست ها تشبیه کرده است. در نظر شهید مطهّری، برداشت نادرست از مقوله ی انتظار ناشی از این دیدگاه است که عدّه ای قیام مهدی موعود (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) را دارای ماهیّت انفجاری میدانند؛ درحالی که از آیات و روایات موجود چنین استفاده میشود که ظهور، حلقه ای از حلقات مبارزه ی اهل حق و اهل باطل است:

«برداشت قشری مردم از مهدویّت و قیام و انقلاب مهدی موعود این است که صرفاً ماهیّت انفجاری دارد؛ فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج

ظلمهـا و تبعیضـها و اختناقها و حق کشـی ها و تباهی ها ناشـی میشود؛ نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شـدن است. آنگاه که صلاح به نقطه ی صـفر برسـد، حق و حقیقت هیـچ طرف داری نداشـته باشد، باطل یکّه تاز میدان گردد، جز نیروی باطل نیرویی حکومت نکنـد، فرد صـالحی در جهـان یافت نشود، این انفجار رخ میدهـد و دست غیب برای نجات حقیقت – نه اهل حقیقت، زیرا حقیقت طرف داری نـدارد – از آستین بیرون می آید... اینجا است که گناه، هم فال است و هم تماشا، هم لذّت و کام جویی است و هم کمك به انقلاب مقـدّس نهـایی... این نوع از برداشت ازآن جهت که بـا اصـلاحات مخـالف است و فسادهـا و تباهی ها را به عنوان مقـدّمه ی یك انفجار مقـدّس، موجّه و مطلوب میشـمارد، بایـد «شـبه دیالکتیکی» خوانـده شود، با این تفاوت که در تفکّر دیالکتیکی با اصـلاحات ازآن جهت مخالفت میشود و تشدید نابسامانی ها ازآن جهت اجازه داده میشود که شکاف وسیع تر شود و مبارزه پیگیرتر و داغ تر گردد، ولی این تفکّر عامیانه فاقد این مزیّت است؛ فقط به فساد و تباهی فتوا میدهد که خودبه خود منجر به نتیجه ی مطلوب بشود.

آن عـدّه از آیات قرآن کریم – که همچنان که گفتیم ریشه ی این انـدیشه است و در روایات اسـلامی بـدانها اسـتناد شده است – در جهت عکس برداشت بالا است. از این آیات اسـتفاده میشود که ظهور مهدی موعود حلقه ای است از حلقات مبارزه ی اهل حق و اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی میشود. سـهیم بودن یك فرد در این سـعادت موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد. آیاتی که بدانها در روایات اسـتناد شده است نشان میدهد که مهدی موعود (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالـح داده شـده است، مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است: «وَعَدَ اَللّٰهُ اَلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا اَلصّٰالِحٰاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي اَلْأَرْضِ كَمَا اِسْتَخْلَفَ اَلَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ اَلَّذِي اِرْتَضىٰ لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ

بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً يَعْبُدُونَنِي لاٰ يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً» (1) . ظهور مهدی موعود منّتی است بر مستضعفان و خوارشمرده شدگان، و وسیله ای است برای پیشوا و مقتدا شدن آنان، و مقدّمه ای است برای وراثت آنها خلافت الهی را در روی زمین: «وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى اَلَّذِينَ اُسْتُضْعِفُوا فِي اَلْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ اَلْوٰارِثِينَ» (2). ظهور مهدی موعود، تحقّق بخش وعده ای است که خداوند متعال از قدیم ترین زمانها در کتب آسمانی به صالحان و متّقیان داده است که زمین از آنِ آنان است و پایان تنها به متّقیان تعلّق دارد: «وَ لَقَدْ كَتَبْنٰا فِي اَلزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ اَلذِّكْرِ أَنَّ اَلْأَرْضَ يَرِثُهٰا عِبٰادِيَ اَلصّٰالِحُونَ»(3) ؛ «إِنَّ اَلْأَرْضَ لِلّٰهِ يُورِثُهٰا مَنْ يَشٰاءُ مِنْ عِبٰادِهِ وَ اَلْعٰاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (4). حدیث معروف که میفرماید: «یملأ الله به الارض قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما و جورا» نیز شاهد مدّعای ما است نه بر مدّعای آن گروه. در این حدیث نیز تکیه بر روی ظلم شده است و سخن از گروه ظالم است که مستلزم وجود گروه مظلوم است و میرساند که قیام مهدی برای حمایت مظلومانی است که استحقاق حمایت دارند. بدیهی است که اگر گفته شده بود: «یملأ الله به الارض ایماناً و توحیداً و صلاحاً بعد ما ملئت کفراً و شرکاً و فسادا» مستلزم این نبود که لزوماً گروهی مستحقّ حمایت وجود داشته باشد. در آن صورت استنباط میشد که قیام مهدی موعود برای نجات حقِّ از دست رفته و به صفر رسیده است نه برای گروه اهل حق ولو به صورت یك

1- . سوره ی نور، بخشی از آیه ی 55، ترجمه: «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدّل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریك نگردانند.»

2- . سوره ی قصص، آیه ی 5، ترجمه: «و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند منّت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم.»

3- . سوره ی انبیا، آیه ی 105، ترجمه: «و درحقیقت در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ی ما به ارث خواهند برد.»

4- . سوره ی اعراف، بخشی از آیه ی 128، ترجمه: «زمین از آن خدا است آن را به هرکس از بندگانش که بخواهد میدهد و فرجام [نیك] برای پرهیزکاران است.»

اقلّیّت. شیخ صدوق روایتی از امام صادق (علیه السّلام) نقل میکند مبنی بر اینکه این امر تحقّق نمیپذیرد مگر اینکه هریك از شقی و سعید به نهایت کار خود برسد. پس سخن در این است که گروه سعداء و گروه اشقیاء هرکدام به نهایت کار خود برسند؛ سخن در این نیست که سعیدی در کار نباشد و فقط اشقیاء به منتها درجه ی شقاوت برسند. در روایات اسلامی سخن از گروهی زبده است که به محض ظهور امام به آن حضرت ملحق میشوند. بدیهی است که این گروه ابتدابه ساکن، خلق نمیشوند و به قول معروف از پای بوته ی هیزم سبز نمیشوند. معلوم میشود در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد، زمینه هایی عالی وجود دارد که چنین گروه زبده را پرورش میدهد.»(1).

بنابراین مبارزات طیفی از علمای شیعه و بویژه امام خمینی (ره) باعث ارائه ی رویکرد فعّال و سازنده از مقوله ی انتظار گردیده است؛ لذا انتظار نور امید است؛ دست روی دست گذاشتن و تنها به امید آینده نشستن، انتظاری بی محتوا است، کمااینکه روایتِ «افضل اعمال امّتی انتظار الفرج» (2)، بیان میکند که انتظار فرج، یك عمل سازنده و به معنای ایجاد زمینه ی کمال و رشد عقلی برای ظهور با اصلاح جامعه است.

روش تحقیق در مسئله ی انتظار و مهدویّت

از دیدگاه آیت الله العظمی خامنه ای

«از کارِ عالمانه و همراه با دقّت در مسئله ی انتظار و مسئله ی دوران ظهور نباید غفلت کرد... این هم کار هرکسی نیست؛ باید اهل فن باشد، اهل حدیث باشد، اهل رجال باشد، سند را بشناسد، اهل تفکّر فلسفی باشد؛ بداند، حقایقی را بشناسد؛ آن وقت میتواند در این زمینه وارد میدان بشود و کار تحقیقاتی انجام بدهد.»(3)

***

1- . قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه ی تاریخ، صص 436 تا 439

2- . صحیفة الإمام الرضا علیه السلام، ص: 54

3- . در دیدار اساتید و فارغ التّحصیلان تخصّصی مهدویّت 1390/4/18

در همین موضوع مهدویّت و قضایای مربوط به امام زمان – مسئله ی انتظار، مسئله ی طول عمر، مسئله ی دوران حکومت، مسئله ی وظایفی که منتظرین دارند، و مسائل گوناگونی که وجود دارد – بهترین مرجع عبارت است از حدیث و آنچه از خود ائمّه (علیهم السّلام) نقل شده، که جای تردیدی را باقی نمیگذارد و این مهم ترین مطلب است. همین طور که آقای ری شهری اشاره کردند، بنده هم به این معنا معتقدم که شواهد عقلی و اعتباری به عنوان مؤیّد میتوانند به کار بروند، [امّا] آنچه تعیین کننده و قاطع است، منابع روایی و حدیثی و قرآنی است که به اینها بایستی تکیه کرد، از اینها باید استفاده کرد. البتّه باید تنقیح بشود؛ به حرفهای سست نباید اعتماد کرد. حرف قرص کم نداریم؛ حرفهای قوی، محکم و بنیادهای فکری مستحکم بحمدالله در این زمینه خیلی زیاد است و میتوان به اینها تکیه کرد و از اینها استفاده کرد.(1)

وضوح مسئله ی مهدویّت عام و خاص

اصل مهدویّت از واضحات و از ضروریّات مذهب تشیّع و از ضروریّات اسلام و همه ی ادیان است – امر واضحی است؛ مهدویّت با معنای خاصّ شیعی آن یعنی مشخّص شدن وجود مبارك و مقدّس مهدی (علیه الصّلاة و السّلام) که در مذاهب دیگر و ادیان دیگر این تشخّص وجود ندارد؛ مخصوص شیعه است که مهدی را می شناسد: با نام، با خصوصیّات، با پدر، مادر، خانواده؛ این هم جزو مسائل واضح و قطعی و ضروری در مذهب ما است؛ یعنی جای هیچ ریبی، تردیدی، شبهه ای وجود ندارد؛ اینها روشن و مسلّم است.(2)

1- . در دیدار مسئولان و پژوهشگران مؤسّسه ی دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث 1393/3/21

2- . در دیدار کارکنان دفتر مقام معظّم رهبری و خانوادهای آنان؛ 1393/3/22

فصل اوّل : مفهوم شناسی انتظار فرج

اشاره

ص: 25

مفهوم فرج

انتظار فرج یعنی انتظار گشایش از کار انسانیّت. امروز کار انسانیّت در گره های سخت پیچیده و گره خورده است؛ همه ی بشریّت اسیر دو قدرت بزرگ است، قدرت غرب و قدرت شرق، قدرت آمریکا و شوروی و همه ی قدرتهای دیگر هم ضمن آنکه خودشان همان خودکامگی ها را میکنند، در خط سیر یکی از این دو قدرت عمل میکنند. این یك گره بزرگ در کار انسانیّت امروز. امروز فرهنگ مادّی بزور به انسانها تحمیل شده است؛ این یك گره است. امروز در سطح دنیا تبعیض انسانها را می آزارد؛ این گره بزرگی است. امروز کارِ ذهنیّت غلط، مردم دنیا را به آنجا رسانده اند که فریاد عدالت خواه یك ملّت انقلابی در میان عربده های مستانه ی قدرتگرایان و قدرتمندان گم میشود؛ این یك گره است. امروز مستضعفان آفریقا و آمریکای لاتین و میلیون ها انسان گرسنه ی آسیا و آسیای دور، میلیون ها انسان رنگین پوستی که از ستم تبعیض نژادی رنج میبرند، چشم امیدشان به یك فریادرس و نجات بخش است. و قدرتهای بزرگ نمیگذارند ندای آن نجات بخش به گوش آنها برسد؛ این یك گره است. فرج یعنی باز شدن این گره ها.(1)

1- . در خطبه های نماز جمعه، 1360/3/29

مصادیق فرج:

الف) عدالت، خواسته ی عمومی بشریّت

اشاره

برجسته ترین شعار مهدویّت عبارت است از عدالت. مثلاً در دعای ندبه وقتی شروع به بیان و شمارش صفات آن بزرگوار میکنیم، بعد از نسبت او به پدران بزرگوار و خاندان مطهّرش، اوّلین جمله ای که ذکر میکنیم، این است: «اَین المعدّ لقطع دابر الظّلمة، اَین المنتظر لإقامة الأمت و العوج، اَین المرتجی لإزالة الجور و العدوان» (1)؛ یعنی دل بشریّت میتپد تا آن نجات بخش بیاید و ستم را ریشه کن کند؛ بنای ظلم را – که در تاریخ بشر، از زمانهای گذشته همواره وجود داشته و امروز هم با شدّت وجود دارد – ویران کند و ستمگران را سر جای خود بنشاند. این اوّلین درخواست منتظران مهدی موعود از ظهور آن بزرگوار است. یا در زیارت آل یاسین وقتی خصوصیّات آن بزرگوار را ذکر میکنید، یکی از برجسته ترین آنها این است که «الّذی یملأ الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت جوراً و ظلما» (2). انتظار این است که او همه ی عالم – نه یك نقطه – را سرشار از عدالت کند و قسط را در همه جا مستقر نماید. در روایاتی هم که درباره ی آن بزرگوار هست، همین معنا وجود دارد. بنابراین انتظار منتظران مهدی موعود، در درجه ی اوّل، انتظار استقرار عدالت است.(3)

***

انتظار، یکی از پربرکت ترین حالات انسان است؛ «منتظر بودن»؛ منتظرِ چه؟ منتظر یك دنیای روشن از نور عدل و داد؛ «یملأ اللّه به الارض قسطاً و عدلا» (4). خدای متعال سرزمین بشری را و همه ی روی زمین را به دست او از عدالت و دادگستری پر خواهد کرد.(5)

***

1- . الاقبال، ص 297

2- . کمال الدّین، ج 1، ص 287

3- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1381/7/30

4- . بحار الأنوار (ط – بیروت)، ج 38، ص: 126

5- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1368/12/22

مظهر عدل پروردگار، امام زمان است و میدانیم که بزرگ ترین خصوصیّت امام زمان (علیه الصّلاة و السّلام) که در دعاها و در زیارات و در روایات هست، عدالت است؛ «یملا اللّه به الارض قسطاً و عدلا» .(1)

***

در تمام آثار دینی که شما نگاه میکنید، هدف و غایت برای حرکت جامعه ی اسلامی، تشکیل جامعه ی عادله است. راجع به امام زمان این همه اثر هست و در اغلبِ اینها گفته میشود که آن بزرگوار تشریف بیاورند تا اینکه جهان را پر از عدل کنند. بیش از آنکه گفته شده «پر از دین حق کنند»، گفته شده «پر از عدالت کنند».(2)

***

و انتظار ظهور آن بزرگوار، انتظار حضور یك جهانِ پر از عدل و داد است؛ انتظار عدالت است برای همه ی انسانها؛ انتظار رفع ظلم است از صحنه ی زندگی بشر؛ انتظار تطهیر دامان بشریّت است از آنچه زورگویان عالم و دشمنان بشریّت بر او تحمیل کرده اند؛ این یك چنین انتظاری است. این انتظار دنیای برتر است برای معنویّات و مادّیّات بشر. در دوران امام زمان، مادّیّات انسانها هم از امروز بهتر خواهد شد؛ فقط معنویّات نیست. بشر را خدای متعال دارای جنبه ی مادّه و معنا آفریده است، کمال او هم در هر دو جنبه است. حکومت کامله و عادله ی الهی هم متکفّل هر دو جنبه است.(3)

***

در مورد ظهور حضرت بقیة الله الاعظم (ارواحنا فداه وعجّل الله فرجه)، در بیشتر روایات و ادعیه و زیاراتی که درباره ی آن بزرگوار است و اسمی از آن بزرگوار است، به دنبال مسئله ی ظهور و قیام آن حضرت، «یملأ اللّه به الارض قسطاً

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1368/12/22

2- . در دیدار هیئت دولت در آغاز کار دولت 1372/6/3

3- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1375/10/6

وعـدلا» هست. خـدا به وسـیله ی او، زمین را پر از قسط و عـدل میکنـد. البتّه خـدا به وسـیله ی امام زمان، زمین را از دین خودش هم پر میکنـد؛ امّـا آن چیزی که در دعـا و زیارت و روایت گفته میشود، «یملأ الارض به الـدّین، دین الحق» نیست - مگر در بعضـی از جاها که تعبیراتی هست - متعلّق «یملأ»، قسط و عدل، عدالت، دادگری و انصاف است؛ چرا؟ چون بشر بیشتر از همه چیز، از ظلم و بیدادگری رنج میبرد.(1)

***

بنای قوام اساسـی دعوت، حکومت و نهضت انبیا بر عدل است؛ «لِیَقُومَ اَلنّٰاسُ بِالْقِسْطِ» (2)؛ عدالت همه چیز است. شـما هم که آرزوی قیامِ حکومتِ عادله ی حجّت الهی (اروحنافداه) را دارید، تکرارتان در دعا و زیارت این است که «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلا» (3)؛ در درجه ی بعد میگوییم که دین خدا را هم اشاعه دهد.(4)

***

امروز ما انتظار فرج داریم؛ یعنی منتظریم که دست قدرتمنـد عدالت گستری بیاید و این غلبه ی ظلم و جور را که همه ی بشـریّت را تقریباً مقهور خود کرده است، بشـکند و این فضای ظلم و جور را دگرگون کند و نسـیم عدل را بر زندگی انسانها بوزاند، تا انسانها احساس عدالت کنند.(5)

***

انتظار فرج معنایش این نیست که انسان بنشیند، دست به هیچ کاری

1- . در خطبه هـای نماز جمعه ی تهران 1375/11/12؛ نظیر این بیان، در دیدار مسـئولان دستگاه قضایی کشور و خانواده های شهدای هفتم تیر 1377/4/7 و نیز در جلسه ی پرسش و پاسخ با مدیران مسئول و سردبیران نشریّات دانشجویی 1377/12/4 تکرار شده است.

2- . سوره ی حدید، بخشی از آیه ی 25، ترجمه: «تا مردم به انصاف برخیزند»

3- . کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج 2، ص: 567؛ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج 36، ص: 316

4- . در دیدار مسئولان قضایی و قضات کشور 1373/4/6

5- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1387/5/27

نزند، هیچ اصلاحی را وجهه ی همّت خود نکند، صرفاً دل خوش کند به اینکه ما منتظر امام زمان (علیه الصّلاة و السّلام) هستیم. اینکه انتظار نیست. انتظارِ چیست؟ انتظارِ دست قاهرِ قدرتمندِ الهی ملکوتی است که باید بیاید و با کمك همین انسانها سیطره ی ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را بلند کند؛ انسانها را بنده ی واقعی خدا بکند.(1)

***

الان نزدیك 1200 سال است که ملّت اسلام و شیعه در انتظار ظهور مهدی موعود (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف و جعلنا الله فداه) است؛ چه خصوصیّتی برای آن بزرگوار ذکر میکنید؟ «الّذی یملأ الله به الارض قسطاً و عدلا» .... در محیط قسط و عدل است که انسانها میتوانند رشد کنند، به مقامات عالی بشری برسند و کمال انسانی خودشان را به دست بیاورند. قسط و عدل یك مقدّمه ی واجب است برای کمال نهایی انسان.(2)

***

آنچه ما درباره ی امام زمان میدانیم و به ما رسیده است، بیانگر این است که اهداف و آرمانهای امام زمان که بنا است اینها را در محیط زندگی بشر و در مقیاس جهانی تحقّق ببخشد، آرمانهای مشترك همه ی انسانها است. شما در زیارتها و دعاها میخوانید: «یملأ الله به الأرض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جورا» (3)، یا در یك دعا آمده است: «بعد ما ملئت ظلماً و جورا» (4). شیعه، حضرت را به این عنوان می شناسد که می آید دنیا را پر از عدل و داد میکند. عدل و داد یعنی خواسته ی بشر در طول تاریخ؛ خواسته ای که

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1387/5/27

2- . در دیدار جمعی از فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی 1376/4/25

3- . بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج 38، ص: 126

4- . مفتاح الجنان، دعای عدیله ی کبیر

هنوز هم تحقّق پیدا نکرده. بشـر همیشه اشتیاق و آرزوی عدل و داد را داشته است. به شکلهای مختلف در دنیا ظلم بوده، امروز هم که دنیا به معنای واقعی کلمه پر از ظلم و جور است. می بینید دنیا را؛ می بینید مسـلّطین بر عالم را، می بینید قدرتمندان را؛ می بینید فشار بر ملّتها را، فشـار بر ضـعفا را، برخوردهـای مغرضـانه و کینه ورزانه ی بـا حقایق مقـدّس را. امروز دنیا این جوری است. در گذشـته هم به اَشـکال مختلفی دنیا برای کسانی که دادخواه بودند، دنبال عدل و داد بودند، مشـکلات داشـته: «ضٰاقَتْ عَلَيْهِمُ اَلْأَرْضُ بِمٰا رَحُبَتْ» (1)؛ دنیا با همه ی گستردگی اش، بر انسانها تنگ می آمـد؛ مثل زنـدان، انسانها را فشار میداد. امام زمان (سـلام الله علیه و عجّل الله فرجه و ارواحنا فداه) می آید تا این خواسته ی عمومی و تاریخی بشر را محقّق کند. نفرمودند: «یملأ الله به الأرض دینا». البته دین را هم گسترش خواهد داد، امّا شاخصه این نیست؛ شاخصه، عـدل و داد است. آنچه هم که در روایات ما، در آثار ما، انسان درباره ی خصوصـیّات زمان امام زمان (علیه الصّلاة و السّلام) میخواند و می شنود، بیشتر متوجّه همینها است... آرمانهای امام زمان، آرمانهای عمومی انسان است؛ آرمانهای تاریخی بشر است.(2)

***

شب میلاد آن کسی [است] که درباره ی او سخنی گفته شده است که درباره ی هیچ یك از پیغمبران و اولیای الهی و ائمّه گفته نشده است و آن این است که «یملأ الله به الارض قسـطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جورا» (3)؛ درباره ی هیچ پیغمبری چنین چیزی گفته نشده؛ حتّی درباره ی پیغمبر آخرالزّمان. آن دست توانایی که میتواند همه ی سـطح عالم را از نعمت عدل و داد برخوردار بکند، دست توانای او است. خداوند این فضیلت بزرگ را برای او قرار داده

1- . سوره ی توبه، بخشی از آیه ی 118، ترجمه: «زمین با همه فراخی اش بر آنان تنگ گردید»

2- . در دیدار کارکنان دفتر مقام معظّم رهبری و خانواده های آنان 1392/4/2

3- . بحارالانوار، ج 36، ص 316

است؛ نه برای دیگر اولیا، نه برای دیگر انبیا، نه برای دیگر برجستگان عالم و مقرّبان مقام حق، فقط او است که این تعبیر درباره ی او آمده است.(1)

مفهوم استقرار عدالت

بشریّت دارد همین طور این راه را طی میکند تا به اتوبان برسد؛ این اتوبان، دورانِ مهدویّت است، دوران ظهور حضرت مهدی (سلام الله علیه) است. این جور نیست که وقتی به آنجا رسیدیم، یك حرکت دفعی انجام بگیرد و بعد هم تمام بشود؛ نه، آنجا یك مسیر است. در واقع باید گفت زندگی اصلی بشر و حیات مطلوب بشر از آنجا آغاز میشود و بشریّت تازه می افتد در راهی که این راه یك صراط مستقیم است و او را به مقصد آفرینش میرساند؛ «بشریّت» را میرساند، نه آحادی از بشریّت را، نه افراد را، مجموعه ها را میرساند. البتّه این به معنای این نیست که در آن وقت طبیعت بشر تغییر پیدا میکند؛ نه، طبیعت بشر، طبیعت ستیزه ی درونی و درگیری درونی میان خیر و شر است. عقل انسان هست، طبع انسان هم هست؛ غرایز انسان احکامی دارند، کشش هایی دارند، تمایلات طبیعی انسان کار خودشان را میکنند، عقل هم کار خود را میکند؛ این تنازع در آن دوران هم وجود خواهد داشت. این جور نیست که در آن دوران، بشریّت یکپارچه تبدیل بشود به فرشته؛ نه، آنجا هم طبعاً این درگیری هست، طبعاً خوب و بد هم در آن وقت وجود دارد؛ منتها راه و جادّه، جادّه ای است که مساعدِ خوب شدن و خوب حرکت کردن و درست راه را پیمودن و به سمت مقصود واقعی راه رفتن است؛ این خصوصیّت آن راه است که همان معنای حقیقی و واقعی «عدل» است.(2)

قدرت، لازمه ی استقرار عدالت

استقرار عدالت، چه در سطح جهانی - آن طور که آن وارث انبیا انجام

1- . در دیدار کارکنان دفتر مقام معظّم رهبری و خانواده های آنان 1394/3/12

2- . در دیدار مسئولان و پژوهشگران مؤسّسه ی دارالحدیث و پژهشگاه قرآن و حدیث 1393/3/21

خواهـد داد – و چه در همه ی بخشـهای دنیا، احتیاج به این دارد که مردمان عادل و انسانهای صالـح و عـدالت طلب، قدرت را در دسـت داشـته باشـند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند... نظام اسلامی و ملّت مسلمان ایران و دولت جمهوری اسلامی بزرگ ترین قدم را در این راه برداشت و به برکت مجاهـدت جوانـان و مردان و زنان مؤمن و فـداکار این ملّت، اسـلام در دنیا به عنوان یك قـدرت ظاهر شـد. هرچه این قدرت بتواند خود را مستقرتر و پایدارتر کند، نظم ظالمانه و شیطانی دنیا بیشتر تهدید میشود.(1)

ب) تشکیل جامعه ی توحیدی و دینی

اشاره

آن چیزی که مهـدویّت مبشّـر آن هست، همـان چیزی است که همه ی انبیـا، همه ی بعثتهـا برای خـاطر آن آمدنـد و آن ایجاد یك جهان توحیـدی و ساخته وپرداخته ی بر اساس عدالت و با اسـتفاده ی از همه ی ظرفیّتهایی است که خدای متعال در انسان به وجود آورده و قرار داده؛ یك چنین دورانی است دیگر، دوران ظهور حضرت مهدی (سلام الله علیه و عجّل الله تعالی فرجه) دوران جامعه ی توحیدی است، دوران حاکمیّت توحید است، دوران حاکمیّت حقیقی معنویّت و دین بر سراسر زندگی انسانها است.(2)

***

انتظار اسـلامی یعنی انتظار دنیایی سـرشار از عدالت، راستی، صـمیمیّت، انسانیّت، معنویّت، فضـیلت و اخلاق انسانی صحیح که در آن حاکمیّت زر و زور و تبلیغات مزوّرانه و خبیثانه ی رسانه های جمعی شرق و غرب راهی ندارد.»(3)

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان 1381/7/30

2- . در دیدار اساتید و فارغ التّحصیلان تخصّصی مهدویّت 1390/4/18

3- . در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان، 1373/10/27

وابستگی برقراری توحید در عالم به استقرار عدالت

آنچه مسلّم است، همه ی پیغمبران و اولیا برای این آمدند که پرچمِ توحید را در عالم به اهتزاز درآورند و روح توحید را در زندگی انسانها زنده کنند. بدون عدالت، بدون استقرار عدل و انصاف، توحید معنایی ندارد. یکی از نشانه ها یا ارکان توحید، نبودن ظلم و نبودن بی عدالتی است. لذا شما می بینید که پیام استقرار عدالت، پیام پیغمبران است. تلاش برای عدالت، کار بزرگ پیغمبران است. انسانهای والا در طول تاریخ در این راه تلاش نموده اند و بشریّت را روزبه روز به سمت فهمیدن این حقیقت که عدالت، سرآمد همه ی خواسته های انسانی است، نزدیك کرده اند.(1)

***

روز ولادت مهدی موعود (ارواحنا لتراب مقدّمه الفداء)، حقیقتاً روز عید همه ی انسانهای پاك و آزاده ی عالَم است. فقط کسانی در این روز ممکن است احساس شادی و خرسندی نکنند که یا جزو پایه های ظلم، یا جزو پیروان طواغیت و ستمگران عالم باشند، والاّ کدام انسان آزاده ای است که از گسترش عدالت، از برافراشته شدن پرچم دادگری و رفع ظلم در سراسر جهان، خرسند نشود و آن را آرزو نکند.(2)

ج) حاکمیّت اسلام

انتظار فرج همان طوری که در پیام امام(3) هم به این نکته ی دقیق اشاره شده است یعنی انتظار حاکمیّت قرآن و اسلام. شما به آنچه فعلاً جهان در

1- . در جشن بزرگ منتظران ظهور هم زمان با هفته ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی (عج)، 1378/9/3

2- . در دیدار جمعی از اعضای نیروی مقاومت بسیج به مناسبت میلاد امام زمان (عج) 1378/9/3

3- . پیام امام خمینی (ره) به ملّت مسلمان ایران در تاریخ 1360/3/28 به مناسبت نیمه ی شعبان، صحیفه ی امام، ج 14، ص 472. در کلمات حضرت امام (ره) سخن از حاکمیّت عدل الهی و قانون عدل اسلامی و رحمت حق تعالی بر زمین و همچنین پرتوافکنی حق تعالی بر عالم سخن به میان آمده است.

آن قرار دارد قانع نیستید، حتّی به همین پیشرفتی هم که با انقلاب اسلامی به دست آوردید قانع نیستید، میخواهید بازهم به حاکمیّت قرآن و اسلام نزدیك تر بشوید، این انتظار فرج است.(1)

د) فتح ابواب معرفت حق

انتظـار فرج، یـك معنای عامّی است. انتظار ظهور آن بزرگوار هم انتظار فرج است امّا انتظار فرج، یك معنای وسـیع تر و یك معنای عمیق تری است برای همه ی دورانهای تاریخ. این قضیّه ی انتظار حضرت بقیّه الله (ارواحنا فداه) روح انتظار فرج را در جوامع زنده میکند؛ یعنی در دلها حالت انتظار به وجود می آورد. این حالت انتظار چیز بسـیار مبارك و خوبی است. معنای انتظار این است که انسان به آن وضـعی که الان در آن قرار دارد، قانع نیست لـذا حالت منتظر دارد. وقتی شـما منتظر یك کسـی و یك عزیزی هستیـد و مشـتاقانه انتظار میکشـید، معنایش این است که به آن وضعی که الان دارید، قانع نیستید؛ شاید از آن وضع راضی نیستید و یك چیز بالاتری و برتری را میخواهید که به آن دسترسـی پیدا کنید. این آن حالتی است که بشر باید همیشه داشته باشد. انسانها باید به طور دائم در حال انتظار باشند. انتظار فرج الهی و فتوح از طرف پروردگار، گشایش ابواب رحمت و معرفت و سـرازیر شدن سرچشمه های معرفت بر دل انسان، یکی از عمومی ترین نمونه های انتظار فرج است. به هیـچ چیز نبایـد قانع بود. انسان در عالـم معنویّات باید به چیزی قانع نباشد. همه ی افراد ممکن است در معرض لطف الهی قرار بگیرنـد و خـدای متعال سرچشـمه ی معارف و هـدایت خودش را به دلهای آنها باز کند و آنها را تبدیل کند به کسانی که به مقام معرفت حق رسـیده انـد؛ این خیلی مقام بالایی است. همین معرفت حق است که موجب میشود انسان منقطع الی الله بشود؛ «هب لی کمال الانقطاع الیك» (2)؛ کمال منقطع شدن به

1- . بیانات در نماز جمعه، 1360/3/29

2- . مناجات شعبانیّه؛ بحارالانوار، ج 91، ص 99

پروردگار، یعنی بریـدن از همه ی عوائق(1) و موانع مادّی ای که انسان را احاطه کرده انـد و نمیگذارنـد انسان در راه کمال حرکت بکند؛ و سیر الی الله، توجّه به خدا، همّت قرار دادن معرفت کامل و قرب کامل الی اللّه را مورد همّت خود قرار بدهد و برای این تلاش کند؛ تلاش تمام نشدنی ای هم هست. بشر در حدّ انبیا و اولیا هم که میرسد، برای رسیدن به این حالت، عبادت میکند، تلاش میکند، شب زنده داری در حدّ پیغمبر اکرم و ائمّه (علیهم السّلام) انجام میدهد؛ توسّلاتش، توجّهاتش، تضـرّعاتش در آن سطح و در آن پایه انجام میگیرد. وادی عجیبی است که مردان خدا و اولیای حق در آن وادی، خودی هسـتند و راه را می شناسـند. کسانی هم هستند که از دور چیزهایی را شنیده انـد [امّـا] امثـال مـا بیگـانه ی از این عوامـل و معارف هستیم. ما فقط کلمات و الفاظی را از کسانی که اهل این معانی هسـتند، یك وقتی بشـنویم، چیزی از آن بفهمیم یا نفهمیم، امّا این راه جلوی آحاد بشـر باز است. همه ی آحاد بشـر میتوانند این راه را بپیمایند و سلوك کنند. بالاترین انتظار فرج ها این است.(2)

ه -) گشایش در بُن بست های جاری زندگی

انتظار فرج یك مفهوم بسـیار وسیع و گسترده ای است. یك انتظار، انتظار فرجِ نهایی است؛ یعنی اینکه بشریّت اگر میبیند که طواغیت عالم ترك تازی(3) میکنند و چپاولگری میکنند و افسارگسیخته به حقّ انسانها تعدّی میکنند نباید خیال کند که سرنوشت دنیا همین است؛ نباید تصوّر کنـد که بالاخره چاره ای نیست و بایستی به همین وضـعیّت تن داد؛ نه، بدانـد که این وضـعیّت یك وضـعیّت گـذرا است؛ «للباطل جولة» (4)؛ آن چیزی که متعلّق به این عالم است و طبیعت این عالم است عبارت است از استقرار

1- . آنچه انسان را از امور بازدارد

2- . در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز نیمه ی شعبان 1375/10/6

3- . حمله کردن و هجوم آوردن شدید، ناگهانی و غارتگرانه

4- . غررالحکم، ص 544

حکومت عدل و آن خواهد آمد. انتظار فرج و گشایش در نهایت دورانی که ما در آن قرار داریم و بشـریّت دچار سـتمها و آزارها است، یك مصداق از انتظار فرج است؛ لکن مصداقهای دیگر انتظار فرج هم وجود دارد. وقتی که به ما میگویند منتظر فرج باشـید، فقط این نیست که منتظر فرج نهـایی باشـید؛ بلکه معنایش این است که هر بن بستی قابل گشوده شـدن است؛ فرج یعنی این؛ فرج یعنی گشایش. مسـلمان با درس انتظار فرج می آموزد، تعلیم میگیرد که هیـچ بن بستی در زنـدگی بشـر وجود نـدارد که نشود این بن بست را باز کرد و لازم باشـد که انسان، ناامید دست روی دست بگذارد و بنشـیند و بگوید دیگر کاری نمیشود کرد؛ نه، وقتی در نهایتِ زندگی انسان در مقابله ی بااین همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشید فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن بست های جاری زندگی هم همین فرج متوقَّع است و مورد انتظار است. این، درس امیـد به همه ی انسانهاست؛ این، درس انتظار واقعی به همه ی انسانهاست؛ لـذا انتظار فرج را افضل اعمال دانسـته انـد؛ معلوم میشود انتظار، یك عمل است.(1)

«انتظار الفرج عبادة :(2) این انتظار فرج، فقط انتظار فرج به معنای ظهور حضـرت ولیعصـر (سلام الله علیه و عجلّ الله فرجه و جَعَلَنا الله فداه) نیست، مطلق فرج است. نفس اینکه انسان انتظار فرج داشـته باشد، یعنی اگر در یك شدّتی قرار دارد، انتظار داشـته باشد که آن شدّت برطرف بشود. این، یعنی چه؟ یعنی اینکه: شـما هرگز در هیچ شـرائطی نباید ناامید بشوید! در هیچ شـرائطی، شـما امید را از دست ندهید! فرض کنیـد انسان در یك تونلی گیر افتاده که مَدخل تونل را مثلاً یك سـنگی بسـته، انتهای تونل هم بسـته است، در یك چنین وضـعی هم انتظار فرج داشـته باشـید! یعنی خـدای متعال ممکن است یك تفضّـلی بکنـد، فرض کنید گوشه ای از سـقف بریزد، راهی باز بشود، انسان بیرون برود.

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان 1384/6/29

2- . الأمالی (للطوسی)، ص 405

در هیچ شرائطی انسان نباید احساس بن بست بکند، بلکه بایستی همیشه انتظار فرج داشته باشید. در مورد این انتظار فرج میفرمایند: عبادت است.»(1)

***

مسئله ی مهدی موعود یك مسئله ای است که هم در حوزه ی مسائل فکری و عقیدتی قابل طرح است، هم در قلمرو مسائل سیاسی است. یك مسئله ای است که به زندگی روزمرّه ی مردم مربوط است. با اعتقاد به حضور و با انتظار فرج حضرت ولیّ عصر (عجّل الله تعالی فرجه) وضع مردمی که این اعتقاد را دارند با آن مردمی که از این اعتقاد پربرکت محروم هستند، تفاوت پیدا میکند.(2)

***

امروز یکایك شما برادران و خواهران و یکایك کسانی که در نظام جمهوری اسلامی به یك مسئولیّتی و وظیفه ای اشتغال دارند، بدانید و بدانند هر حرکت درست و در جهت اسلام و احکام اسلامی که شما انجام بدهید، ظهور امام زمان را نزدیك تر کردید و لذاست که ما با این اعتقاد به آینده با یك چشمِ خوش بینانه نگاه میکنیم. یکی از چیزهایی که در فرهنگ انتظار امام زمان وجود دارد، روایات انتظار فرج است. من دوست دارم این مسئله را هم که یك بحث مربوط به حدیث هست، اینجا برای شما بگویم. یکی از بزرگ ترین عبادات، انتظار فرج است؛ انتظار فرج یعنی چه؟ بعضی خیال میکنند انتظار فرج یعنی فقط به معنای انتظار ظهور حضرت ولیّ عصر است. البتّه این انتظار فرج است امّا این یکی از فرجها است. روایاتِ انتظار فرج، انتظار فرج در همه ی امور را میگوید. در مقابل سختی ها - چه سختی های فردی، چه سختی های اجتماعی، چه سختی های سیاسی، چه سختی های اقتصادی - و تنگناهایی که برای بشر به وجود می آید،

1- . در ابتدای درس خارج، 1398/10/23

2- . در اجتماع مردم قم 1363/2/27

انسانها دو جور روحیّه دارنـد؛ در مشـکلات دو جور روحیّه وجود دارد: یك جور روحیّه، روحیّه ی یأس است؛ به مجرّداینکه یك سـختی، یك فشار پیش آمـد، اینها مأیوس میشونـد، احساس میکنند دیگر کاری نمیشود انجام داد؛ این یك روحیّه است... یك روحیّه هم به عکس، روحیّه ی امیـد به گشایش. فرج یعنی گشایش. امید به باز شدن تنگناها، گشوده شدن بن بست ها؛ این هم یك روحیّه است. روایات انتظار فرج را من نگاه میکردم، دیدم از اغلب معصومین، انتظار فرج روایت دارد؛ در بعضی از روایات دارد: «اِنَّ اَحَبَ الْاَعْمَالِ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ انْتِظَارُ الْفَرَجِ» (1)؛ از همه ی کارهای دنیا محبوب تر در نزد پروردگار انتظار گشایش است. هر سـختی ای که پیـدا کردید، مأیوس نشوید، انتظار داشـته باشـید که این سختی برطرف بشود. امید فرج داشته باشید... انتظار ولیّ عصر (علیه الصّلاة و السّلام) یکی از مصداقهای بارز انتظار فرج است.(2)

و) پیشرفت معنوی و مادّی

انتظار ظهور امام زمان (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) به معنای انتظار برای پر شدن جهان از عدل و داد و عدالت برای همه ی انسانها و انتظار رفع ظلم از صحنه ی زندگی بشر و انتظار فرارسیدن دنیایی برتر ازلحاظ معنوی و مادّی است.(3)

گستردگی شمول فرج نسبت به کلّ بشریّت

مسئله، مسئله ی گره در کار شخص من و شخص شما نیست. امام

1- . الخصال، ج 2، ص: 616؛ و همچنین روایت: «إِنَّ أَحَبَ الْأُمُورِ إِلَی اللَّهِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ» در تحف العقول، ص: 106؛ یا روایت قال: فـأیّ الأعمـال أحبّ إلی اللّه عزّ و جلّ؟ قال: انتظار الفرج. در کتاب فضائل أمیر المؤمنین علیه السـلام، ص: 120 و الأمالی (للصدوق)، ص: 395 به این مضمون اشاره شده است.

2- . در اجتماع مردم قم 1363/2/27

3- . در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز نیمه ی شعبان 1375/10/6

زمان (علیه الصّلاة و السّلام) برای اینکه فرج برای همه ی بشریّت به وجود بیاورد، ظهور میکند که انسان را از فروبستگی نجات بدهد، جامعه ی بشریّت را نجات بدهد، بلکه تاریخ آینده ی بشر را نجات بدهد.(1)

تدریجی و طبیعی بودن شکل گیری فرج نهایی

حضرت مهدی (علیه الصّلوة و السّلام و عجّل الله فرجه) در یك زمینه ی مساعد و مناسب ظهور خواهد کرد، نه در یك زمینه ی نامساعد. کسانی بودند آن روزها که خیال میکردند دنیا باید پر از ظلم و جور بشود تا حضرت مهدی ظهور کند درحالی که ما میگفتیم نه، حکومت حضرت مهدی یك حکومت صددرصد است؛ قبل از این صددرصد، ده درصد و بیست درصد و سی درصد و پنجاه درصد و نوددرصد بایستی به وجود بیاید تا برسد به آن صددرصد. بسیار خب شما ببینید الان حکومت ما چند درصد حکومت حضرت مهدی است؛ هرچه که هست به همین ترتیب پیش خواهد رفت تا به حکومت مهدی (علیه السّلام) برسد که آن حکومت صددرصد اسلامی است.(2)

***

این میلاد و این یاد بزرگ باید به ما درس بدهد... یك درس از این درسها این است که همه بدانند، همه اذعان و باور کنند که حرکت عالم به سمت صلاح است، به سَمت آفاق روشن است. مستکبرین عالم هرچه میخواهند بگویند، تظاهرهای به قدرت نمایی بکنند، امّا لشکر حق و حقیقت و کاروانی که بشریّت را به سمت سرمنزل عدل و داد پیش میبرد، روزبه روز در حال افزایش یافتن است. گذشتِ سالها نمیتواند این امید را در دلها از بین ببرد یا کم فروغ کند که همه ی آحاد بشر در آینده ای که امیدواریم آن آینده

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1387/5/27

2- . در مصاحبه به خبرنگار مجله ی سروش

چندان دور نباشد، طعم عدالت را به معنای حقیقی کلمه خواهند چشید. حقّانیّت آن دولت الهی و حکومت ربوبی در زمین، در این است که همه ی آحاد بشـر سـهم خود را از معرفتِ حقیقت و عمل به حقیقت خواهند گرفت. قدرتمندان و مستکبران و زورگویان و زراندوزان و زورمداران عالم هرچه تلاش کرده اند و بکنند، نخواهند توانست این حرکت را، این رفتار طبیعی بشـر را به سَمت صلاح متوقّف کنند. البتّه در کار خدا در زمین طفره نیست، کارها برطبق روال طبیعی انجام میگیرد؛ امّا طبیعت و فطرت عالم، این است؛ طبیعت عالم این است که به سَمت کمال برود و میرود.(1)

***

آرمـان بلنـدِ ملّت ایران همـان چیزی است که شـما از ظهور طلعت مهـدی آل محمّـد انتظار داریـد؛ یعنی عـدل الهی، تجسّم جامعه ی عادلانـه؛ جـامعه ای که انسـان از این خطّ انحرافی ای که دنیای مادّی در مقابل او ترسـیم کرده بتوانـد خودش را نجات بدهـد؛ این هـدف انقلاب است. منتها درمورد ظهور مهـدی موعود (ارواحنا فـداه) این وعـده به نهایت خود خواهد رسـید؛ درمورد حرکت شـما قدم بلندی است به سوی تحقّق این وعـده. کارها در دنیا بتدریـج انجام میگیرد؛ حرکت ما بایـد برای ایجاد این جامعه ی عادلانه باشـد؛ همّتمان باید ایجـاد این جامعه ای باشـد که باطنِ آن توحیـد و آرایشِ آن عـدل است، جهت گیری آن اجرای خطّ الهی و خطّ نبوّت و خطّ انبیا در طول تاریخ و بنای آن بر اساس برخورداری انسان از آن آرزوی دیرین همیشـگی اش؛ یعنی با تربیت عدالت بتواند حقیقت وجود خودش را بروز بدهـد و به ظهور برساند. ما دنبال این هستیم؛ این یك هدف بسـیار بزرگ است. در این هدف، تشـکیل جامعه ی آباد هست، ایجاد ثروت عمومی هست، پیشرفت علمی هست، برخورداری انسان از تمام مواهب و مزایای طبیعی هست.(2)

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم در نیمه ی شعبان 1379/8/22

2- . در دیدار جمعی از پاسداران، بسیجیان و خانواده های شهدای استان اصفهان 1380/8/14

جایگاه مسئله ی انتظار

این بخش عظیم اعتقادی ماست که عبارت است از انتظار ظهور ولیّ عصر و مهدی موعود و منجی بشریّت.(1)

***

مسئله ی انتظار ظهور صاحب الزّمان (علیه الصّلاة و السّلام) یکی از آن مسائل پرمغز و پرمعنا و دارای مضامین عالی در مجموعه ی تفکّرات شیعه است و بخصوص امروز در دنیا این مسئله معنای خاصّی پیدا میکند.(2)

مفهوم شناسی انتظار

انتظار یعنی ترقّب، یعنی مترصّد یك حقیقتی که قطعی است، بودن؛ این معنای انتظار است. انتظار یعنی این آینده حتمی و قطعی است؛ بخصوص انتظارِ یك موجود حیّ و حاضر.(3)

***

ما مأمور به انتظاریم؛ انتظار یعنی چه؟ انتظار به معنای مترصّد بودن است. در ادبیّات نظامی یك چیزی داریم به نام «آماده باش»؛ انتظار یعنی «آماده باش»! باید «آماده باش» باشیم. انسان مؤمن و منتظر، آن کسی است که در حال «آماده باش» است. اگر امام شما که مأمورِ به ایجاد عدالت و استقرار عدالت در کلّ جهان است، امروز ظهور بکند، باید من و شما آماده باشیم. این «آماده باش» خیلی مهم است؛ انتظار به این معنا است. انتظار به معنای بی صبری کردن و پا به زمین کوبیدن و چرا دیر شد و چرا نشد و مانند اینها نیست؛ انتظار یعنی باید دائم در حال «آماده باش» باشید.(4)

***

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم قم در نیمه ی شعبان 1370/11/30

2- . در دیدار میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (ع) در روز نیمه ی شعبان 1372/11/8

3- . در دیدار اساتید و فارغ التّحصیلان تخصّصی مهدویّت 1390/4/18

4- . در مراسم دانش آموختگی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) 1396/2/20

شما منتظرید کسی بیاید تا باهم بروید فلان جا؛ خب باید لباس پوشیده باشید، آماده شده باشید، مقدّمات حرکتتان را فراهم کرده باشید، [تنها] کارِ نشده، آمدن آن شخصی باشد که منتظرش هستید؛ وَالّا اگر چنانچه [مثلاً] ساعت 7 منتظرید که فلانی بیاید، [امّا] شما تا ساعت 7 در رختخواب دراز کشیده اید، نه لباس آماده کرده اید، نه وضو گرفته اید برای رفتن به بیرون، نه آماده ی جسمی شده اید، نه آماده ی روحی شده اید، نه چیزی فراهم کرده اید برای آنجایی که میخواهید بروید، نمیشود گفت شما منتظرید؛ این [نوع] «منتظریم»، انتظار نیست؛ انتظار یعنی «آماده باش». خب، این «آماده باش» وقتی بود، لازمه اش این نیست که آن کسی که ما منتظرش هستیم، موظّف باشد هنگامی که ما آماده ایم، خودش را برساند؛ نه، آن بسته به مصالحی است که خدای متعال، عالِم به آن مصالح است و تقدیر آن مصالح را کرده؛ ما باید آماده باشیم.(1)

***

حالت انتظار هم معنای خاصّ خودش را دارد که میدانید؛ باید منتظر باشیم. «منتظر باشیم» نه به اینکه بگوییم آقا فردا می آیند یا یك سال دیگر می آیند؛ نه، نمیدانیم؛ ممکن است این یك سال دیگر اتّفاق نیفتد؛ امّا ما باید آن حالت ترصّد(2) و انتظار را همیشه به طور کامل داشته باشیم. در زیارت آل یاسین میخوانیم «ونصرتی لکم معدّةٌ و مودّتی لکم خالصة» (3)؛ محبّت که معلوم است، هست؛ امّا نصرتمان هم باید باشد؛ و سعی کنیم از کاری که ممکن است قلب مقدّس این بزرگوار را از ما ناراضی کند، ناخشنود کند، تا جایی که میتوانیم و اراده ی ما، عزم ما، سعادت ما اجازه میدهد، اجتناب کنیم.(4)

1- . در دیدار کارکنان دفتر مقام معظّم رهبری و خانواده های آنان به مناسبت نیمه ی شعبان 1396/2/21

2- . آماده و مراقب بودن (رك: مفردات راغب اصفهانی)

3- . الاحتجاج، ج 2، ص 494

4- . در دیدار کارکنان دفتر مقام معظّم رهبری و خانواده های آنان به مناسبت نیمه ی شعبان 1397/2/11

لوازم «انتظار»

1) نپذیرفتن وضع موجود

یکی از خصوصیّاتی که در حقیقتِ انتظار گنجانده شده است، این است که انسان به وضع موجود، به اندازه ی پیشرفتی که امروز دارد، قانع نباشد؛ بخواهد روزبه روز این پیشرفت را، این تحقّق حقایق و خصال معنوی و الهی را در خود، در جامعه بیشتر کند. اینها لوازم انتظار است.(1)

***

انتظار به معنای قانع نشدن به وضع موجود است. «انتظار داریم»، یعنی هرچه خیر و عملِ خوب انجام دادیم و به وجود آمده، کم و غیر کافی است و منتظریم، تا ظرفیّت نیکی عالم پر بشود.(2)

***

انتظار یعنی قانع نشدن، قبول نکردن وضع موجودِ زندگی انسان و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب، که مسلّم است این وضع مطلوب با دست قدرتمند ولیّ خدا، حضرت حجّت بن الحسن، مهدی صاحب زمان (صلوات الله علیه و عجّل الله فرجه و ارواحنا فداه) تحقّق پیدا خواهد کرد.(3)

***

فرج یعنی چه؟ یعنی گشایش. کی انسان انتظار فرج دارد؟ انتظار گشایش دارد؟ وقتی یك فروبستگی ای وجود داشته باشد، وقتی گرهی هست، وقتی مشکلی هست. در زمینه ی وجود مشکل، انسان احتیاج پیدا میکند به فرج؛ یعنی سرانگشتِ گره گشا؛ بازکننده ی عقده های فروبسته. این نکته ی مهمی است. معنای انتظار فرج به عنوان عبارة اخرای انتظار ظهور، این است که مؤمنِ به اسلام، مؤمنِ به مذهب اهل بیت (علیهم السّلام) این وضعیّتی

1- . در دیدار اساتید و فارغ التّحصیلان تخصّصی مهدویّت 1390/4/18

2- . در دیدار اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی شرکت کننده در سمینار تبیین حکم تاریخی حضرت امام خمینی (ره)، در سالروز میلاد امام عصر (عج) 1369/12/11

3- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1387/5/27

را که در دنیای واقعی وجود دارد، عقده و گره در زندگی بشـر می شـناسد. واقعِ قضـیه هم همین است. منتظر است که این فروبسـتگیِ کار بشـر، این گرفتاری عمومی انسانیّت گشایش پیدا بکند. مسـئله، مسـئله ی گره در کار شـخص من و شـخص شـما نیست. امام زمان (علیه الصّلاة و السّلام) برای اینکه فرج برای همه ی بشـریّت به وجود بیـاورد، ظهور میکنـد که انسان را از فروبسـتگی نجات بدهـد؛ جامعه ی بشـریّت را نجات بدهـد؛ بلکه تاریـخ آینده ی بشـر را نجات بدهد. این معنایش این است که آنچه را که امروز وجود دارد؛ این نظم بشـری غیرعادلانه، این نظم بشری ای که در آن انسانهای بیشماری مظلوم واقع میشوند، دلهای بیشماری گمراه میشوند، انسانهای بیشماری فرصت عبودیّت خـدا را پیدا نمیکنند، مورد رد و اعتراض بشـری است که منتظر ظهور امام زمان است. انتظار فرج یعنی قبول نکردن و رد کردن آن وضـعیّتی که براثر جهـالت انسانهـا، براثر اغراض بشـر بر زنـدگی انسانیّت حاکم شـده است... امروز ظلم و جور حاکم بر بشـریّت است. زنـدگی بشـرِ امروز زنـدگی مغلوب و مقهورِ دست ظلم و اسـتبداد در همه ی دنیا است. در همه جا این جور است... این، انتظار فرج را با وضعیّت کنونی زندگی انسان در دوره های مختلف معنا میکند.(1)

2) اطمینان به فرج و تحقّقآن

انتظار واقعی ملازم است با اطمینان، با اعتماد. کسـی را که شـما میدانیـد خواهد آمد، انتظار میکشـید؛ آن کسـی را که [به آمدنش] اعتماد ندارید و اطمینان ندارید، انتظار [برای] او یك انتظار حقیقی نیست. اعتماد لازمه ی انتظار است، و این هر دو ملازم با امید است.(2)

امروز هر فرد شیعه میداند که در یك آینده ای - آن آینده هم ممکن است

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1387/5/27

2- . در دیدار مسئولان و اقشار مختلف مردم 1368/12/22

خیلی نزدیك باشد، ممکن است دوردست باشد؛ به هرحال قطعی است - این بساط ظلم و بی عدالتی و زورگویی که امروز در دنیا هست برچیده خواهد شد؛ میداند که این وضعی که مستکبرین در دنیا به وجود آورده اند که هرکسی حرف حقّی بزند، راه حقّی را دنبال کند، از طرف آنها مورد فشار قرار میگیرد و اراده ی فاسد خودشان را بر ملّتها تحمیل میکنند، یك روزی از بین خواهد رفت و گردنکشان عالم، طاغیان عالم، یاغیان عالم، قدرتهای زورگوی عالم، ناگزیر خواهند شد در مقابل حق تسلیم بشوند یا از سر راه حرکت حق ازاله بشوند و برداشته بشوند؛ این را هر فرد مسلمانی، بالخصوص هر فرد شیعه ای میداند، به آن یقین دارد؛ این خیلی امیدبخش است؛ این موجب میشود که هر انسان خیرخواه و مصلح و علاقه مند به صلاح، کار خود را و تلاش و مجاهدت خود را در راه صلاح، با امید به آینده انجام بدهد. ببینید چقدر این عقیده ارزشمند، حیات بخش و دارای تأثیر است![1]

3) اطمینان به نابودی ظلم

درد بزرگِ بشریّت، امروز همین مسئله ی فقدان عدالت است. همیشه دستگاه های ظلم و جور در سطح دنیا به شکلهای مختلف بر مردم جفا کرده اند؛ بشریّت را زیر فشار قرار داده اند و انسانها را از حقوق طبیعی خود محروم کرده اند؛ اما امروز این معنا از همیشه ی تاریخ بیشتر است و رفع این را انسان از ظهور مهدی موعود میطلبد و انتظار میبرد. بنابراین، مسئله، مسئله ی طلبِ عدالت است. اوّلین درس عملی از این موضوع این است که نابود کردن بنای ظلم در سطح جهان، نه فقط ممکن است، بلکه حتمی است. این، مطلب بسیار مهمّی است که نسلهای بشری امروز معتقد نباشند که در مقابل ظلم جهانی، نمیشود کاری کرد. امروز وقتی ما با نخبگان سیاسی دنیا از ظلمهای مراکز قدرت بین المللی و سیستم جهانی

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1377/9/14

ظلم – که امروز به سرکردگی استکبار در همه ی دنیا وجود دارد – صحبت میکنیم، می بینیم آنها میگویند بله، چیزی که شما میگویید، درست است؛ واقعاً ظلم میکنند؛ امّا کاری نمیشود کرد! یعنی مجموعه ی بزرگی از نخبگان که سررشته ی کار در دنیا در دست آنها هست، اسیر یأس و ناامیدی اند و این یأس و ناامیدی را به ملّتهای خود سرریز میکنند و آنها را از اینکه بتوان نقشه ی ظالمانه و شیطانی امروز دنیا را عوض کرد، مأیوس میکنند. بدیهی است که انسانهای مأیوس نمیتوانند هیچ حرکتی در راه اصلاح انجام دهند. آن چیزی که انسانها را وادار به کار و حرکت میکند، نور و نیروی امید است. اعتقاد به مهدی موعود، دلها را سرشار از نور امید میکند. برای ما که معتقد به آینده ی حتمی ظهور مهدی موعود (علیه السّلام) هستیم، این یأسی که گریبان گیر بسیاری از نخبگان دنیا است، بی معنا است. ما میگوییم نخیر، میشود نقشه ی سیاسی دنیا را عوض کرد؛ میشود با ظلم و مراکز قدرت ظالمانه درگیر شد و در آینده نه فقط این معنا امکان پذیر است، بلکه حتمی است. وقتی ملّتی معتقد است نقشه ی ظالمانه و شیطانی امروز در کلّ عالم قابل تغییر است، آن ملّت شجاعت می یابد و احساس میکند دست تقدیر، تسلّط ستمگران را برای همیشه به طور مسلّم ننوشته است.

انسانها میتوانند تلاش کنند و پرچم عدالت را – ولو در یك نقطه ی محدود – بلند کنند. شما ببینید ملّتهایی که امروز در گوشه وکنار عالم زیر فشارِ ظلم و ستم زندگی میکنند، اگر این امید را در دل خود بپرورانند که میشود با ظلم مبارزه کرد، چه اتّفاقی در دنیا می افتد و چطور ملّتها بیدار میشوند! یك روز ملّت ایران هم در پنجه ی اقتدار رژیم طاغوتی دچار همین یأس بود؛ ولی امام بزرگوار ما با تعالیم اسلامی، این یأس را از دلها پاك کرد و به مردم امید و شجاعت داد. نتیجه این شد که این مردم به پا خاستند، نهضت کردند، تن به سختی دادند، مبارزه کردند، از جان خود دریغ نکردند و توانستند در این نقطه از عالم، با عوامل ظلم و نظام ظالمانه و شیطانی

مبارزه و آن را ریشه کن و سرنگون کنند.

امروز دستگاه های تبلیغاتی مراکز استکباری دنیا و روشنفکرانِ وابسته به آنها، در سطح عالم این طور تبلیغ میکنند که هیچ حرکتی در مقابل نظم ظالمانه ی کنونی ممکن نیست؛ با فکر انقلاب و آرمان گرایی مبارزه میکنند و میخواهند ملّتها را متقاعد کنند که به همین وضعیّت کنونی ظالمانه ی دنیا بسازند و در مقابل آن هیچ عکس العملی نشان ندهند. فکر اعتقاد به مهدی، نقطه ی مقابل این تبلیغات غلط و ظالمانه است. جوانان و روشنفکران و عموم ملّت ما با اعتقاد به ظهور مهدی (علیه الصّلاة و السّلام) این اعتقاد راسخ را در دل خود پرورش میدهند که نظم ظالمانه ی جهانی، قابل زوال است و ابدی نیست؛ میشود با آن مبارزه و در مقابل آن ایستادگی کرد.(1)

4) امید و حرکت

آن ملّتی که از پدید آمدن فرج ناامید است، آن ملّتی که برقی در دلش نمیدرخشد که او را نسبت به آینده امیدوار کند، آن ملّت وضع موجود عالم را و سلطه ی ظالمانه ی قدرتها را میپذیرد؛ مجبور میشود وضع موجود را تحمّل کند، بپذیرد، تسلیم بشود و خود را با آن تطبیق بدهد. امّا آن ملّتی که میداند که علی رغم ظواهرِ قدرت آمیزِ قدرتهای جهانی و سلطه های جهانی، و علی رغم عظمت ظاهری باطل در همه ی جلوه هایش، میداند که این عظمت ماندنی نیست؛ این قدرت و سلطه دارای مغز و دارای ریشه نیست؛ میداند که پشت سر این تظاهرات سلطه آمیزِ ظالمانه و جَوَلان باطل، حاکمیّت حق است، این چنین ملّتی در دلش جوانه های امید سبز میشود؛ امیدوار میماند و همین امید است که به او جرئت میبخشد؛ به او اقدام را تعلیم میدهد؛ حرکت کردن را و قدرت حرکت را به او میبخشد. این را باید قدر دانست. و این نکته ی بسیار مهمّی است. شیعه یاد گرفته است که بافضیلت ترین اعمال انتظار

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان 1381/7/30

فرج است. معنای این جمله آن است که در هر شـرایطی - ولو سـخت ترین شـرایط باشـد - شـیعه حق ندارد مأیوس بشود و ناامید بشود؛ [شیعه] منتظر است، منتظر فرج، منتظر گشایش، منتظر باز شدن افق و نَفْس این انتظار به او نیرو میدهد و او را قدرتمند میکند و به او نشاط میدهد؛ و نیرو و نشاط و امید هرجا بود، زندگی به طرف سامان پیش میرود؛ به طرف اصلاح حرکت میکند. این یك ابزار عمده ای است در دست شیعه که از متن اعتقادات تشیّع سرچشمه میگیرد و این بسیار چیز باارزشی است.(1)

***

انتظار به معنای آن است که وجود ظلم و سـتم در عالم، چشـمه ی امیـد را از دلهای منتظران نمیزدایـد و خاموش نمیکند. اگر این نقطه ی امید در زندگی جمعیّتی نباشد، چاره ای ندارد جز اینکه به آینده ی بشریّت بدبین باشد.(2)

***

یك بُعد انتظار این است که منتظر، با شوق و با امید حرکت بکند. انتظار یعنی امید.(3)

***

اگر ملّتی برای خودش تحرّکی نداشت، ارزشی قائل نبود، آینده ای قائل نبود، دشمنان میتوانند بیایند و برایش نقشه بکشند، به او توصیه کنند، برای او و به جای او تصـمیم بگیرند و عمل کنند! بدون هیچ مانعی این کارها را میتوانند انجام دهند. این ناشـی است از عدم تحرّك، و عدم تحرّك ناشـی است از عـدم امید؛ لذا سـعی میکنند مردم را ناامید کنند! شـما بدانید. امروز هر نفَسـی و هر حنجره ای که برای ناامید کردن مردم بدَمد و به صدا درآید

1- . در دیدار میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (ع) در روز نیمه ی شعبان 1372/11/8

2- . در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج) 1370/11/30

3- . در دیدار اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی شرکت کننده در سمینار تبیین حکم تاریخی حضرت امام خمینی (ره)، در سالروز میلاد امام عصر (عج) 1369/12/11

بدانیـد که در اختیار دشـمن است؛ چه خودش بداند، چه خودش نداند! هر قلمی که کلمه ای را در جهت ناامید و مأیوس کردن مردم روی کاغـذ بیاورد، متعلّق به دشـمن است. چه صاحب این قلم بدانـد، چه ندانـد، دشـمن از او اسـتفاده میکند. آن وقت اعتقاد به مهدویّت و به وجود مقدّس مهدی موعود (ارواحنا فداه)، امید را در دلها زنده میکند. هیچ وقت انسانی که معتقد به این اصل است، ناامید نمیشود؛ چرا؟ چون میداند یك پایان روشنِ حتمی وجود دارد، برویرگرد ندارد؛ [لذا] سعی میکند که خودش را به آن برساند.(1)

***

یك بُعد دیگر از ابعاد انتظار، دلگرمی مؤمنین نسـبت به آینده است. انتظار مؤمن، یعنی اینکه تفکّر الهی، این اندیشه ی روشنی که وحی بر مردم عرضه کرده است، یك روز سراسر زندگی بشر را فراخواهد گرفت.(2)

***

حکومت الهی حضـرت بقیّة الله (ارواحنا فداه) حکومتی است که در آن مقرّرات حاکم بر مردم، خواست آمریکا و دیگر قدرتهای زورگوی شرق و غرب نیست بلکه حکومت عدالت، مواسات و مساوات، حکومت معنویّت و فضـیلت است و امروز هرکسـی که برای عدالت، در راه دین و خدمت به محرومان حرکت میکند، باید خوشحال و امیدوار باشد زیرا آینده متعلّق به او است.(3)

***

یك جهت دیگر و وجهه ی دیگر در اینجا هست و آن عبارت است از میدان زندگی اجتماعی و عمومی و آنچه مربوط به سـرنوشت بشـر و سرنوشت ملّتها است. در این زمینه اعتقاد به قضیّه ی مهدی و موضوع ظهور و فرج

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم 1376/9/25

2- . در دیدار اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی شرکت کننده در سمینار تبیین حکم تاریخی حضرت امام خمینی (ره)، در سالروز میلاد امام عصر (عج) 1369/12/11

3- . در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان 1373/10/27

و انتظـار، یـك گنجینه ی عظیمی است که از آن بهره های فراوانی را ملّتها میتواننـد ببرنـد. شـما فرض کنیـد یك کشتی ای را در یك دریای طوفـانی؛ انسان در وسط یك دریای طوفانی قرار گرفته است؛ آب و نان انـدکی دارد، وسایل حرکت انـدکی دارد، تا هزار فرسـخ هم از هیچ طرف خشکی و ساحلی وجود ندارد. این کسانی که در این کشتی هستند، چه کار میکنند؟ اگر کسانی که در این کشتی هستند عقیده داشته باشند که اطراف آنها تا هزار فرسنگ، دو هزار فرسنگ، هیچ ساحلی وجود ندارد – فرض کنید چنین عقیده ای داشته باشند – آیا هیچ تصوّر میشود که اینهـا تلاش کننـد برای اینکه کشتی را حرکت بدهنـد و پیش ببرنـد؟ نه، چون مرگ اینها به نظر خودشان حتمی است. وقتی مرگ انسان حتمی است، دیگر چه تلاشـی؟ چه حرکتی؟ امیـدی وجود نـدارد، افقی وجود نـدارد. بهترین کار برای آنها این است که هرکـدام در همین مجموعه ی کوچکشـان به کـار خودشـان سـرگرم بشونـد. آن که اهل آرام مردن است، بخوابـد تا بمیرد؛ آن که اهل تجاوز به دیگران است، حقّ دیگران را بگیرد تا اینکه خودش یك چند ساعتی بیشتر زنده بماند و ازاین قبیل. هرکسـی اهل هر کاری است، سـرگرم به آن کار خواهد شد؛ حرکتی، پیشـرفتی دیگر نیست. این یك جور، یك جور هم اینکه کسانی که در همین کشتی هستند، یقین داشته باشند و بدانند که در نزدیکی آنها یك ساحلی هست؛ حالا دور است یا نزدیك، چقدر کار داریم تا به آن برسیم، معلوم نیست امّا قطعاً یك ساحلی که در دسترس ما است وجود دارد؛ اینها چه کار میکنند؟ اینها تلاش میکنند که خود را به آن ساحل برسانند. اگر یك ساعت هم به آنها وقت داده بشود، از آن یك ساعت اسـتفاده خواهنـد کرد برای حرکت و تلاش صـحیح و جهت دار؛ فکرشان را روی هم میریزنـد، تلاشـشان را یکی میکننـد، شایـد بتوانند خود را به آن ساحل برسانند. امید، یك چنین نقشـی دارد. همین قدر که یك امیدی در دل انسان به وجود آمد، مرگ بالهای خود را جمع میکند و کنار میرود. امید موجب میشود انسان

تلاش کنـد، حرکت کنـد، پیش برود، مبارزه کنـد، زنـده بماند؛ این نقش امید است. فرض بفرمایید در زیر سـلطه ی ظالمانه ی یك قدرت مسـلّطی، یك ملّتی قرار دارد، هیچ امیدی هم ندارد. این ملّت مجبور است تسـلیم بشود؛ اگر تسـلیم نشد، کارهای کور و بی جهتی انجام بدهـد؛ امّا اگر این ملّت، این جماعت، یك امیـدی در دلشان باشـد، بدانند که یك عاقبت خوبی حتماً وجود دارد، خب اینها چه میکنند؟ مبـارزه خواهنـد کرد، مبارزه را نظم خواهنـد داد؛ اگر مانعی در راه مبارزه هست، آن را برطرف خواهنـد کرد. این یك قلم نقش امیـد است. بشـریّت در طول تاریخ مثل همان سرنشـینان یك کشتی طوفان زده همیشه گرفتار مشـکلاتی از سوی قدرتمندان و سـتمگران و مسلّطین بر امور انسانهای مظلوم و قوی دستانِ در حیات اجتماعی بوده است. امید موجب میشود که انسان مبارزه کند، راه باز کند، پیش برود. وقتی به شما میگویند انتظار بکشـید، یعنی این وضـعیّتی که امروز شما را رنج میدهد و دل شما را به درد می آورد، ابدی نیست، تمام شدنی است. ببینیـد چقـدر انسان حیات و نشاط پیـدا میکنـد. این نقش اعتقاد به امام زمان (صـلوات الله علیه وارواحنا فـداه) است؛ این نقش اعتقاد به مهـدی موعود است. این است که شـیعه را تا امروز از آن همه پیـچ وخم های عجیب و غریبی که در سـر راه او قرار داده بودنـد، عبور داده است و امروز بحمدالله عزّت اسـلام و پرچم سـربلندی اسلام و قرآن در دست شما ملّت مسلمان و شیعه ی ایران است؛ علّت این است. هرجایی که یك چنین اعتقادی وجود داشته باشد، همین امید وجود دارد، همین مبارزه وجود دارد.(1)

***

اعیاد موالیـد ائمّه و موالیـد نبیّ اکرم و عیـد مبعث پیغمبر و بقیّه ی اعیادی که ما داریم، یك فرق اساسـی و جوهری با این عیـد دارد؛ در آن اعیاد، همه ی نگاه به گذشته است؛ در این عید، همه ی نگاه به آینده است. در اعیاد

1- . در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولیّ عصر (عج) 10/17/1374

موالید ائمّه یا عید بعثت، از حادثه ای که در گذشته اتّفاق افتاده است و البته اثرات آن مثل رودخانه ی فیّاضی جریان در تاریخ دارد، تجلیل میکنیم؛ از گذشته تجلیل میکنیم؛ به گذشته متوجّه میشویم، اگرچه آن گذشته در زندگی کنونی ما و در آینده ی ما هم اثر دارد؛ اما در این عید، همه ی نگاه به آینده است؛ یعنی چه نگاه به آینده است؟ یعنی دو چیز را این نگاه با خود دارد: یکی امید، یکی تلاش. وقتی نگاه [متوجّه] به آینده شد، اوّلین چیزی که محصول این نگاه است، امید است. دلهای افسرده در نهایت گرفتاری و تنگنا، یك روزنه ی روشن و درخشانی به یك دنیای نورانی و بهشت آسا در مقابل چشمشان می بینند و به آینده امید دارند؛ میدانند قضیّه این جوری نخواهد ماند؛ اوضاع این جوری نخواهد ماند. حتّی آن وقتی که همه ی دنیا از ظلم و جور پر شده باشد، یعنی همه جا را ظلم و جور فراگرفته باشد، این روزنه ی امید نه فقط بسته نمیشود بلکه حتّی گشاده تر میشود؛ چون وعده کردند. حالا در یك دعا «بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» (1) است، در بقیّه ی آثار و ادعیه و روایت و غیره «کما ملئت ظلماً و جورا» (2) است؛ فرق چندانی باهم ندارد. هرچه ظلم بیشتر بشود، این امید زنده تر میشود؛ لذا معتقد به این امید، معتقد به عقیده ی مهدویّت هرگز مأیوس و سرخورده و مانند اینها نمیشود. میگوید ممکن است من درك نکنم امّا خواهد شد؛ ممکن است من خزی(3) و خذلان(4) ظالمان را نبینم، امّا خزی و خذلان ظالمان حتمی است. این، امید است؛ این اوّلین چیزی است که از این اعتقاد منشأ میگیرد و در دل انسان ریشه میدواند، و طبعاً تأثیرش را در زندگی میگذارد.

1- . دعای عدیله ی کبیر، مفتاح الجنان

2- . تفسیر القمی، ج 2، ص: 45، تفسیر العیاشی، ج 1، ص: 66،، الکافی (ط - الإسلامیة)، ج 1، ص: 341، الغیبة للنعمانی، ص: 61، الخصال، ج 2، ص: 396، کمال الدین و تمام النعمة، ج 1، ص: 287، معانی الأخبار، ص: 124

3- . خواری

4- . درماندگی

دوّمی، تلاش [است]؛ تلاش. هر آینـده ی قطعی متوقّف به تلاش است. شـما پای یك کوهی که قابل عبور است ایسـتادی، آیا رسـیدن به آنجا ممکن است؟ بله. آیا رسـیدن به آنجا قطعی است؟ بله؛ حتماً کسانی به آنجا خواهنـد رسـید؛ امّا رسـیدن به آنجا متوقّف بر یك شـرط است و آن، تلاـش [است]؛ راه بیفتی. [اگر] بنشـینی اینجا، نگاه کنی، تحسـین کنی، خوشـحالی کنی، کف بزنی برای کسانی که میرونـد، نخواهی رسـید؛ تلاش لازم است. این دوّمین شرط است. البتّه در همه ی کارهای بزرگ تلاش لازم است. چشم که به آینده بود، لازمه ی قطعی این نگاه به آینـده، ایجاد تکلیفِ تلاش و فعّالیّت و مجاهـدت است. ما که معتقـدیم به آن روز، باید تلاش کنیم تا آن روز تحقّق پیدا کند، و تلاش ما میتواند ان شاءالله آن را نزدیك بکند. این هم نکته ی دوّم در این حادثه ی بزرگ است.(1)

5) تکلیف به عمل و آمادگی

این انتظار، تکلیف بر دوش انسان میگذارد. وقتی انسان یقین دارد که یك چنین آینده ای هست؛ همچنانی که در آیات قرآن هست: «وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِي اَلزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ اَلـذِّكْرِ أَنَّ اَلْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ اَلصّالِحُونَ. إِنَّ فِي هـٰذا لَبَلاٰغاً لِقَوْمٍ عابِدِينَ» (2) - مردمانی که اهل عبودیّت خـدا هسـتند، میفهمنـد - باید خود را آماده کنند، باید منتظر و مترصّد باشـند. انتظار لازمه اش آماده سازی خود هست. بدانیم که یك حادثه ی بزرگ واقع خواهـد شـد و همیشه منتظر باشـید. هیچ وقت نمیشود گفت که حالا سالها یا مدّتها مانده است که این اتّفاق بیفتد؛ هیچ وقت هم نمیشود گفت که این حادثه نزدیك است و در همین نزدیکی اتّفاق خواهد افتاد. همیشه باید مترصّد بود، همیشه باید منتظر بود.(3)

1- . در دیدار کارکنان دفتر مقام معظّم رهبری و خانواده های آنان 1394/3/12

2- . انبیاء: 105-106

3- . در دیدار اساتید و فارغ التحصیلان تخصّصی مهدویّت 1390/4/18

انتظار فرج را افضل اعمال دانسته انـد؛ معلوم میشود انتظار، یك عمل است، بی عملی نیست. نباید اشـتباه کرد، خیال کرد که انتظار یعنی اینکه دست روی دست بگذاریم و منتظر بمانیم تا یك کاری بشود.(1)

***

انتظار، حرکت است؛ انتظار، سـکون نیست؛ انتظار رها کردن و نشستن برای اینکه کار به خودی خود صورت بگیرد، نیست. انتظار حرکت است. انتظار آمادگی است. این آمادگی را باید در وجود خودمان، در محیط پیرامون خودمان حفظ کنیم. و خدای متعال نعمت داده است به مردم عزیز ما، به ملّت ایران، که توانسـته انـد این قـدم بزرگ را بردارنـد و فضای انتظار را آماده کنند. این معنای انتظار فرج است. انتظار فرج یعنی کمربسـته بودن، آماده بودن، خود را از همه جهت برای آن هدفی که امام زمان (علیه الصّلاة و السّلام) برای آن هدف قیام خواهد کرد، آماده کردن.(2)

اعتقاد به حضـرت مهـدی (ارواحنا فـداه) البتّه یك آرمان والا است - در این هیـچ شـکّی نیست - امّا مسـئله را به جنبه ی آرمانی آن فقط نبـایستی ختم کرد؛ به عنوان یـك آرزو، همین طور در دل یا حـدّاکثر در زبان یا به صورت جشن؛ نه، این آرمانی است که بایـد به دنبال آن، عمل بیایـد. انتظاری که گفته انـد، فقط نشسـتن و اشك ریختن نیست؛ این انتظار به معنای این است که ما باید خودمان را آماده کنیم برای سربازی امام زمان - سـربازی امام زمان کار آسانی نیست - سـربازی آن منجیِ بزرگی که میخواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین المللی مبارزه کنـد، احتیاج به خودسازی دارد، احتیاج به آگاهی دارد، احتیاج به روشن بینی دارد. عدّه ای این اعتقاد را یك وسـیله ای قرار میدهند برای تخـدیر خودشان یا تخـدیر دیگران؛ این غلط است. نبایـد ما فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد،

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1384/6/29

2- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1387/5/27

ما امروز وظیفه ای نـداریم؛ نه، به عکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا آماده بشویم برای ظهور آن بزرگوار. شـنیده اید در گذشـته کسانی که منتظر بودند، سـلاح خود را همیشه همراه داشـتند؛ این یك عمل نمادین است و معنایش این است که انسان ازلحاظ علمی، ازلحاظ فکری، ازلحاظ عملی باید خود را بسازد، در میدانهای فعّالیّت و مبارزه آماده به کار باشد.(1)

***

«ما منتظریم»، یعنی این امیـد را داریم که با تلاش و مجاهـدت و پیگیری، این دنیایی که به وسـیله ی دشـمنان خدا و شـیاطین، از ظلمات جور و طغیان و ضـعیف کشـی و نکبت حاکمیّت ستمگران و قلدران و زورگویان پر شده است، در سایه ی تلاش و فعّالیّت بی وقفه ی ما، یك روز به جهانی تبـدیل خواهـد شـد که در آن، انسانیّت و ارزشـهای انسانی محترم است و سـتمگر و زورگو و ظالم و قلـدر و متجاوز به حقوق انسانها، فرصت و جایی برای اقدام و انجام خواسته و هواوهوس خود، پیدا نخواهد کرد.(2)

***

بسـیج به معنی حضور و آمـادگی در همان نقطه ای است که اسـلام و قرآن و امام زمان (ارواحنا فـداه) و این انقلاب مقـدّس به آن نیازمند است؛ لـذا پیونـد میان بسـیجیان عزیز و میان حضـرت ولیّ عصـر (ارواحنا فـداه) مهـدی موعود عزیز، یك پیوند ناگسسـتنی و همیشـگی است.(3)

***

این انتظار، مسـتلزم صـلاح و عمل است؛ باید خودمان را اصلاح کنیم، باید اهل عمل به آن چیزی باشیم که دل آن بزرگوار را شاد میکند. اگر بخواهیم این جور عمل بکنیم و این صلاح و اصلاح را برای خودمان فراهم

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1381/7/30

2- . در دیدار اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی شرکت کننده در سمینار تبیین حکم تاریخی حضرت امام خمینی (ره)، در سالروز میلاد امام عصر (عج) 1369/12/11

3- . در دیدار جمعی از بسیجیان به مناسبت میلاد امام زمان (عج) 1378/9/3

بکنیم، طبعاً نمیتوانیم به عمل فردی اکتفا کنیم. در محیط جامعه، در محیط کشور، در محیط جهانی هم وظایفی هست که باید انجام بدهیم؛ این وظایف چه هستند؟ این همان چیزی است که نیاز دارد به بصیرت، نیاز دارد به معرفت، نیاز دارد به نگرش جهانی، نیاز دارد به روشن بینی؛ این آن چیزی است که شما جوان عزیز فعّالِ امروز به آن موظّفید.(1)

6) قدرت سیاسی

درس دیگری که اعتقاد به مهدویّت و جشنهای نیمه ی شعبان باید به ما بدهد، این است: عدالتی که ما در انتظار آن هستیم - عدالت حضرت مهدی (علیه السّلام) که مربوط به سطح جهان است - با موعظه و نصیحت به دست نمی آید؛ یعنی مهدی موعودِ ملّتها نمی آید ستمگران عالم را نصیحت کند که ظلم و زیاده طلبی و سلطه گری و استثمار نکنند. با زبان نصیحت، عدالت در هیچ نقطه ی عالم مستقر نمیشود. استقرار عدالت، چه در سطح جهانی - آن طور که آن وارث انبیا انجام خواهد داد - و چه در همه ی بخشهای دنیا، احتیاج به این دارد که مردمان عادل و انسانهای صالح و عدالت طلب، قدرت را در دست داشته باشند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند. با کسانی که سرمست قدرت ظالمانه هستند، نمیشود با زبان نصیحت حرف زد؛ با آنها باید با زبان اقتدار صحبت کرد. آغاز دعوت پیغمبران الهی با زبان نصیحت است؛ امّا بعد از آنکه توانستند طرف داران خود را گرد آورند و تجهیز کنند، آنگاه با دشمنان توحید و دشمنان بشریّت، با زبان قدرت حرف میزدند.

شما ببینید در همین آیه ی کریمه ی قرآن که راجع به قسط صحبت میکند و میگوید خدای متعال همه ی پیغمبران را فرستاد، «لِيَقُومَ اَلنّٰاسُ بِالْقِسْطِ» (2)؛

1- . در مراسم دانش آموختگی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) 1396/2/20

2- . حدید: 25

برای اینکه قسط و عدالت را در جامعه مستقر کنند، بلافاصله میفرماید: «وَ أَنْزَلْنَا اَلْحَدِیدَ فِیهِ بَأْسٌ شَدِیدٌ وَ مَنٰافِعُ لِلنّٰاسِ» (1)؛ یعنی پیغمبران علاوه بر اینکه با زبان دعوت سخن میگویند، با بازوان و سرپنجگان قدرتی که مجهّز به سلاح هستند و با زورگویان و قدرت طلبان فاسد، معارضه و مبارزه میکنند. پیغمبر اکرم وقتی به مدینه آمد و نظام اسلامی را تشکیل داد، آیات قرآن را بر مردم میخواند، به گوش دشمنان هم میرسانید؛ امّا به این اکتفا نمیکرد. کسانی که طرف دار عدالت هستند، در مقابل زورگویان و زیاده طلبان و متجاوزان به حقوق انسانها باید خود را به قدرت مجهّز کنند. لذا شما می بینید از روزی که نظام اسلامی به وجود آمد - یعنی اسلام مجهّز به قدرتِ یك ملّت بزرگ و امکانات یك کشور و دولت بزرگ شد - دشمنان اسلام حرکت اسلام را جدّی گرفتند و علاقه مندان و طرف داران اسلام هم در اطراف و اکناف عالم امیدوار شدند. بسیاری از پیغمبران در میدان مبارزه و جهاد مقدّس و قتال قدم میگذاشتند: «وَ کَأَیِّنْ مِنْ نَبِیٍّ قٰاتَلَ مَعَهُ رِبِّیُّونَ کَثِیرٌ» (2). کسانی که خیال میکنند اسلام باید برود و در گوشه ای بنشیند و مردان اسلام و دین فقط زبان نصیحت را به کار گیرند، اینها دانسته یا ندانسته همان چیزی را میگویند که مراکز قدرت جهانی آن را میخواهند و آرزو میکنند. مراکز قدرت استکباری از این که رهبران اسلامی در گوشه ای از دنیا بنشینند و گاهی پیامی بدهند و یك کلمه حرفی بزنند - همچنان که رهبران مسیحی در هر قضیه ای پیامی میدهند، نصیحتی میکنند و جمله ای میگویند - هیچ ترسی ندارند؛ میدانند این خطری برای آنها نیست. از این که ملّتهای مسلمان بیدار شوند و تشکیل حکومت دهند؛ از این که ایمان اسلامیِ آحاد مردم در قالب یك نظام و یك دولت و یك حکومت تجسّم پیدا کند، واهمه دارند و میترسند. نظام اسلامی و ملّت مسلمان ایران و دولت جمهوری اسلامی بزرگ ترین قدم

1- . سوره ی حدید، بخشی از آیه شریفه 25

2- . سوره ی آل عمران، بخشی ازآیه ی 146، ترجمه: «و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده های انبوه کارزار کردند.»

را در این راه برداشت و به برکت مجاهـدت جوانان و مردان و زنان مؤمن و فـداکار این ملّت، اسـلام در دنیا به عنوان یك قدرت ظاهر شد. هرچه این قدرت بتواند خود را مسـتقرتر و پایدارتر کند، نظم ظالمانه و شیطانیِ دنیا بیشتر تهدید میشود. بعضی ها بی توجّه، از جدایی دین و سـیاست حرف میزننـد؛ یعنی دین را به گوشه های خلوت برانند و انسان دین دار، فقط به نصـیحت اکتفا کند! در اینجا نصـیحت نمیتواند کاری بکنـد. آنچه میتوانـد قـدرتها را مهار و تهدیـد کنـد و در برابر ظلم و فساد مقاومت نمایـد و ریشه ی آن را بَرکَنَد یا آن را متزلزل سازد، قدرت الهی و اسلامی است؛ قدرت سیاسی ای است که در اختیار احکام اسلامی باشد. امام زمان (ارواحنا فداه) با اقتدار و قدرت و تکیه بر توانـایی ای که ایمان والای خودِ او و ایمان پیروان و دوسـتانش، او را مجهّز به آن قـدرت کرده است، گریبان سـتمگران عالم را میگیرد و کاخهای ستم را ویران میکند.(1)

عینیّت یابی مسئله ی انتظار در مکتب تشیّع

این امید مبهم ملّتهای مسـلمان و ملّتهای غیر مسلمانی که متدیّن به ادیان الهی هستند، در اعتقاد ما ابهام ندارد؛ مشخّص است، اسمش را میدانیم، زمان ولادتش را میدانیم، پدر و مادرش را می شناسیم، خصوصیّاتی را از او اطّلاع داریم و دلهای ما به یك نقطه ی متمرکزِ روشنی متعلّق است؛ این خصوصیّت اعتقاد ما است.(2)

***

ادیان الهی و آسـمانی - که اغلب این ادیان ریشه های الهی و آسـمانی دارند - نخواسـته اند امید واهی به مردم بدهند؛ آنها واقعیّتی را بیان کردند. در خلقت بشر و تاریخ طولانی بشریّت حقیقتی وجود دارد و آن حقیقت این

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم در نیمه ی شعبان 1381/7/30

2- . در اجتماع مردم قم؛ 1363/2/27

است که این ستیزه ی میـان حق و باطـل، یك روز به سود حق و به زیان باطل پایان خواهـد گرفت و از آن روز به بعـد دنیای حقیقی بشـر، زنـدگی مطلوب انسـان، آغاز خواهـد شـد که در آنجا ستیزه گری مفهوم مبارزه نیست، مبارزه برای تسابقِ در خیرات است. این یك حقیقتی است که بین همه ی ادیان مشترك است. خصوصـیّت اعتقاد ما شـیعیان این است که این حقیقت را در مذهب تشیّع از شکل یك آرزو، از شکل یك امر ذهنی محض، به صورت یك واقعیّت موجود تبـدیل کرده است. حقیقت این است که شـیعیان وقتی منتظر مهدی موعودند، منتظر آن دست نجات بخش هستند و در عالم ذهنیّات غوطه نمیخورند؛ یك واقعیّتی را جستجو میکنند که این واقعیّت وجود دارد. حجّت خـدا در بین مردم زنـده است؛ موجود است؛ با مردم زنـدگی میکنـد؛ مردم را میبینـد؛ با آنها است؛ دردهای آنها، آلام آنها را حس میکند. انسانهـا هم، آنهایی که سـعادتمند باشـند، ظرفیّت داشـته باشـند، در مواقعی به طور ناشـناس او را زیارت میکننـد. وجود دارد؛ یك انسان واقعی، مشـخّص، با نام معیّن، با پدر و مادر مشـخّص و در میان مردم است و با آنها زندگی میکند. این، خصوصـیّتِ عقیده ی ما شـیعیان است.(1)

***

ارتبـاط قلبی یکایـك آحـاد مردم مؤمن با مقام ولایت عظمی و با ولیّ الله اعظم، یکی از برکاتی است که از مشـخّص بودن مهـدی موعود (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) در عقیده ی ما مردم ناشـی میشود. ما علاوه بر اعتقاد به اصل وجود مهدی و اینکه کسی خواهد آمد که دنیا را از عدل و داد پر خواهد کرد - که همه ی مسلمین به این معنا قائل هستند - شخص مهدی را هم می شناسیم؛ نام او را، کنیه ی او را، پـدر او را، مـادر او را، تاریـخ ولادت او را، کیفیّات غیبت او را، اصـحاب نزدیك او را، حتّی بعضـی از کیفیّات هنگام ظهور او را میـدانیم. اگرچه آن شخصیّت درخشان را و آن خورشید

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1387/5/27

تابـان را، در بیرون و در محیـط زنـدگی خود نمی بینیم و او را تطبیق نمیکنیم، امّـا به حـال او معرفت داریم. رابطه ی بین شـیعیان – که این اعتقاد را دارنـد – با مقام ولایت و مهـدی موعود، یك رابطه ی دائمی است؛ و چقدر خوب است، بلکه لازم است که یکایك ما قلباً هم این رابطه را حفظ کنیم؛ با توجّه، با توسّل، با حرف زدن با مولا؛ با حرف زدن با آن حضرت. طیّ همین زیاراتی که وارد شده است – که بعضی مأثور است و به احتمال زیاد به خود معصوم (علیه السّلام) مستند است – این رابطه ی قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان، یك امر مستحسن، بلکه لازم و دارای آثاری است؛ امید را و انتظار را به طور دائم در دل انسان زنده نگه میدارد.(1)

اهمّیّت انتظار موجود حی و حاضر در ایجاد امید

تفاوت شـیعه با غیر شـیعه در این است که دیگران میدانند که از خاندان پیغمبر کسـی خواهد آمد، ولی او را نمی شناسـند؛ شـیعه او را می شناسد؛ او را به نامش، به نام پدرش، به نام مادرش، به تاریخ دقیق ولادتش، به اوامر و دسـتوراتش و به نشانه های حضورش در میان جوامع بشری می شناسد؛ و این امتیاز بزرگی است. دلهای شیعه با آن مرکز ملکوتی و الهی در حال ارتباط و پیوند است. محبّت آن وجود مقدّس در دلهای شـیعیان موج میزند، با او سخن میگویند، از او میخواهند، به او اظهار ارادت و توسّل میکنند؛ اینها چیز کمی نیست. این امیدی که در دل یـك انسـان به وجود می آیـد، به برکت ایمـان و اعتقـاد و یقین به وجود منجی و به حضور منجی، این امیـد خیلی دارای ارزش و قیمت است. یقیناً مایه ی حرکتهای بزرگ در جوامع اسـلامی و در جوامع شـیعی و مایه ی اصـلی حرکت عظیم انقلاب اسـلامی، همین عقیده و همین انتظار فرج است.(2)

***

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1368/12/22

2- . در دیدار میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (ع) در روز نیمه ی شعبان 1372/11/8

عقیـده ی به امـام زمان نمیگـذارد مردم تسـلیم بشونـد؛ اگر یك ملّت این عقیـده را درست بفهمـد. حضور امام غایب در میان مردم حس میشود، وقتی که این عقیده به طور حقیقی در دلها جا دارد. امام بزرگوار و عزیز و معصوم و قطب عالم امکان و ملجأ همه ی خلایق اگرچه غایب است و ظهور نکرده است امّا حضور دارد. مگر میشود حضور نداشـته باشـد؟ این حضور را مؤمن در دل خود حس میکند، با وجود خود حس میکند، با حواسّ خود حس میکند. آن مردمی که می نشینند رازونیاز میکنند، دعای ندبه را با توجّه میخوانند، زیارت آل یاسین را زمزمه میکنند، مینالند و میفهمند چه میگویند، حضور این بزرگوار را حس میکنند؛ ولو ظهور نکرده است، ظاهر نشده است، غایب است. غیبت او ضـرری نمیزنـد به احسـاس حضـور او. ظهور نکرده است امّـا حضور دارد؛ هم در دلهـا، هم در متن زنـدگی ملّت. مگر میشود حضـور نداشـته باشـد؟ و شـیعه ی خـوب این است که این حضور را حس کنـد و خود را در حضور او احسـاس کنـد. این به انسـان امید میبخشـد، نشاط میبخشد. این ملّت بزرگی که در راه خدا دارد مبارزه میکند، برای عظمت اسـلام دارد مجاهدت میکند، افتخار طول تاریخ بشـر شد، افتخار همه ی تاریخ اسـلام شد، به خاطر اینکه پرچم اسلام را به اهتزاز درآورد در زمان ما، یك چنین ملّتی از همه چیز بیشتر به همین امید درخشان احتیاج دارد. این امید را این اعتقاد به او میبخشد.(1)

***

خصوصیّت اعتقاد شیعه در این مسئله این است که یك موضوع کلّی را با همه ی مشخّصاتش، با همه ی خصوصیّاتش، با معرّفی شخصش - پدر، مادر، عمر و بقیّه ی خصوصـیّات - می شـناسد و در ابهام نیست. ما ولیّ خود را، سیّد خود را، سرور و سالار عالمیان را که امام ما است می شناسیم؛ پدر او را، مادر او را، تاریخ تولّد او را، قضایای ولادت مبارك او را، کسانیاین

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1374/10/17

قضایـا را بـا خبرهای صادق و موثّق نقل کرده انـد؛ همه ی اینها برای ما روشن است؛ لـذا ما میـدانیم که عشق ما، دل ما، ایمان ما متوجّه و متعلّق به کیست.(1)

***

انتظار یعنی این آینده حتمی و قطعی است؛ بخصوص انتظارِ یك موجود حیّ و حاضـر؛ این خیلی مسـئله ی مهمّی است. این جور نیست که بگویند کسـی متولّد خواهد شد، کسی به وجود خواهد آمد؛ نه، کسی است که هست، وجود دارد، حضور دارد، در بین مردم است. در روایت دارد که مردم او را می بینند، همچنانی که او مردم را میبیند، منتها نمی شناسـند. در بعضـی از روایات تشبیه شده است به حضـرت یوسف که برادران او را میدیدنـد، بین آنهـا بود، در کنـار آنهـا بود، روی فرش آنهـا راه میرفت، ولی نمی شـناختند. یك چنین حقیقت بارز، واضح و برانگیزاننده ای؛ این کمك میکند به معنای انتظار.(2)

***

مهدویّت در همه ی مذاهب اسـلامی و در همه یا بیشتر ادیان الهی مطرح است، منتها تفاوتی که هست، این است که در ادیان گوناگون و همچنین در مـذاهب دیگر اسـلامی، این به صورت یـك امر ذهنی محض است؛ در گوشه ای از ذهن، این هم هست که بله، این دنیـا یك آخری دارد، عاقبتی دارد، این عاقبت هم عاقبت ممدوح و مسـتحسن و مطلوبی است و به وسـیله ی یك بنده ی برگزیده ی خدا این عاقبت تحقّق پیدا خواهد کرد. در شـیعه، این امر ذهنی تجسّم پیدا کرده؛ آدمش را می شناسـیم، خصوصـیّاتش را میدانیم، پدرش را می شناسیم، مادرش را می شناسیم، سال ولادتش را میدانیم؛ کلماتی از او به شیعیانش رسیده، این کلمات را

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1377/9/14

2- . در دیدار اساتید و فارغ التّحصیلان تخصّصی مهدویّت 1390/4/18

شنیـده ایم، خوانده ایم، میدانیم؛ تنها چیزی که هست، این است که ما او را به عین و به شـخص نمی شناسـیم - یعنی او را به چشم ندیده ایم - امّا با همه ی خصوصـیّات، شـیعه آن موعود منتظَر را می شناسد؛ یعنی جنبه ی تشخّص پیدا کرده است، عینی شده است، از حالت یك امر ذهنی خارج شده است.

نتیجه چیست؟ نتیجه این است که حالت انتظار در شـیعه جـدّی است. آن که عقیده ندارد، یا دل به معنویّات ندارد، او محلّ بحث نیست؛ شیعه ی معتقـد جـدّاً منتظر است. نتیجه این است که ارتباطات معنوی و روحی برقرار است: دعای نـدبه میخوانید، توسّل میکنید، زیارت میکنید، سلام عرض میکنید، برای این بزرگوار دعا میکنید، از خدا چیزی میخواهید.

همین دعای «اللّهمّ کن لولیّك» که میخوانیـد، یکی از بهترین دعاها است؛ برای بنده ی برگزیده ی ممتازِ خدای متعال از خدای متعال این خصوصـیّات را میخواهیـد. ببینیـد ارتبـاط برقرار است، دلهـا به هم متّصـل است. یعنی یـك امر ذهنی محض نیست؛ امری است که یك تشخّصی پیدا کرده، یك عینیّتی پیدا کرده. این نکته ی مهمّی است در باب مهدویّت، که ما باید این را حفظ کنیم. اینکه علمای ما، بزرگان ما، عناصـر مؤمن ما، انقلابیون ما به مسـئله ی تبریك میلاد این بزرگوار اهمّیّت میدادنـد، آحاد مردم ما به صورت خودجوش اظهار ارادت میکنند، اظهار علاقه میکنند، این چیز خیلی مغتنمی است؛ این را باید حفظ کرد، این را باید تقویت کرد. دعای برای این بزرگوار را همیشه باید در نظر داشت؛ واقعاً یکی از وظایف خودمان را باید این دعا بدانیم.(1)

منجی آخرالزّمان مورد اتّفاق همه ی ادیان ابراهیمی است؛ اینکه کسـی خواهـد آمد و جهان را از منجلاب ظلم و جور نجات خواهد داد، در میان ادیان ابراهیمی مورد قبول همگان است. در اسلام، نام این منجی هم

1- . در دیدار کارکنان دفتر رهبری 1392/4/2

مشخّص شده است؛ این موجود الهی را، این انسان بزرگ فوق العاده را در همه ی مذاهب اسلامی به نام مهدی می شناسند. شاید در بین فِرَق اسلامی هیچ فرقه ای را نتوان سراغ داد که معتقد نباشد که مهدی (علیه السّلام) ظهور خواهد کرد و او از ذریّه ی پیغمبر است؛ حتّی نام و کنیه ی آن حضرت را هم مشخّص میکنند. خصوصیّتی که در اعتقاد شیعه وجود دارد این است که این شخصیّت را به صورت مشخّص و معیّن معرفی میکند؛ او را فرزند امام یازدهمِ از ائمّه ی اهل بیت - حضرت امام حسن عسکری (علیه السّلام) - میداند؛ تاریخ ولادت او به طور مشخّص از نظر مورّخان شیعه و متکلّمان شیعه روشن و واضح است؛ دیگر فِرَق اسلامی، غالباً این نظر را متذکّر نشده یا نپذیرفته اند ولی شیعه با ادلّه ی مسلّم و قطعی، حضور و وجود و ولادت آن بزرگوار را اثبات میکند. بعضی استبعاد کرده اند که چگونه ممکن است انسانی متولّد بشود و در این زمان طولانی زنده بماند. این تنها استبعادی است که در مورد قضیّه ی حضرت مهدی، مخالفان مطرح کرده اند و تکرار کرده اند؛ لکن قرآن کریم با نصّ صریح خود، این استبعاد را برطرف میکند. درباره ی حضرت نوح پیغمبر (علیه السّلام) میفرماید: «فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلاّٰ خَمْسِينَ عٰاماً» ؛(1) یعنی نوح در میان قوم خود 950 سال زندگی کرده است. نه اینکه عمر او این مقدار بود، ظاهر مطلب این است که دوران دعوت آن بزرگوار 950 سال است؛ بنابراین، این استبعاد جایی ندارد. بزرگ ترین خاصیّت این اعتقاد در میان شیعیان، امیدآفرینی است. جامعه ی تشیّع فقط به برجستگی های تاریخ خود در گذشته متّکی نیست، چشم به آینده دارد. یك نفر معتقد به مسئله ی مهدویّت طبق اعتقاد تشیّع، در سخت ترین شرایط، دل [را] خالی از امید نمیداند و شعله ی امید همواره وجود دارد؛ میداند که این دوران تاریکی، این دوران ظلم، این دوران تسلّط ناحق و باطل قطعاً سپری خواهد

1- . عنکبوت: 14

شـد؛ این یکی از مهم ترین آثـار و دسـتاوردهای این اعتقـاد است. البتّه اعتقاد تشـیّع نسـبت به مسـئله ی مهـدویّت به همین جا محـدود نمیشود؛ «بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الأـرض و السّـماء» (1)؛ مسـئله ی اعتقاد به مهدویّت یك چنین اعتقادی است. این شـعله ی فروزان، این فروغ تابـان، در جوامع شـیعی در طول قرنهای گذشـته وجود داشـته است و همچنان وجود خواهـد داشت و ان شاءالله دوران انتظار منتظران سر خواهد آمد.(2)

اهمّیّت تبیین مسئله ی معیّن بودن شخص مهدی (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف)

قضیّه ی طول عمر و مانند اینها، قضایای خیلی آسانی است؛ اینها واقعاً درخور اهمّیّت نیست. بیشترِ توجّه ما به این منعطف شده است که اشـکالات را برطرف کنیم که طول عمر چطور میشود؟ خب آن خـدایی که میتواند 140 سال عمر بدهد، میتواند 1400 سال عمر بدهد؛ اینکه دیگر خیلی مشـکلی نـدارد؛ یعنی اینها چیزی نیست که محقّقین بخواهنـد دنبالش برونـد و خودشان را معطّل این قضـیّه بکننـد. آن چیزی کـه بـه نظر من بـایستی رویش تنقیب(3) و تحقیـق و ماننـد اینهـا انجـام بگیرد، عمـده این بخش دوّمی است که عرض شـد؛ یعنی تشخّص، مشخّص کردن اینکه این بزرگوار، فرزند حضرت عسکری است؛ با این خصوصیّاتی که ما می شناسیم.(4)

نسبت عاشورا و فرج نهایی

امام حسـین (علیه السّلام) تك وتنها بود. البتّه چند ده نفری دوروبر آن حضرت ماندند؛ امّا اگر نمیماندند هم، آن حضرت می ایستاد. مگر غیر از

1- . زادالمعاد؛ مفتاح الجنان، ص 423

2- . در بیست وششمین سالروز رحلت امام خمینی (ره) 1394/3/14

3- . تحلیل و کاوش

4- . در دیدار دست اندرکاران برگزاری سمینار مهدویّت 1375/10/3

این است؟! فرض کنیم شب عـاشورا، وقـتی حضـرت فرمود که «من بیعتم را برداشـتم؛ بروید.» همه میرفتنـد؛ ابوالفضـل و علیّ اکبر هم میرفتند و حضـرت تنها میماند؛ روز عاشورا چه میشد؟ حضرت برمیگشت یا می ایستاد و میجنگید؟ در زمان ما، یك نفر پیدا شد که گفت «اگر من تنها بمانم و همه ی دنیا در مقابل من باشند، از راهم برنمیگردم.»؛ آن شخص، امام ما بود که عمل کرد و راست گفت؛ «صَدَقُوا مٰا عٰاهَدُوا اَللّٰهَ عَلَیْهِ» (1). لقلقه ی زبان را که خب همه داریم. دیدید، یك انسان حسینی و عاشورایی چه کرد؟ خب، اگر همه ی ما عاشورایی باشیم، حرکت دنیا به سمت صلاح، سریع، و زمینه ی ظهور ولیّ مطلقِ حق، فراهم خواهد شد.(2)

نسبت حرکت بشر در دوران انتظار و دوران فرج

دنیایی که در آن علم همراه باشـد با معنویّت، تمـدّن همراه باشـد با معنویّت، ثروت همراه باشـد با معنویّت، این دنیا دنیای انسانی خواهد بود. البتّه نمونه ی کامل این دنیا در دوران ظهور حضـرت بقیّـة الله (ارواحنا فداه) اتّفاق خواهد افتاد و از آنجا... دنیا شـروع خواهد شد. ما امروز در زمینه هـای مقـدّماتیِ عـالم انسـانی داریم حرکت میکنیم. ما مثل کسانی هستیم که در پیـچ وخم های کوه ها و تپّه ها و راه های دشوار داریم حرکت میکنیم تا به بزرگراه برسـیم؛ وقتی به بزرگراه رسـیدیم، تازه هنگام حرکت به سـمت اهداف والا است. بشریّت در طول این چند هزار سال عمر خود، دارد از این کوره راه ها حرکت میکند تا به بزرگراه برسد؛ وقتی به بزرگراه رسید - که آن، دوران ظهور حضرت بقیّـة الله است - آنجا حرکت اصـلی انسان آغاز خواهد شد؛ حرکت سـریع انسان آغاز خواهد شد؛ حرکت موفّق و بی زحمت انسان آغاز خواهد شد. زحمت فقط عبارت است از همین که انسان در این راه حرکت کند و

1- . سوره ی احزاب، بخشی ازآیه ی 23، ترجمه: «به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند.»

2- . در دیدار روحانیون و وعّاظ در آستانه ی ماه محرّم 1374/3/3

برود؛ دیگر حیرتی در آنجا وجود نخواهد داشت.(1)

ص: 69

1- . در نخستین نشست اندیشه های راهبردی 1389/9/10؛ این مضمون در سخنان دیگر معظّمُلّه نیز تکرار شده است. (ر. ك: بیانات ایشان در دیدار مسئولان و پژوهشگران مؤسّسه ی دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث 1393/3/21؛ بیانات ایشان در دیدار کارکنان دفتر مقام معظّم رهبری و خانواده های آنان 1396/2/21 و بیانات ایشان در در دیدار خانواده های کارکنان دفتر مقام معظّم رهبری به مناسبت نیمه ی شعبان 1398/1/31). درباره ی اینکه چرا دوره ی امام زمان دوران پایان بشریّت نیست بلکه آغاز حرکت اصلی بشریّت است، میتوان این گونه استدلال کرد که بر اساس روایات، هدف اصلی قیام امام زمان (عج)، استقرار عدالت است، و همان طور که در بیانات معظّمُلّه نیز وجود دارد، در سایه ی عدالت است که دیگر اهداف مقدّس یعنی اقامه ی دین و ساخت جامعه ی توحیدی محقّق خواهد شد (ر. ك: فصل اوّل، مصادیق فرج، تشکیل جامعه ی توحیدی)؛ بنابراین با قیام امام زمان (عج)، عدالت استقرار می یابد و با استقرار عدالت، حرکت بشر به سوی توحید و دین کامل آغاز میشود.

فصل دوّم : مبانی و ادلّه ی انتظار فرج

اشاره

ص: 71

ما البتّه برای مسئله ی مهدویّت، مبانی فکری بسیار عمیق و استواری را می شناسیم. مبادا کسی خیال کند که مسئله ی مهدویّت، یك مسئله ی صرفاً عاطفی است؛ نخیر، مبانی فکری مهدویّت یك مبانی بسیار مستحکم و استواری است. همه ی شبهاتی که مخالفین و معاندین این فکر در اذهان منتشر کرده اند، دارای جوابهای مستحکمی است.(1)

وعده ی الهی

شب میلاد امید تاریخ، شب میلاد مهدی موعود، شب ولادت آن کسی [است] که مصداق وعده ی لایتخلّف الهی است.(2)

***

وجود مقدّس امام زمان، مصداق وعده ی الهی است. همین قدر میدانیم که این بازمانده ی خاندان وحی و رسالت، عَلَم سرافراز خدا در زمین است؛ «السّلام علیك ایّها العلم المنصوب و العِلم المصبوب و الغوث و الرّحمة الواسعة وعداً غیر مکذوب» (3)؛ وعده ی الهی است؛ مصداق لطف خدا بر انسانیّت و بشریّت

1- . در دیدار میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (ع) در روز نیمه ی شعبان 1372/11/8

2- . در دیدار کارکنان دفتر مقام معظّم رهبری و خانواده های آنان 1394/3/12

3- . زیارت آل یاسین، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج 2، ص 493

است؛ مستوره(1) و نمونه ای از اولیا و اصفیا و انبیا و برجسته ترین بندگان خدا است. او نمایشگر مَبلغ فضل الهی بر بنی آدم است.(2)

***

نام این بزرگوار و یاد این بزرگوار، دائماً به ما یادآوری میکند که طلوع خورشیدِ حق و عدل در پایان این شب ظلمانی، قطعی است. انسانها گاهی که امواج متراکم ظلمت و ظلم را مشاهده میکنند، مأیوس میشوند. یاد امام زمان نشان دهنده ی این است که خورشید طلوع خواهد کرد، روز خواهد آمد؛ بله، ظلمات هست، ظالمان و تاریکی آفرینان هستند در دنیا، و قرنهای متمادی بوده اند امّا پایان این شب سیاه و ظلمانی، قطعاً طلوع خورشید است. این آن چیزی است که اعتقاد به امام زمان به ما می آموزد؛ این وعده ی تضمین شده ی پروردگار است: «السّلام علیك ایّها العلم المنصوب و العِلم المصبوب و الغوث و الرّحمة الواسِعة وعداً غیر مکذوب» ؛ وعده ی تخلّف ناپذیر الهی است. در اوّل زیارت [هم دارد]: «السّلام علیك یا وعد اللّه الّذی ضمنه» ؛ وعده ای که تضمین شده است از طرف پروردگار، ظهور این بزرگوار است... معتقدین به ظهور ولیّ عصر و وجود ولیّ عصر (ارواحنا فداه) هیچگاه دچار ناامیدی و یأس نمیشوند، و میدانند که قطعاً این خورشید طلوع خواهد کرد و این تاریکی ها و این سیاهی ها را برطرف خواهد کرد.(3)

تحقّق وعده های الهی ازجمله تشکیل جمهوری اسلامی

توفیقاتی که بشر در اثنای راه پیدا کرده است، مؤیّد این معنا برای ذهن انسان شکّاك است که آنچه وعده داده شده، تحقّق پیدا خواهد کرد. این آیاتی که تلاوت کردند، به نظر من آیات جالب و مهمّی است. یك نکته ای

1- . نمونه

2- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1369/12/11

3- . در مراسم دانش آموختگی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، 1396/2/20

در این آیات – آنجا که حضـرت موسـی را در آغاز ولادت، مادرش در آب می اندازد – وجود دارد؛ «وَ أَوْحَيْنٰا إِلىٰ أُمِّ مُوسىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذٰا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي اَلْيَمِّ ... إِنّٰا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَ جٰاعِلُوهُ مِنَ اَلْمُرْسَلِينَ» (1)؛ [اینجا] دو وعده است: يك وعده وعده ی برگرداندن موسـی به مادرش است؛ يك وعـده وعـده ی «جٰاعِلُوهُ مِنَ اَلْمُرْسَلِينَ» است؛ یعنی آن وعـده ی عمومی ای که به بنی اسـرائیل داده شـده بود که بنی اسـرائیل منتظر بودنـد که منجی بیایـد؛ و این منجی از طرف خـدا است و خواهد آمد و بنی اسـرائیل را از دست فرعون نجات خواهد داد. خدای متعال در وحی به مادر موسـی این وعده ی دوّم را هم داد – «جٰاعِلُوهُ مِنَ اَلْمُرْسَلِينَ» – یعنی این را ما از طرف خودمان میفرستیم، و او را همان مرسَلی قرار میـدهیم که بنا است آن وعـده ی بزرگ را و آن آرزوی بزرگ را انجام بدهـد؛ این دو وعده را خدای متعال داد. يك وعده، وعده ی نقد و نزدیك بود و آن، «إِنّٰا رَادُّوهُ إِلَيْكِ» بود. در آیات بعدی – که حالا آن آیات را آقای سبزعلی متأسّفانه نخواند – میفرماید: «فَرَدَدْنٰاهُ إِلىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهٰا وَ لاٰ تَحْزَنَ وَ لِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اَللّٰهِ حَقٌّ» (2)؛ اینکه ما بچّه را به مادر برگرداندیم، خب بله، «تَقَرَّ عَيْنُهٰا» دارد، «وَ لاٰ تَحْزَنَ» دارد – دلش خوش شـد، دلش آرام گرفت، چشـمش روشن شـد – امّا اثر دیگرِ این برگردانـدن، این بود که «وَ لِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اَللّٰهِ حَقٌّ» ؛ بداند که این وعده ای که ما دادیم – و گفتیم منجی را میفرستیم و کسـی را خواهیم فرسـتاد که بنا است جامعه ی بنی اسـرائیل را در مصـر از استضـعاف خـارج کنـد – وعـده ی درستی است؛ دلش مطمئن بشود، و خـاطرجمع بشود. یعنی یـك وعـده ی کوچك از سوی پروردگار تحقّق می یابد، برای اینکه هر انسان اهل تدبّری از تحقّق این وعده ی کوچك، اطمینان پیدا کند که آن وعده ی

1- . سوره ی قصـص، بخشی از آیه ی 7، ترجمه: «و به مادر موسـی وحی کردیم که او را شـیر ده و چون بر او بیمناك شـدی او را در نیل بینداز... ما او را به تو بازمیگردانیم و از [زمره ی] پیمبرانش قرار میدهیم.»

2- . سوره ی قصص، بخشی از آیه ی 13، ترجمه: «پس او را به مادرش بازگردانیدیم تا چشمش [بدو] روشن شود و غم نخورد و بداند که وعده ی خدا درست است.»

بزرگ تحقّق پیـدا خواهـد کرد. آنچه از موفّقیّتها در طول تاریـخ برای بشـریّت از طریق دین حاصل شـده، همان وعـده های کوچك است؛ ازجمله جمهوری اسـلامی. جمهوری اسلامی هم یکی از همین وعده ها است؛ خدای متعال وعده داده بود که اگر مبارزه کنید، اگر صبر کنیـد، اگر به خـدای متعال توکّل کنیـد، در جایی که گمان آن را نمیبرید و امید آن را ندارید، به شـما قدرت خواهیم داد؛ همین اتّفاق افتاد؛ ملّت ایران مبارزه کرد، صبر کرد، ایسـتاد، فـداکاری کرد، از دادنِ جان دریغ نکرد و اتّفاقی افتاد که هیچ کس تصوّر آن را نمیکرد! چه کسـی خیال میکرد در این منطقه ی بسـیار حسّاس، در این کشور بسـیار مهم، در مقابله ی با آن رژیمِ بشدّت حمایت شونده ی از سوی قدرتهای بین المللی، یك حکومتی به وجود بیاید و یك انقلابی به پیروزی برسد، آن هم بر اساس دین، بر اساس فقه، بر اساس شـریعت؟ چه کسـی چنین تصوّری میکرد؟ هیچ کس. اگر کسی بگوید من میدانستم این جوری میشود، مگر از طرق غیبی فهمیده باشد؛ محاسبات، مطلقاً این را نشان نمیـداد، امّا این اتّفاق افتاد. بـدانیم آن وعـده ی اصـلی، آن کار بزرگ هم اتّفاق خواهـد افتاد. این یك نمونه ای از آن چیزی بود که اتّفاق خواهد افتاد.(1)

***

ما با اعتقاد به ظهور حضـرت مهدی (علیه السّلام) و روی کار آمدن حکومت حق و عدل مطلق، درحقیقت معتقد هستیم که آینده ی دنیا یك آینـده ی امیـدبخش و مسـرّت بخشـی است برای انسان... با این اعتقاد، با این امیـد، آینده برای ما روشن است. این آینده اگرچه به نظر کسانی که با عادتهای معمولی مادّی خود قضایا را تحلیل میکننـد بعیـد است امّا باتوجّه به اینکه جریان زندگی انسان به طرف عدل و کمال زندگی انسانی پیش میرود، همچنین باتوجّه به اینکه این معجزه در دوران تاریخ به صورت ناقص بارها

1- . در دیدار مسئولان و پژوهشگران مؤسّسه ی دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث 1393/3/21

به وقوع پیوست، این استبعاد هم برطرف میشود. ازجمله ی این دفعاتی که این معجزه به وقوع پیوست، همین انقلاب اسلامی مردم ایران بود.(1)

اصل عدالت

مطلبی که در پیرامون ظهور ولیّ عصر (عجّ ل الله تعالی فرجه الشّ ریف) خیلی قابل توجّه است، این است که آن نقطه ای که امام زمان با آن نقطه شناخته میشود، آن چیست؟ فلسفه ای که آمدن ولیّ عصر را حتمی میکند، آن چیست؟ آیاتی که در قرآن کریم اشاره به این حادثه ی تاریخی میکند، بر روی چه مسائلی بیشتر انگشت میگذارد؟ خیلی خوب است که فضلا و محقّقین روی این نکات مطالعه کنند، تحقیق کنند و کار کنند. من در یك جمله عرض میکنم که محور اصلی اعتقاد به دنیایی که امام زمان در آن دنیا حضور دارد، مسئله ی عدل و قسط و اقامه ی حدود الهی و قدرت دادن به محرومان و مستضعفان و مظلومان عالم است. «یملأ الله به الارض قسطا و عدلا» (2)؛ این دنیای زشت شده با کارهای قدرت مداران و گردن کلفت های دنیا، با آمدن امام زمان زشتی خود را از دست خواهد داد. این چهره ی عبوس بشریّت که با قدرت طلبی سلطه گران بزرگ جهانی لبخند مهر و عطوفت و شادکامی از یادش رفته، باز خواهد شد و انسانیّت به شکفتگی خواهد افتاد. این چند میلیارد انسانی که در دنیا در زیر شلّاق فشار تبعیض نان ندارند که بخورند، لباس ندارند که تنشان را بپوشانند، امنیّت ندارند که از حقوق خودشان در مقابل قدرتهای بزرگ جهانی دفاع کنند، حق و اجازه ندارند که به بی عدالتی ها و ستمهای فراگیر عالم اعتراض کنند، با ظهور دولت حقّ مهدی (علیه السّ لام) دوباره به حقوق خودشان خواهند رسید؛ عدالت در دنیا شکفته خواهد شد؛ یعنی چیزی که در طول تاریخ تا امروز

1- . در مکتب جمعه، ج 3، ص 250

2- . بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج 38، ص: 126

به صورت همه گیر در دنیا وجود نداشته.(1)

***

هدف بزرگ پیامبران و هدف قیام ولیّ عصر (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) تأمین عدالت اجتماعی است.(2)

***

پیام اسلام، اقامه ی عدل است. قیام اسلامی در ایران، برای اقامه ی عدل بود. پیغمبران که آمدند، برای اقامه ی عدل و قسط آمدند. بشریّت که با عطش تمام منتظر امام زمان (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) است و میخواهد مهدی موعود بیاید و چشم انتظار آن حضرت است، برای این است که او بیاید تا دنیا را از عدل و داد پر کند.(3)

***

در قرآن وقتی که میفرماید ما پیامبران را فرستادیم، متعاقبش میگوید: «لِیَقُومَ اَلنّٰاسُ بِالْقِسْطِ» (4)؛ هدف، قسط است؛ قسط یعنی زندگی عادلانه. فرستادن پیامبر، مبدأ کار است؛ خدا قضیّه را این گونه شروع کرده است: «لِیَقُومَ اَلنّٰاسُ بِالْقِسْطِ» ؛ ولیّ منتها هم این گونه است که خدا امام زمان را میفرستد تا «یملأ الله الارض به قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جورا» (5). بنابراین منتها هم قسط و عدل است.(6)

1- . در اجتماع مردم قم 1363/2/27

2- . در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام در آستانه ی یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی 1368/11/9

3- . در دیدار کارگزاران و قشرهای مختلف مردم، در روز ولادت حضرت امیرالمؤمنین (ع) 1371/10/17

4- . سوره ی حدید، بخشی از آیه ی 25، ترجمه: «تا مردم به انصاف برخیزند.»

5- . مفتاح الجنان، دعای عدیله ی کبیر

6- . در دیدار وزیر تعاون و مسئولان بخشهای تعاون 1377/2/21

فطرت و طبیعت انسانی

معنای انتظار فرج این است که انسان در هر وضـعی که هست، به آن وضع قانع نباشـد، بخواهد به وضع بهتر و برتری دست پیدا بکند؛ این معنای انتظار فرج است. بالاترین اوضاع هم همین ظهور حضـرت بقیّة الله (ارواحنا فداه) و ان شاءالله تشـکیل محیط عدل واقعی و عدل کامل الهی و اسلامی است در سرتاسر عالم، به برکت وجود آن بزرگوار. و این آن چیزی است که اتّفاق خواهد افتاد؛ این واقع خواهد شد؛ این وعده ی الهی است. این امید آن چیزی است که خدای متعال بذر آن را از قرنها پیش، از اوّل عالم به وسیله ی پیغمبران در دلها پاشیده است. دل بنی آدم به طور جِبلّی(1) متمایل به این آینـده و منتظر یك چنین آینـده ای است. این حالت انتظار، یك چنین چیزی است. اگر مسخ نشود فطرت انسانی و زیر فشارها لگدمال نشود، همین است. دلها به طور طبیعی و فطری منتظر آن چنان آینده ای هسـتند و آن آینده پیش خواهـد آمـد. آن حکومت الهی به وجود خواهـد آمد. آن قدرت متّکی بر عدل مطلق الهی، پرچم خواهد افراشت؛ و بشـریّت این را خواهد دید.(2)

***

امروز ما انتظار فرج داریم. یعنی منتظریم که دست قدرتمنـد عـدالت گستری بیاید و این غلبه ی ظلم و جور را که همه ی بشـریّت را تقریباً مقهور خود کرده است، بشـکند و این فضای ظلم و جور را دگرگون کند و نسـیم عدل را بر زندگی انسانها بوزاند، تا انسانها احساس عدالت کنند. این نیازِ همیشـگی یك انسان زنده و یك انسان آگاه است؛ انسانی که سر در پیله ی خود نکرده باشد، به زندگی خود دل خوش نکرده باشد. انسانی که به زندگی عمومی بشر با نگاه کلان نگاه میکند، به طور طبیعی حالت انتظار دارد.(3)

***

1- . ذاتی، فطری

2- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1375/10/6

3- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1387/5/27

انتظار را بشریّت نیاز دارد، امّت اسلامی به طریق اولی نیاز دارد.(1)

***

این حقیقت عظیم، متعلّق به یك ملّت و یك زمان خاص نیست؛ بلکه متعلّق به بشـریّت است. این «میثاق الله الّذی أخذه و وکده» ، میثاق خـدا با انسان است. «وعد الله الّذی ضـمنه» (2)؛ این، وعـده ی خـدا است که تحقّق آن را ضـمانت کرده است. همه ی انسانهـای طول تاریخ، نسبت به این پدیده ی عظیم و شگفت آور، احساس نیاز معنوی و قلبی کرده اند؛ چون تاریخ، از اوّل تا امروز و از امروز تا لحظه ی طلوع آن خورشـید جهـان تـاب، بـا ظلم و بـدی و پلیـدی آمیخته بوده است. همه ی کسانی که از ظلمی رنـج برده انـد - چه آنهایی که به خودشان ظلم شده است و رنج برده اند و چه آنهایی که به سـتم کشـی دیگران نگاه کرده اند و رنج برده اند - با یاد ولادت این منجی عظیم تاریخ و بشـر، در دلشان امیدی به وجود می آید. به همین خاطر، شـما می بینید که این حقیقت، مخصوص شـیعه هم نیست؛ بلکه همه ی ادیان و مذاهب، عقیده دارند که یك منجی و یك دست مقتدر الهی، در مقطعی از تاریخ خواهد آمد و در نجات بشر از ظلم و جور معجزه گری خواهد کرد.(3)

***

تا آنجایی که ادیان الهی و ادیانی را که رونویسـی از ادیان الهی انـد، می شناسـیم - ولو خودشان هم الهی نباشـند، امّا پیـدا است اصول و قواعد کار را از ادیان الهی گرفته اند - همه معتقدند که این کاروان در پایان، در آخر راه، به یك منزلگاه مطلوب و دلگشا و دل نشـین خواهد رسید. خصوصیّت عمده ی این مقصد هم «عدالت» است؛ عدالت، خواسته ی عمومی بشریّت از اوّل تا امروز و تا آخر است. اینهایی که سعی میکنند در مبانی و تفکّرات اصولی، معتقد به تنوّع و تغییر و تحوّل و مانند اینها بشوند، این را

1- . در دیدار اساتید و فارغ التّحصیلان تخصّصی مهدویّت 1390/4/18

2- . زیارت آل یاسین، الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج 2، ص: 493

3- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1374/10/17

نمیتوانند انکار کنند که خواسته ی بشریّت از روز اوّل تا امروز چند خواسته است، که ازجمله ی اساسی ترین آنها عدالت است؛ بشر دنبال عدالت [است]؛ هیچ وقت از این خواسته منصرف نشده است و درنهایت، این خواسته برآورده میشود، که در آثار ما [آمده]: «یملأ الله به الارض قِسطاً و عدلاً کما ملِئت ظلماً و جورا» (1) - در اغلب متون «کما ملئت» است، در بعضی هم «بعد ما ملئت» - این پاسخ همه ی ادیان است. در واقع هر فردی از آحاد بشر میداند که این سِیر عمومی بشر به کجا منتهی خواهد شد.(2)

استمرار نبوّت

وجود مقدّس حضرت بقیّة الله (ارواحنا فداه) استمرار حرکت نبوّتها و دعوتهای الهی است از اوّل تاریخ تا امروز؛ یعنی همان طور که در دعای ندبه میخوانید، از «فبعض اسکنته جنّتك» - که حضرت آدم است - تا «الی ان انتهی الامر» - که رسیدن به خاتم الانبیا (صلّی الله علیه و آله) است - و بعد مسئله ی وصایت و اهل بیت آن بزرگوار، تا میرسد به امام زمان، همه، یك سلسله ی متّصل و مرتبط به هم در تاریخ بشر است. این، بدین معنا است که آن حرکت عظیم نبوّتها، آن دعوت الهی به وسیله ی پیامبران، در هیچ نقطه ای متوقّف نشده است. بشر به پیامبر و به دعوت الهی و به داعیان الهی احتیاج داشته است و این احتیاج تا امروز باقی است و هرچه زمان گذشته، بشر به تعالیم انبیا نزدیك تر شده است. امروز جامعه ی بشری با پیشرفت فکر و مدنیّت و معرفت، بسیاری از تعالیم انبیا را - که ده ها قرن پیش از این، برای بشر قابل درك نبود - درك کرده است. همین مسئله ی عدالت، مسئله ی آزادی، مسئله ی کرامت انسان - این حرفهایی که امروز در دنیا رایج است - حرفهای انبیا است. آن روز عامّه ی مردم و افکار عمومی مردم این مفاهیم

1- . بحارالانوار (ط - بیروت) ج 38، ص 126

2- . در دیدار مسئولان و پژوهشگران مؤسّسه ی دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث 1393/3/21

را درك نميكردند. پی درپی آمدن پيغمبران و انتشار دعوت پيغمبران، اين افكار را در ذهن مردم، در فطرت مردم، در دل مردم، نسل به نسل نهادينه كرده است. آن داعيان الهی، امروز سلسله شان قطع نشده است و وجود مقدّس بقيّة الله الاعظم (ارواحنا فداه) ادامه ی سلسله ی داعيان الهی است، كه در زيارت آل ياسين ميخوانيد: «السّلام عليك يا داعی اللّه و ربّانی آياته» ؛ يعنی شما امروز همان دعوت ابراهيم، همان دعوت موسی، همان دعوت عيسی، همان دعوت همه ی پيغمبران و مصلحان الهی و دعوت پيامبر خاتم را در وجود حضرت بقيّة الله مجسّم می بينيد؛ اين بزرگوار، وارث همه ی آنها است و دعوت و پرچم همه ی آنها را در دست دارد و دنيا را به همان معارفی كه انبيا در طول زمان آورده اند و به بشر عرضه كرده اند، فراميخواند. اين، نكته ی مهمّی است.(1)

***

امروز ذهنيّت بشر، آماده ی آن است كه بفهمد و بداند و يقين كند كه انسان والايی خواهد آمد و بشريّت را از زير بارهای ظلم و ستم نجات خواهد داد؛ همان چيزی كه همه ی پيغمبران برای آن تلاش كرده اند؛ همان چيزی كه پيغمبر اسلام در آيه ی قرآن وعده ی آن را به مردم داده است؛ «وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلالَ الَّتِي كانَتْ عَلَيْهِمْ» (2)؛ دست قدرت الهی به وسيله يك انسان عرشی، يك انسان خدايی، يك انسان متّصل به عالمهای غيبی، معنوی و عوالمی كه برای انسانهای كوته نگری مثل ما قابل درك و تشخيص نيست، ميتواند اين آرزو را برای بشريّت برآورده كند؛ لذا دلها، شوقها، عشقها، به سمت آن نقطه متوجّه و روزبه روز متوجّه تر است.(3)

***

1- . در ديدار اقشار مختلف مردم در روز نيمه ی شعبان 1384/6/29

2- . سوره ی اعراف، بخشی از آيه ی 157، ترجمه: «و از [دوش] آنان قيدوبندهايی را كه بر ايشان بوده است برميدارد.»

3- . در ديدار جمعی از اعضای نيروی مقاومت بسيج به مناسبت ميلاد امام زمان (عج) 1378/9/3

آن چیزی که مهـدویّت مبشّر آن است همـان چیزی است که همه ی انبیـا، همه ی بعثتها برای خاطر آن آمدنـد... اگر مهـدویّت نباشـد، معنـایش این است که همه ی تلاـش انبیـا، همه ی این دعوتها، این بعثتها، این زحمات طاقت فرسا، اینها همه اش بی فایـده باشـد، بی اثر بماند؛ بنابراین مسـئله ی مهدویّت یك مسـئله ی اصـلی است؛ جزو اصلی ترین معارف الهی است. لذاست که در همه ی ادیان الهی هم تقریبـاً - حالا تا آنجایی که ما اطّلاع داریم - یك چیزی که لُب و معنای حقیقی آن همان مهـدویّت است، وجود دارد، منتها به شـکلهای تحریف شده، به شکلهای مبهم، بدون اینکه درست روشن باشد که چه میخواهند بگویند.(1)

***

انبیا آمدند تا مردم را بتدریج و در طول تاریخ با چند خصوصـیّت آمیخته کنند. اوّلاً آمدند به مردم اندیشیدن و فکر کردن یاد بدهند... دوّم، [ایجاد] تعالی روحی... سوّم، انبیا آمدنـد تا در مردم خواهش و طلب یك جامعه ی آرمانی را زنده کنند؛ انبیا آمدند تا در مردم روح انتظار بدمند. وقتی خواهش یك زندگی کامل، یك زندگی سعادتمندانه و رستگارانه در دل و جان انسانها زنده میشود، انسان به آنچه در پیرامون او است دیگر قناعت نمیکنـد؛ دائماً انتظار میبرد، امیدوار است که بتواند آینده ی بهتری را تأمین کند... نه برای خود، نه برای خانواده ی خود، حتّی نه برای نسل خود، بلکه برای آینده، برای تاریخ، برای بشریّت؛ انبیا آمدند این روح را در مردم زنده کردند و لذا این را شنیدید و درست هم شـنیدید و درست گفته اند که مسـئله ی مهدویّت و جامعه ی ایده آل تاریخی انسان در زبان همه ی پیامبران بوده است و همه ی ادیان آن را وعده داده اند؛ «وَ مُبَشِّراً بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اِسْمُهُ أَحْمَدُ» (2). بنابراین انبیا آمده بودند تا این خصوصیّات را در انسانها زنده کنند.

1- . در دیدار اساتید و دانش آموختگان تخصّصی مهدویّت 1390/4/18

2- . سوره ی صف، بخشی از آیه ی 6، ترجمه: «و به پیامبری که بعد از من می آید و نامش احمد است، مژده میدهم».

اینکه ما میگوییم ای طرف داران مکاتب مادّی و الحادی! ای کسانی که تاریخ را و تحوّلات تاریخی را و پیدایش انقلابها را با دید مادّی تفسیر کردید و تحلیل کردید و گفتید آن طبقه ای حرکت میکند که مورد ظلم و ستم است و برای گرفتن حقّ خود حرکت میکند و بس، و میخواهد مادّیّات خود را تأمین بکند! ای همه ی گویندگان این سخنها و بافندگان این فلسفه ها! انقلاب اسلامی ایران با حضور خودش و با وجود خودش همه ی این فلسفه ها را باطل کرد؛ اینکه ما به گویندگان این فلسفه ها این حرف را میزنیم و بعد روی اسلامی بودن این انقلاب این قدر تأکید میکنیم و معتقدیم که عینك مادّی آمریکا و اروپا نمیتواند این انقلاب را درست تقدیر و برآورد کند - لذا دست به این گونه عملیّات احمقانه میزنند - این به خاطر همین است که ما دیدیم مردم خودمان را و لمس کردیم و فهمیدیم غلظت مایه های اخلاقی را در این زن و مرد مسلمان؛ پس اخلاق امروز از آن روزگار جلوتر آمده و مایه های اخلاقی غلیظتر و پرقوام تر شده؛ یك محرّك لازم است، یك استفاده کننده و استخراج کننده لازم است که وقتی رهبری مثل امام در میان جامعه ای بروز میکند آن وقت این مایه های اخلاقی زیر شعارهای انقلابی و اسلامی خودش را نشان میدهند.

پس می بینید که هم دانش بشریّت جلو رفته، هم اخلاق بشریّت پیش آمده، هم آن شوق به جامعه ی آرمانی بشر روزبه روز و مرحله به مرحله در تاریخ جلوتر آمده، پس انبیا موفّق شدند، امّا هنوز این همه به طور کامل انجام نگرفته؛ این حرکت به سوی آن سرنوشت نهایی شروع شده امّا به آن نتیجه هنوز نرسیده. چه نتیجه ی میگیریم؟ نتیجه میگیریم که باید دورانی باشد که در آن دوران بشریّت به حدّ نهایی تکامل علمی و اخلاقی خود برسد؛ آن دوران چه وقت است؟ آن دوران، دوران مهدی موعود، محبوب و معشوق و منتظر همه ی موحّدان عالم حجّت بن الحسن عسکری (علیه السلام) است.(1)

1- . بیانات به مناسبت نیمه ی شعبان 1360/3/27

سنّت الهی حرکت عالم به سمت غلبه ی حق و عدل

از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیّت حق و به سمت صلاح است؛ این برو برگرد هم ندارد... همه ی انبیا و اولیا آمده اند تا انسان را به آن بزرگراه اصلی ای سوق بدهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ گونه مانعی تمام استعدادهایش میتواند بروز کند. انبیا و اولیا این مردم گمگشته را مرتّب از این کوه وکمر و دشتها و کویرها و جنگلها به سمت این راه اصلی سوق دادند و هدایت کردند. هنوز بشریّت به نقطه ی شروع آن صراط مستقیم نرسیده است؛ آن در زمان ولیّ عصر (ارواحنا فداه) محقّق خواهد شد؛ لیکن همه ی این تلاشها اصلاً بر اساس این بینش است که نهایت این عالم، نهایت غلبه ی صلاح است؛ ممکن است زودتر بشود، ممکن است دیرتر بشود، امّا بروبرگرد ندارد؛ قطعاً این طوری است که درنهایت صلاح بر فساد غلبه خواهد کرد؛ قوای خیر بر قوای شر غلبه میکنند. این هم یك نقطه از نقاط جهان بینی اسلامی است که در آن هیچ گونه تردیدی نیست.(1)

***

قدرتمندان، دنیا را پر از ظلم میخواهند؛ گرچه به زبان نمی آورند، امّا عملشان گواه آن است؛ ظلم میکنند، برای اینکه منافع خودشان را تأمین کنند. ما با ظلم و قلدری مخالفیم. ما برای استقرار قسط و عدل قیام و تلاش کرده ایم و بازهم این ملّت در همین راه تلاش خواهد کرد. حرکتی که برای قسط و عدل است بر حرکتی که در مقابل قسط و عدل ایستاده است، پیروز خواهد شد؛ در این، شکّی نیست؛ دنیا به سمت عدل و قسط حرکت میکند و معنای امام زمان و انتظار فرج همین است. انتظار فرج یعنی اینکه در سرنوشت بشریّت، یك فرج بزرگ هست و ما به سمت آن فرج پیش میرویم.(2)

***

1- . در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران 1379/9/12

2- . در دیدار مهمانان خارجی دهه ی فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1371/11/18

ادیان الهی و آسـمانی – که اغلب این ادیان ریشه های الهی و آسـمانی دارند – نخواسـته اند امید واهی به مردم بدهند؛ آنها واقعیّتی را بیان کردنـد. در خلقت بشـر و تاریخ طولانی بشـریّت حقیقتی وجود دارد و آن حقیقت این است که این ستیزه ی میان حق و باطل، یك روز به سود حق و به زیان باطل پایان خواهد گرفت و از آن روز به بعد دنیای حقیقی بشر، زندگی مطلوب انسان، آغاز خواهد شد که در آنجا ستیزه گری مفهوم مبارزه نیست، [بلکه] مبارزه برای تسابقِ در خیرات است. این یك حقیقتی است که بین همه ی ادیان مشترك است.(1)

***

این آیه میگویـد: «اَلَّذِینَ إِنْ مَکَّنّٰاهُمْ فِي اَلْأَرْضِ أَقٰامُوا اَلصَّلاٰةَ وَ آتَوُا اَلزَّکٰاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ اَلْمُنْکَرِ» بعـد میفرمایـد: «وَ لِلّٰهِ عٰاقِبَةُ اَلْأُمُورِ» (2)؛ متعلق به خدا است پایان و فرجام کارها؛ یعنی سـرنوشت زندگی بشـر آن چنان سرنوشتی است که در جهت اراده ی الهی و در سـمت کمالی است که خـدای متعال حدّ اعلای آن کمال است؛ یعنی تاریخ بشـر و زندگی انسان به طور قطعی و ناگزیر به سـمت یك چنین فرجامی دارد حرکت میکند و هیچ تلاشی نمیتواند مانع بشود از آمدن آن روز.(3)

***

آیه ی کریمه ی قرآن میفرماید: «وَ لَقَدْ سَبَقَتْ کَلِمَتُنٰا لِعِبٰادِنَا اَلْمُرْسَلِینَ. إِنَّهُمْ لَهُمُ اَلْمَنْصُورُونَ. وَ إِنَّ جُنْدَنٰا لَهُمُ اَلْغٰالِبُونَ» (4)؛ این آیه اوّلاً ثابت میکند که در نهایتِ

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1387/5/27

2- . سـوره ی حـج، آیه ی 41، ترجمه: «همـان کسـانی که چون در زمین به آنـان توانـایی دهیم نماز بر پا میدارنـد و زکات میدهنـد و به کارهای پسندیده وامیدارند و از کارهای ناپسند بازمیدارند و فرجام همه ی کارها از آن خدا است.»

3- . در دیدار اقشار مختلف مردم قم به مناسبت نیمه ی شعبان 1366/1/24

4- . سوره ی صافّات، آیات 171 تا 173، ترجمه: «و قطعاً فرمان ما درباره ی بندگان فرستاده ی ما از پیش [چنین] رفته است. که آنان [بر دشمنان خودشان] حتماً پیروز خواهند شد. و سپاه ما هرآینه غالب آیندگانند.»

تاریخِ بشریّت، دورانی وجود خواهد داشت که در آن دوران، آرمان پیامبران و رسولان الهی محقّق خواهد شد... ما را به یك جامعه ی آرمانی نوید میدهد: «وَ لَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنٰا لِعِبٰادِنَا اَلْمُرْسَلِينَ» ؛ کلمه ی ما، سنّت و قانون ما، حکمِ بی تخلّفِ ما، از پیش برای بندگان مرسلمان صادر شده است؛ یعنی این یك قانون الهی است؛ و در قرآن آمده است که «لاٰ مُبَدِّلَ لِكَلِمٰاتِ اَللّٰهِ» (1)؛ کلمات خدا تغییر نمیپذیرد. کلمه در قرآن به هر معنایی که گرفته بشود، ازجمله ی مصداقها و نمونه هایش قوانین و سننِ لایتخلّفِ تاریخ است. این یك سنّت است، یك قانون است، یك روال طبیعی برای جریان تاریخ انسان است که دنیای آمیخته ی به ظلم و نامردمی و دنیایی که در آن بدی و زشتی و نابسامانی و ناهنجاری و کجی و کمی و کاستی هست، همین دنیا دارد به طرف یك مقصد و یك عاقبتی میرود که در آن عاقبت، نه کمی و کاستی هست، نه ناهنجاری و ناصافی هست، نه ظلم و ستم هست، نه فقر هست، نه جهل هست؛ دنیایی که در آن انسان میتواند به راستی انسان زندگی کند و نه [مانند] حیوانی درنده و وحشی و گزنده. «سَبَقَتْ كَلِمَتُنٰا لِعِبٰادِنَا اَلْمُرْسَلِينَ» ؛ این یك قانونی است که در آفرینش مسجّل شده است و تغییرپذیر نیست.

دنباله ی آیه بیان میکند که این عاقبت چگونه عاقبتی است: «إِنَّهُمْ لَهُمُ اَلْمَنْصُورُونَ. وَ إِنَّ جُنْدَنٰا لَهُمُ اَلْغٰالِبُونَ» ؛ آن قانون این است که درنهایت، پیامبران پیروز خواهند شد؛ این سلسله ای که در تاریخ، همه ی ما به نام سلسله ی نبوّتها می شناسیم - و آدمهای کوته فکر خیال میکنند که نبی، رسولان و انبیای الهی در دنیا ناکام شده اند - پیوسته و قدم به قدم رو به تکامل بوده است و همین سلسله است که بالاخره به پیروزی کامل خواهد رسید. «وَ إِنَّ جُنْدَنٰا لَهُمُ اَلْغٰالِبُونَ» ؛ سپاهیان ما، جنود ما، جنودالله هستند که غلبه خواهند کرد بر نیروهای مخالف و مخاصمِ با خودشان.(2)

***

1- . سوره ی انعام، بخشی از آیه ی 34

2- . بیانات به مناسبت نیمه ی شعبان 1360/3/27

«بقیّة الله» عنوان بسیار مهم و خوبی است؛ یعنی آن چیزی که خدا برای شما نگه داشته. اصل این کلمه در قرآن درمورد اصحاب شعیب است و مسئله ی خرید و فروش و اینکه شما از مردم زیادی نگیرید، زیاد نخواهید، ظلم نکنید؛ «بَقِیَّتُ اَللهِ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ» (1)؛ همان که خدا برای شما قرار داده، برای شما بهتر است از آنچه شما خیال میکنید با زرنگی خودتان، با تلاش خودتان بخواهید آن را به دست بیاورید؛ این کلمه آنجا به کار رفته است؛ لکن «بقیّة الله» یك کلمه ی عام است؛ «بقیّة الله» یعنی آن چیزی که خدای متعال برای شما حفظ کرده، نگه داشته، ذخیره کرده؛ این ذخیره ای برای بشریّت و ذخیره ای برای تاریخ است. اگر این ذخیره وجود نداشت، همه ی زحماتی که از اوّلِ تولّدِ بشر در این عالم کشیده شده بود، بر باد میرفت، به هدر میرفت. انبیا، اولیا، مجاهدتها، شهیدان، خونهای بناحق ریخته شده، همه ی آنچه تا زمان ظهور آن بزرگوار اتّفاق افتاده است، مقدّمه است.(2)

سنّت الهی فرج بعد از سختی

اساساً حرکت انسان در این دنیا به معنای عبور کردن از دشواری ها و سختی ها و مبارزه کردن با مانعها است؛ امّا مهم این نیست که انسان سختی دارد یا ندارد، مهم این است که آیا بعد از این سختی چیست؟ تحمّل سختی را که انسان کرد بعدش چیست؟ بعدش آسایش و گشایش است. بعد از مبارزه پیروزی است؛ بعد از تحمّل سختی های انتخاب شده، فرج و گشایش است؛ این است و یکی از اصول اصلی تفکّر اسلامی انتظار فرج است؛ یعنی مردم همیشه موظّفند منتظر فرج باشند؛ یعنی بدانند که یك پایان خوبی برای سختی ها وجود دارد.(3)

1- . سوره ی هود، بخشی از آیه ی 86

2- . در دیدار کارکنان دفتر مقام معظّم رهبری و خانواده های آنان 1396/2/21

3- . تفسیر سوره ی طلاق، 1363/12/17

تواتر

همه ی مسلمین مسئله ی مهدی (علیه الصّلاة و السّلام) را نقل کرده اند و به آن معتقدند. اینکه بشریّت را از ظلم و جوری که بر آن حاکم است، دست با اقتدارِ بازمانده ی خاندان نبیّ اکرم (صلّی الله علیه و آله و سلّم) و بقیّه ی اولیاءالله در زمین، باید نجات بدهد، مورد اتّفاق است.(1)

***

همه ی مسلمانان، حقیقت مهدی موعود را از طریق روایات خدشه ناپذیری که از نبیّ اکرم (صلّی الله علیه و آله و سلّم) و اولیای دین رسیده است، قبول دارند؛ امّا این حقیقت در هیچ جای جهان اسلام، مثل محیط زندگی ملّت عزیز ما و شیعیان، این برجستگی و این چهره ی درخشان و این روح پرتپش و پرامید را ندارد؛ این به خاطر آن است که ما به برکت روایات متواتره ی خودمان، شخص مهدی موعود را با خصوصیّاتش می شناسیم.(2)

***

درباره ی حضرت مهدی (علیه الصّلاة و السّلام وارواحنا فداه) اگرچه که خیلی کار شده است و کتابهایی نوشته شده است امّا به نظر بنده هنوز خیلی کارهای خوب و بزرگی میشود انجام داد. شما میدانید که مسئله ی مهدویّت در اسلام، جزو واضحات است؛ یعنی کمتر کسی را بنده، یعنی من نمی شناسم، الان یادم نمی آید کسی از بزرگان و محقّقین و علمای اسلام، از شیعه و سنّی، مسئله ی مهدی را منکر شده باشد؛ اصلاً - جز اینکه در بعضی از کتابها چون طعن میکنند به مخالفین، آدم میفهمد که این مخالف هم دارد - یعنی جزو واضحات اسلام است. این قدر از پیغمبر اکرم احادیث مسلّم و قطعی وجود دارد که جای بحث نیست. حتّی من اخیراً یک کتابی دیدم که در عربستان منتشر شده است - بعضی از همین علمای سَلَفی، وهّابی

1- . در دیدار میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (ع) در روز نیمه ی شعبان 1372/11/8

2- . در دیدار اقشار مختلف مردم قم در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج) 70/11/30

نوشته اند – که طعن شدیدی کرده اند بر کسانی که منکر مهدی هستند؛ و روایات مهدی را نقل کرده اند از پیغمبر و از بزرگان صحابه و مانند اینها و طعن کرده اند بر مخالفین این قضیّه. بنابراین قضیّه ی مهدویّت فی نفسه یك امر خیلی واضح و روشن و بی اشکالی است. آنچه مهم است – که اگر آن هم دنبال بشود و به زبان روشنی نوشته بشود، وضوحش به همان اندازه است – تعیین شخص مهدی است که این هم همین جور است؛ یعنی واقعاً اگر کسی روایات را نگاه بکند – بخصوص روایاتی که از طریق شیعه آمده است و همچنین بعضی از روایاتی که از طریق غیر شیعه رسیده است – جای شك باقی نمیماند که شخص مهدی، همان شخصی است که ما می شناسیم. توجّه کردید؟ یعنی اینکه در بعضی از زیاراتِ حضرت هم گفته است که «شهادت میدهم که تویی امام مهدی»، این اشاره به همین است که اصل قضیّه ی مهدویّت معلوم است.(1)

***

اعتقاد به مهدی موعود، یعنی اینکه در آخرالزّمان از خاندان پیغمبر، شخصی ظهور میکند که دنیا را پر میکند از عدل، از دادگستری، از نیکی، تبعیضها را از بین میبرد، ظلمها را از بین میبرد، سوءاستفاده ها را از بین میبرد، فاصله های طبقاتی را از بین میبرد، این عقیده مخصوص شیعه نیست و همه ی مسلمانها هم به آن معتقدند. در خصوصیّات و جزئیّاتش البتّه بعضی فِرَق حرفهای دیگری دارند، امّا اصلِ اینکه چنین دورانی پیش خواهد آمد و یك نفر از خاندان پیغمبر چنین حرکت عظیم الهی را انجام خواهد داد و «یملا الله به الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا» (2)، متواتر است بین مسلمانها، همه این را قبول دارند.(3)

***

1- . در دیدار دست اندرکاران برگزاری سمینار مهدویّت 1375/10/3

2- . بحارالانوار، ج 36، ص 316

3- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1376/9/25

این مسئله ی بزرگ – مسئله ی مهدویّت – جزو مسائل اساسی است در اسلام، مخصوص شیعه نیست. همه ی فِرَق اسلامی معتقدند که مهدی (علیه السّلام) از نسل طیّب و طاهر پیغمبر، عالَم را مملوّ از عدل و داد خواهد کرد و برای اقامه ی دین خدا و حقّ الهی قیام خواهد کرد. غیر مسلمانها هم به نحوی معتقد به یك آینده ی مطلوب و درخشانی برای بشریّت هستند که با همین مسئله ی مهدویّت تطبیق میکند.(1)

***

البتّه اعتقاد به ظهور مهدی در دورانی از تاریخ، مخصوص شیعه نیست؛ همه ی مسلمانان، اعمّ از شیعه و سنّی به این معنا معتقدند؛ بلکه غیر مسلمانان هم به یك صورت معتقدند؛ منتها امتیاز شیعه در این است که این شخصیّت نجات بخش بشریّت را با نام و نشان و خصوصیّات می شناسد و معتقد است او همواره برای دریافت دستور الهی، حاضر و آماده است. هروقت پروردگار عالم به او دستور دهد، او آماده ی شروع آن کار عظیمی است که بنا است بشریّت و تاریخ را متحوّل کند.(2)

***

فقط مردم شیعه نیستند که منتظر مهدی موعود (سلام الله علیه) هستند، بلکه انتظار منجی و مهدی، متعلّق به همه ی مسلمانها است. فرق شیعه با دیگران این است که شیعیان آن منجی را با نام و نشان، با خصوصیّات گوناگون می شناسند؛ امّا دیگر مسلمانان که به منجی هم معتقدند، منجی را نمی شناسند؛ تفاوت، اینجا است؛ وَالّا اصل مهدویّت مورد اتّفاق همه ی مسلمانها است. ادیان دیگر هم در اعتقادات خودشان، انتظار منجی را در نهایت زمانه دارند؛ آنها هم در یك بخش از قضیّه، مطلب را درست فهمیده اند؛ امّا در بخش اصلی قضیّه که معرفت به شخص منجی است،

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1377/9/14

2- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان در مصلّای تهران 1381/7/30

دچار نقص معرفتند. شیعه با خبر مسلّم و قطعی خود، منجی را با نام، با نشان، با خصوصیّات، با تاریخ تولّد، می شناسد.(1)

***

اصلِ امید به یك آینده ی روشن برای بشـریّت و ظهور یك موعود، یك منجی، یك دست عدالت گستر در سرتاسر جهان، تقریباً مورد اتّفاق همه ی ادیانی است که در عالم سـراغ داریم. غیر از حالا دین اسـلام و مسـیحیّت و یهودیّت، حتّی ادیان هند، بودایی و ادیانی که نامی از آنها هم در ذهن اکثر مردم دنیا نیست، در تعلیمات خود یك چنین آینده ای را بشارت داده اند. این در واقع امید بخشیدن به همه ی انسانها در طول تاریخ است و پاسخگویی به نیاز انسانها به این امید که حقیقتی هم با آن بیان شده است.(2)

***

در همه ی ادیان الهی هم تقریباً - حالا تا آنجایی که ما اطّلاع داریم - یك چیزی که لبّ و معنای حقیقی آن همان مهدویّت است، وجود دارد. منتها به شکلهای تحریف شده، به شکلهای مبهم، بدون اینکه درست روشن باشد که چه میخواهند بگویند.(3)

***

اگر مهـدویّت نباشـد، معنـایش این است که همه ی تلاش انبیا، همه ی این دعوتها، این بعثتها، این زحمات طاقت فرسا، اینها همه اش بی فایده باشد، بی اثر بماند.(4)

***

مهدویّت در اسلام هم جزو مسلّمات است؛ یعنی مخصوص شیعه

ص: 92

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1384/6/29

2- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1387/5/27

3- . در دیدار اساتید و فارغ التّحصیلان تخصّصی مهدویّت، 1390/4/18

4- . همان

نیست. همه ی مـذاهب اسـلامی غایت جهان را که اقامه ی حکومت حق و عدل به وسـیله ی مهدی (علیه الصّـلاة و السّـلام و عجّل الله فرجه) است، قبول دارنـد. روایـات معتبر از طرق مختلف، در مـذاهب گوناگون، از پیغمبر اکرم و از بزرگان نقل شـده است. بنابراین، هیچ تردیدی در آن نیست. امتیاز شـیعه در این است که مسـئله ی مهدویّت در آن یك مسـئله ی مبهم نیست؛ یك مسئله ی پیچیده ای که برای بشـر قابل فهم نباشد نیست؛ یك مسـئله ی روشن است، مصداق واضـحی دارد، این مصداق را می شناسـیم؛ خصوصیّاتی از او را میدانیم، پـدران او را می شناسـیم، خانواده ی او را می شناسـیم، ولادت او را می شناسـیم، جزئیّات آن را خبر داریم. در این معرّفی هم باز روایات شیعه، تنهایی در صـحنه نیسـتند؛ حتّی روایاتی از غیر طریق شـیعه هم وجود دارد که همین معرّفی را برای ما روشن میکند. کسانی که مال مذاهب دیگر هستند باید توجّه کنند، دقّت کنند تا این حقیقتِ روشن را دریابند.(1)

***

آنهایی هم که از مـذاهب دیگر این عقیده را قبول ندارند، هیچ وقت نتوانسـتند دلیلی که عقل پسـند باشد بر ردّ این فکر و این واقعیّت، اقامه کننـد. همه ی ادلّه ی روشن و راسخ که بسـیاری از اهل سـنّت هم آن را تصدیق کرده اند، به طور قطع و یقین از وجود این انسان والا، این حجّت خدا، این حقیقت روشن و تابناك - با همین خصوصیّاتی که من و شما می شناسیم - حکایت میکند و شما در بسیاری از منابع غیر شیعه هم این را مشاهده میکنید.(2)

***

آن کسانی از اهل سـنّت یا حتّی از علمای غیر مسـلمان که به عقاید شیعه در باب مهدویّت توجّه کردند و از آن اطّلاع پیدا کردند، تصدیق کردند که

1- . در دیدار اساتید و فارغ التّحصیلان تخصّصی مهدویّت 1390/4/18

2- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1387/5/27

بشارتهـایی کـه در تـورات و انجیـل و ادیـان دیگر هست، همه منطبـق بـا همین مهـدویّتی است که در شـیعه وجـود دارد. این را اعـتراف میکنند.(1)

***

فرق شـیعه با دیگران این است که شـیعیان آن منجی را با نام و نشان، با خصوصـیّات گوناگون می شناسـند؛ اما دیگر مسلمانان که به منجی هم معتقدنـد، منجی را نمی شناسـند؛ تفـاوت، اینجـاست؛ و الّا اصل مهـدویّت مورد اتّفاق همه ی مسـلمانها است. ادیان دیگر هم در اعتقـادات خودشان، انتظار منجی را در نهایت زمانه دارنـد؛ آن ها هم در یك بخش از قضـیّه، مطلب را درست فهمیـده انـد؛ امّا در بخش اصلی قضیّه که معرفت به شخص منجی است، دچار نقص معرفتند.(2)

***

امام زمان (سلام الله علیه)، رمز عدالت و مظهر قسط الهی در روی زمین است. به همین جهت است که همه ی بشریّت، به شکلی انتظار ظهور آن حضرت را میکشند. البتّه مسلمانان به صورت مشخّص، این انتظار بزرگ را معلوم و تحدید کردند و شیعیان نسبت به شخصی که این لباس بر قامت او دوخته شده است، آگاهی های روشن و مشخّص کننده ای هم دارند.(3)

***

مسـئله ی مهدی موعود مخصوص ما نیست؛ این اعتقاد همه ی مسـلمانها است. تمام فرقه های اسلامی اعتقاد دارند که در آینده ی تاریخ اسلام، یك منجی، یك فرشته ی نجات، یك دست و پنجه ی نیرومند انتقام گیری خواهد آمد و اوّلاً کاخهای ستم را در سطح جهان، نه در یك نقطه، ویران خواهد کرد و بعد برای انسانیّت مظلوم تشنه ی عدالت، آن

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1387/5/27

2- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 29/06/1384

3- . در دیدار مهمانان خارجی دهه ی فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1371/11/18

دنیـایی را که قرنهـای متمـادی بشـر منتظر آن بـوده و این همه رنـج و زحمت را برای آن کشـیده بنـا خواهـد کرد. این را همه ی مسـلمانها معتقدنـد؛ بلکه اگر با یك دیـد نگاه کنیم، مخصوص مسـلمانها هم نیست؛ همه ی صاحبان ادیان الهی اعتقاد دارند که یك نجات بخشـی خواهد آمد. همان عنصری که مسلمانها به او مهدی موعود میگویند، در اصطلاح مسیحیان، در اصطلاح یهودیان، در اصطلاح بودایی ها، در اصـطلاح ادیان قدیمی هند، در اصـطلاح زرتشتیان، و در اصطلاح ادیان شناخته شده ی دیگر، یك نام دیگر و عنوان دیگری دارد. همه قبول دارند که پایان جهان یك پایان عدالت آمیز است؛ منتها یك خصوصیّتی در اعتقاد شیعیان وجود دارد؛ آن خصوصیّت این است که ما آن منجی را بـا نـام، بـا نشان، با خصوصـیّات پـدر و مادر و اجـداد و دیگرِ خصوصـیّات می شناسـیم؛ علاوه بر این معتقـد هستیم که این شخصـیّت الهی و این برگزیده ی خدا قرنها پیش متولّد شده و هم اکنون حی و حاضـر در همین دنیایی که ما در آن زندگی میکنیم، زندگی میکند. این اعتقاد ما است.(1)

***

نه فقط شیعه در همه ی عالم، بلکه همه ی مسلمانان در انتظار مهدی موعودند.(2)

***

مهـدویّت در همه ی مـذاهب اسـلامی و در همه یـا بیشتر ادیـان الهی مطرح است؛ مخصوص ما نیست؛ یهود هم منتظرنـد، نصاری هم منتظرنـد، بسـیاری از ادیان معروف دنیا هم منتظرنـد؛ منتظر یك موعود. روایات فراوان و متعـدّدی در باب مهـدی و انتظار مهـدی وجود دارد.(3)

***

1- . در اجتماع مردم قم 1363/2/27

2- . در دیدار جمعی از بسیجیان به مناسبت میلاد امام زمان (عج) 1378/9/3

3- . در دیدار کارکنان دفتر مقام معظّم رهبری و خانواده های آنان 1392/4/2

آنچه مهم است این است که اعتقاد به امام زمان یك بخشی از جهان بینی ادیان است؛ یعنی ادیان الهی همچنان که در جهان بینی عمومی خودشان نسبت به عالَم، آدم، منشأ آفرینش و منتهای سیر حیات بشر - یعنی درباره ی مبدأ و معاد - نظر میدهند، یکی از بخشهای این جهان بینی، این مجموعه ی عظیمی که زیربنای همه ی افکار و تأمّلات و احکام و قوانین و مقرّرات ادیان است، عبارت است از مسئله ی نهایت سیر کاروان بشر در این دنیا. مسئله ی آن دنیا و آن نشئه، مسئله ی دیگری است؛ مسئله ی آخرت است. یك مسئله این است که بشریّت دارد به کجا میرود. اگر ما جامعه ی بشری را در طول تاریخ به کاروانی تشبیه کنیم که دارد یك مسیری را میرود، این سؤال مطرح است که این کاروان به کجا میرود؟ مقصد این کاروان کجا است؟ منتهاالیه این سِیر کجا است؟ این یك سؤال جدّی است؛ این باید در هر جهان بینی ای پاسخ داده بشود. ادیان به این پاسخ داده اند. پاسخهای نحله های فکری غیر دینی در این زمینه یکسان نیست، لکن پاسخ ادیان به این سؤال، تقریباً یکسان است؛ پاسخ مشخّصی است.(1)

منجی آخرالزّمان مورد اتّفاق همه ی ادیان ابراهیمی است؛ اینکه کسی خواهد آمد و جهان را از منجلاب ظلم و جور نجات خواهد داد، در میان ادیان ابراهیمی مورد قبول همگان است. در اسلام، نام این منجی هم مشخّص شده است؛ این موجود الهی را، این انسان بزرگ فوق العاده را در همه ی مذاهب اسلامی به نام مهدی می شناسند. شاید در بین فِرَق اسلامی هیچ فرقه ای را نتوان سراغ داد که معتقد نباشد که مهدی (علیه السّلام) ظهور خواهد کرد و او از ذرّیّه ی پیغمبر است؛ حتّی نام و کنیه ی آن حضرت را هم مشخّص میکنند.(2)

***

1- . در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسّسه ی دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث 1393/3/21

2- . در بیست وششمین سالروز رحلت امام خمینی (ره) 1396/3/14

همه ی امیـدهایی که مـا به چیزی پیـدا میکنیم، ممکن است بشود، ممکن است نشود؛ امّا امیـد به اصـلاح نهایی به وسـیله ی ولیّ مطلق حضرت حق، حضرت صاحب الزّمان (عجّل الله تعالی فرجه و ارواحنا فداه) امید غیر قابل تخلّف است. «السّلام علیك یا وعد الله الّذی ضمنه» ؛ وعده ی تضـمین شده ی خدا است؛ «السّلام علیك ایّها العلم المنصوب و العلم المصبوب و الغوث و الرّحمة الواسعة وعداً غیر مکذوب» (1)؛ این وعـده ی تخلّف ناپـذیر الهی است. فقط هم ما - شـیعه - نمیگوییم، فقط هم ما مسـلمانها نمیگوییم، [بلکه] همه ی ادیان عالم منتظر یك روز آن چنانی هستند. امتیاز کار ما این است که ما طرف را می شناسیم، وجودش را حس میکنیم، حضورش را قبول داریم، با او حرف میزنیم، با او مخاطبه میکنیم، از او میخواهیم و او هم پاسخ میدهد به ما؛ تفاوتش این است.(2)

1- . الاحتجاج علی اهل اللجاج (للطبرسی)، ج 2، ص 493، زیارت آل یاسین

2- . در دیدار کارگران 1397/2/10

فصل سوّم : شرایط فرج

اشاره

ص: 99

کثرت ظلم و جور و آمادگی انسانهای صالح

امروز شـما به اوضاع دنیا نگاه کنیـد، همان چیزی که در روایاتِ مربوط به ظهور ولیّ عصـر (ارواحنا فداه) وجود دارد، امروز در دنیا حاکم است؛ پر شدن دنیا از ظلم و جور؛ امروز دنیا از ظلم و جور پر است. در روایت و ادعیه ی گوناگون و زیارات مختلف مربوط به ولیّ عصـر (ارواحنا فداه) دارد که «یملأ الله به الأرض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جورا» (1)؛ همچنان که یك روزی همه ی عالم از ظلم و جور پر بوده است - در روزگارانی ظلم و جور، وضع حاکم بر بشر بوده است - همان طور خدای متعال در زمان او عدل و داد را وضع حاکم بر بشـریّت قرار خواهد داد. امروز همین است؛ امروز ظلم و جور حاکم بر بشـریّت است. زندگی بشـرِ امروز زندگی مغلوب و مقهورِ دسـت ظلم و اسـتبداد در همه ی دنیا است. در همه جا این جور است. بشریّت، امروز براثر غلبه ی ظلم، غلبه ی اغراض و هواهای نفسانی دچار مشـکلات فراواننـد. دو میلیـارد گرسـنه در دنیـای امروز، وجود میلیون هـا انسانی که در نظامهای طاغوتی مغلوب هوای نفس قدرتمنـدان طاغوتی هسـتند، حتّی فشار بر مؤمنین و مجاهدین فی سبیل الله و مبارزان راه حق و ملّتی مثل ملّت ایران که توانسته است در یك مجموعه ی

1- . بحارالانوار، ج 38، ص 126

محدودی، در یك فضای معیّنی، پرچم عدل و داد را بلند بکند و فشار بر مجاهدان فی سبیل الله، همه نشانه ی سیطره ی ظلم و جور بر دنیا است.(1)

***

مبنای کار قدرتهای طاغوتی این است که این فروغ امید را در دلها بمیرانند... میخواهند ملّتها را ناامید و مأیوس نگه دارند از آینده. امّا ملّتها باید امیدوار باشند. این اراده ی الهی است که فرمود: «وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى اَلَّذِينَ اُسْتُضْعِفُوا فِي اَلْأَرْضِ» (2)؛ این اراده ی تکوینی الهی است. البتّه باید تلاش کنند تا این آینده زود تحقّق پیدا کند. این آینده دو طرف دارد؛ یك طرفش کثرت ظلم و جور است که خب این در دنیا هست. شاید بشود ادّعا کرد این حرف را؛ بنده گمان میکنم بشود این حرف را گفت که در هیچ دوره ای از دوره های تاریخ، ظلم و طغیان و فساد از طرف مراکز قدرت استکباری در سطح جهان به شدّت و خشونت و فراگیری امروز نبوده است. استبدادها بوده اند، دستگاه های فاسد بوده اند [امّا] قدرتشان محدود بوده است. ظلمی که این قدرت جهنّمی با پول و تبلیغات و انواع و اقسام راه های کشاندن به فساد و با دورویی و تزویر و ریاکاری و نفاق، تحت شعارهای ظاهرفریب، مثل حقوق بشر، مثل حقوق زن، مثل حقوق اساسی ملّتها و ازاین قبیل امروز بر ملّتها تحمیل میکند، شاید در طول تاریخ یك چنین چیزی وجود نداشته است.

امّا یك طرف دیگر قضیّه این است که فقط وجود ظلم و جور، شرط کافی نیست برای اینکه آن آینده ی حتمی تحقّق پیدا کند. وجود انسانهای صالح، وجود انگیزه های قوی، ایمانهای راسخ، گامهای استوار و دلهای روشن هم لازم است. تا قبل از پیروزی انقلاب احتمال [و امید به ظهور ولیّ عصر (ارواحنا فداه)] خیلی کم بود، چون این [تعداد انسان صالح] کم بود [امّا]

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1387/5/27

2- . سوره ی قصص، بخشی از آیه ی 5، ترجمه: «و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند منّت نهیم.»

بحمـدالله پیروزی انقلاب این امید را هم در دلها زنده کرده است. امروز این مقدار جوان مؤمن، صالح، خوش روحیّه، فداکار، چشم بسـته ی از لذایـذ حیـوانی، چشم گشـوده ی به لذایـذ معنوی، دل بسـته ی به معنویّـات و عروج روحی، دل کنـده ی از لـذّتهای پست مـادّی و جسـمانی، با این خصوصـیّات که امروز در کشور صاحب الزّمان و کشور اسـلام بحمـدالله وجود دارد، در هیـچ دوره ای این اندازه وجود نداشته است.

در خطاب به آن بزرگوار گاهی دل بی اختیار میگویـد: ای سـیّد و سـرور ما، ای مولای ما! این همه جوان مؤمن، این همه دلهای متوسّل و متضـرّع که در این دوران به شما متوجّه اند، در طول این 1100 سال، 1200 سال، این تعداد دلهای مؤمن و پاك و خالص، متوجّه به شـما نبوده اند؛ در هیچ دوره ای، در هیچ عصـری. اینها شایسـته ی تلطّف از جانب شـما هسـتند، اینها شایسته ی عنایتند، شایسته ی فیضند؛ و بلاشك مشمول این فیض هم خواهند بود.(1)

***

امروز، هم بشـریّت بیش از بسیاری از دورانهای تاریخ، دچار ظلم و جور است، هم پیشرفتی که امروز بشریّت کرده است، معرفت پیشرفته تر است. ما به زمان ظهور امام زمان (ارواحنا فـداه)، این محبوب حقیقی انسانها نزدیك شده ایم؛ زیرا معرفتها پیشـرفت کرده است. امروز ذهنیّت بشـر، آماده ی آن است که بفهمـد، بدانـد و یقین کنـد که انسان والایی خواهـد آمد و بشـریّت را از زیر بارهای ظلم و سـتم نجات خواهد داد.(2)

***

یك روزی شـعار توحید، شـعار معنویّت، شـعار دین داری، در دنیا منسوخ شده بود؛ سعی کرده بودند آن را به طورکلّی به دست فراموشی بسپارند؛ امروز در این منطقه ی عالم، این شعارها، شعارهای رسمی حکومت است؛

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1375/10/6

2- . در دیدار جمعی از بسیجیان به مناسبت میلاد امام زمان (عج) 1378/9/3

شعارهای رسمی اداره ی کشور و آحاد ملّت است؛ علاوه ی بر این، این شعارها آرزوی ملّتهای مسلمان در بسیاری از کشورهای دنیا است و این شعارها یک روز تحقّق پیدا خواهد کرد. این زمینه ها وقتی آماده شد، آن وقتی که معلوم شد در مقابل قدرتهای مادّی مستکبران عالم، زمینه ی این وجود دارد که انسان، آحاد بشر بتوانند بر روی حرف حقّ خود بایستند، آن روز، روز ظهور امام زمان است؛ آن روز، روزی است که منجی عالم بشریّت به فضل پروردگار ظهور کند و پیام او همه ی دلهای مستعد را که در همه جای جهان هستند، به خود جذب کند و آن وقت دیگر قدرتهای ستمگر، قدرتهای زورگو، قدرتهای متّکی به زر و زور نتوانند حقیقت را - آن چنان که قبل از او همیشه کرده اند - با فشار زر و زور خود به عقب بنشانند یا مکتوم نگه دارند. شما مردم عزیز، بخصوص شما جوانها، هرچه در صلاح خود، در معرفت و اخلاق و رفتار و کسب صلاحیّتها در وجود خودتان بیشتر تلاش کنید، این آینده را نزدیک تر خواهید کرد؛ اینها دست خود ما است؛ اگر ما خودمان را به صلاح نزدیک کنیم، آن روز نزدیک خواهد شد؛ همچنان که شهدای ما با فدا کردن جانِ خودشان آن روز را نزدیک کردند؛ آن نسلی که برای انقلاب آن فداکاری ها را کردند، با فداکاری های خودشان آن آینده را نزدیک تر کردند. هرچه ما کار خیر و تلاش برای اصلاح درونی خود و اصلاح جامعه انجام بدهیم، آن عاقبت را مدام نزدیک تر میکنیم.(1)

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1379/8/22

فصل چهارم : کارکرد انتظار فرج

اشاره

ص: 105

عقیـده ی به امـام زمان و اعتقاد به اینکه یك روزی دست قدرتمنـد الهی این دنیای فرورفته در منجلاب ظلم و فساد را به اوج اعتلاء انسانی خواهد رساند و بشـر را از ظلم و استضـعاف نجات خواهد داد و بساطِ اسـتکبار و ظلم را در دنیا برخواهد چید و حاکمیّت بر بشر به ملاك زور و زر نخواهد بود، اعتقاد به این مسئله در زندگی انسانِ معتقد دارای آثار ارزنده ای است.(1)

انتظار فرج کلیدواژه ی فهم دین

مسـئله ی انتظار هم که جزء لاینفكّ مسـئله ی مهدویّت است، از آن کلیدواژه های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امّت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است.(2)

امیدبخشی و نیروبخشی برای موفّقیّتهای مادّی و معنوی

آیا دنیا بنا است همیشه همین جور بمانـد؟ اگر جواب به این سؤال «آری» باشـد، یا لااقل تردیـد در جواب به این سؤال وجود داشـته باشد، پس ملّتهای

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم قم به مناسبت نیمه ی شعبان 1366/1/24

2- . در دیدار اساتید و فارغ التّحصیلان تخصّصی مهدویّت 1390/4/18

محروم و مظلوم، دیگر به چه امیـدی قیام کننـد؟ به چه امیـدی مبارزه کننـد؟ به چه امیدی زندگی کنند و نفس بکشـند؟ وقتی که روزبه روز قدرتمندان عالم بنا است قوی تر بشوند و ملّتها ضـعیف تر بشوند، چه امیدی برای ملّتهای جنوب آفریقا یا سرتاسر آن قارّه ی محروم یا بقیّه ی نقاط عالم است؟ اگر ما مسـئله ی پایان خوش فرجام عادلانه ی تاریخ را از زندگی بشر حذف کنیم، دنیا در یك ظلمات یأس فرو خواهد رفت. بشـر با امید حرکت میکند و مبارزه میکند. ما به یك آینده ی روشنِ مشخّصی برای این دنیا اعتقاد داریم و این اعتقاد، یك فرض و یك خیـال نیسـت، قطعی اسـت، یقینی اسـت و آن چنـان چیزی در پیش است و ممکن است و مـا نمـونه هـای آن آینـده ی بزرگ را و اثرات معجزآسای حرکتِ الهی ولیّ معصومِ خدا را در زندگی خودمان هم مشاهده میکنیم. پس مسئله ی جامعه ی آینده ی بشریّت، یا جامعه ی ایدئال اسلامی در مسئله ی انتظار و مهدویّت و موضوعِ اعتقاد به امام زمان، یك عنصر اصلی است که امید انسانها را زنده نگه میدارد.(1)

***

انتظـار، یکی از پربرکت ترین حالات انسان است؛ آن هم در انتظار دنیایی روشن از نور عـدل و داد. «یملأ الله به الارض قسـطاً و عـدلا» (2). خـدای متعال به دست او، سـرزمین بشـری و همه ی روی زمین را از عـدالت و دادگستری پر خواهـد کرد. انتظار چنین روزی را باید داشت. نباید اجازه داد که تصرّف شیطانها و ظلم و عدوان طواغیت عالم، شعله ی امید را در دل خاموش کند. باید انتظار کشید.(3)

***

برادران عزیز! مسـئله ی مهدویّت هم مسئله ی مهمّی است، مسئله ی اساسی ای است... اگر این کار با موفّقیّت انجام بگیرد و این عشق و محبّت

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم قم به مناسبت نیمه ی شعبان 1366/1/24

2- . بحارالانوار (ط بیروت)، ج 38، ص 126

3- . در دیدار مسئولان و اقشار مختلف مردم 1368/12/22

و سوزوگـدازی را که به طور طبیعی مردم ما نسـبت به حضـرت دارند، با یك نگاه عالمانه و آگاهانه بتوانید در سـطح عموم مردم، بخصوص جوانها ان شاءالله همراه کنید، برکات این کار لاتعدّ و لاتحصـی است. نَفْسِ وجود این پشـتوانه ی عظیم، هر انسانی را آن چنان مسـتحکم میکنـد که در همه ی میـدانهای دشوار میتوانـد وارد بشود. اساس قضایای دنیا هم همین است؛ هرجایی که شـما می بینیـد یك ملّتی، یك جمعیّتی، یك جبهه ای پیروز شدند، اساسش همان استحکام درونی است. ظواهر، جسم، سلاح، همه ابزار و وسیله اند [ولی] آن کسی که باید این ابزار را به کار ببرد، کیست؟ یك انسان بااراده، مصـمّم، آگاه، باروحیّه. هرجا هم که ملّتها شـکست خوردند به خاطر ضعف همین بخش از قضـیّه است. لـذا قدرتمندان دنیا از قدیم رسـمشان بوده - الان هم می بینید این عربده کشـی های آمریکا را - که جوری قضایا را تصویر میکنند که این ملّتهای منطقه ی خاورمیانه تصوّر کنند که دیگر هیچ چاره ای نیست:

غیر تسلیم و رضا کو چاره ای *** در کف شیر نر خون خواره ای(1)

یعنی او دلش میخواهد این جوری تصوّر بشود که بالاخره این یك شیر نری است، غافل از اینکه قضیّه این جوری نیست، مسئله این نیست. اینها اگر چنانچه دندانشان و پنجه شان و یال و کوپالشان حقیقی بود و واقعی بود، این همه لازم نبود خرج کنند، این همه لازم نبود سیاست کاری به خرج بدهنـد، دغل بازی کنند، فریب بدهند؛ پیدا است که نمیتوانند آن اهدافی را که خودشان میخواهند دنبال کنند؛ [پس] یا باید به خیانت طرف متّکی بشونـد، مثل اینکه در عراق بالاخره معلوم شد که سـران رژیم عراق خیانت کردند یا باید به عدم همراهی و همکاری مردم و صاحبان ایمان متّکی بشوند که در عراق هم همین جور اتّفاق افتاد، در افغانسـتان هم همین جور بود. اینکه آمریکایی ها آمدند و نه چندان دشوار توانستند یك فتح نظامی

1- . مولوی. مثنوی معنوی، دفتر ششم، بخش 16

بکننـد، برای خـاطر این بود که از این ایمانهـا و از این دلهـای محکم و از این روحیّه هـای پولاـدین در مقابلشـان نبود؛ وَالّا آنجایی که در مقابلشان باشـد، این خبرها نیست. این اعتقاد، درون انسان را این جور میسازد، فرد فرد را این جور مسـلّح و مجهّز میکنـد در این بخش از قضیّه؛ [یعنی] در بخش درونی که بخش اهم است.

آن وقت در هـدف گیری و نشـانه گرفتن برای دورخیزهـای تاریخی، باز این مسـئله ی مهـدویّت نقش دارد. فرق است بین آن ملّتی که برای خودش آینده ای نمیبیند و فکر میکند بالاخره یك موج فسادی دنیا را روزبه روز بیشتر دارد میگیرد و ما هم چهار صباح محض تکلیف یك مقاومتی هم میکنیم امّا آخرش چه، با آن ملّتی که میدانـد که این مقاومت ایجاد یك گام بلنـد به سـمت آن آینده ای است که خدای متعال وعده کرده که برای بشریّت پیش می آید، آن هم نه یك وعده ی مبهم [بلکه] یك وعده ی روشن؛ رهبر آن ماجرا هم مشخّص است کیست و او حی و حاضـر و زنـده است و او متّصـل به ملأـ اعلی است و دل او متّصل به غیب است. این ملّتی که به یك چنین چیزی اعتقاد دارد، ببینیـد برای چه اهـدافی این ملّت دورخیز میکنـد، چطور همّتش بالا میرود. این عقیده، یك چنین عقیده ای است؛ این شوخی نیست! این عقیده عقیده ی بسیار مهمّی است کمااینکه خدای متعال هم که این واقعیّت را ایجاد کرده، که با همین تدبیر انسانها بتوانند با همّت و اراده ی خودشان و با این پشت گرمی محکم، راه ها را طی کنند تا اینکه ان شاءالله آن بزرگوار بیایند و دنیا شروع بشود.(1)

***

نفس انتظار و امید، به انسان جرئت اقدام و حرکت و نیرو میبخشد.(2)

***

باید منتظر بود؛ این نگاه ادیان به پایانِ راهِ کاروان بشری، نگاه بسیار

1- . در دیدار اعضای بنیاد فرهنگی امام زمان (عج) 1382/2/20

2- . در دیدار اعضای مجمع عمومی کنفرانس جهانی اهل بیت (ع) 1372/11/8

امیدبخشی است؛ حقیقتاً روحیّه ی انتظار و روحیّه ی ارتباط با ولیّ عصر (ارواحنا فداه) و منتظر ظهور بودن و منتظر آن روز بودن، یکی از بزرگ ترین دریچه های فرج برای جامعه ی اسلامی است. منتظر فرج هستیم؛ خود این انتظار، فرج است؛ خود این انتظار، دریچه ی فرج است، امیدبخش است، نیروبخش است؛ از احساس بیهودگی، از احساس ضایع شدن، از نومیدی، از گیج و گمی نسبت به آینده جلوگیری میکند؛ امید میدهد، خط میدهد. مسئله ی امام زمان (سلام الله علیه) این است.(1)

***

انتظار یک عمل است، یک آماده سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط و تحرّک و پویایی است در همه ی زمینه ها. این، در واقع تفسیر این آیات کریمه ی قرآنی است که «وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اُسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ» (2) یا «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُها مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (3)؛ یعنی هیچ وقت ملّتها و امّتها نباید از گشایش مأیوس شوند. آن روزی که ملّت ایران قیام کرد، امید پیدا کرد که قیام کرد. امروز که آن امید برآورده شده است، از آن قیام، آن نتیجه ی بزرگ را گرفته است و امروز هم به آینده امیدوار است و با امید و با نشاط حرکت میکند. این نور امید است که جوانها را به انگیزه و حرکت و نشاط وادار میکند و از دل مردگی و افسردگی آنها جلوگیری میکند و روح پویایی را در جامعه زنده میکند. این، نتیجه ی انتظار فرج است. بنابراین، هم باید منتظر فرج نهایی بود، هم باید منتظر فرج در همه ی مراحل زندگی فردی و اجتماعی بود.(4)

***

1- . در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسّسه ی دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث 1393/3/21

2- . سوره ی قصص، آیه ی 5، ترجمه: «و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند منّت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم.»

3- . سوره ی اعراف، بخشی از آیه ی 128، ترجمه: «زمین از آن خدا است آن را به هرکس از بندگانش که بخواهد میدهد و فرجام [نیک] برای پرهیزکاران است.»

4- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1384/6/29

هرچه دلها با مقوله ی مهـدویّت آشـنا شود و انس پیدا کند و حضور آن بزرگوار برای ما، ما مردمی که در دوران غیبت هستیم، محسوس تر شود و بیشتر حس کنیم و رابطه بیشتر داشته باشیم، این برای دنیای ما و برای پیشرفت ما به سمت آن اهداف بهتر خواهد بود.(1)

رهایی از پوچی

این ظلم عظیم مسـلّط بر عالم، این سـلطه های ناحق، این زورگویی به ملّتها در سطح جهان، این ریختن خونهای بناحق، این پایمال کردن شریف ترین و عزیزترین ارزشـهای انسانی، این دروغها و تزویرهایی که سـردمداران اسـتکبار جهانی هر روز تحویل بشـریّت میدهند، این همه بدی، این همه اسـتثمار و ظلم، انسانی را که چشـمه ی امیدی در دل نداشـته باشد، به طور طبیعی مأیوس میکند؛ لذاست که شما می بینید نسل جوان در کشورهای غربی، به سوی پوچی کشانده میشوند. نسل جوانی که به سـنّت ها خو نگرفته است و خود را پایبند سنّت ها نکرده است، وقتی که این نابسامانی محیط زندگی بشـریّت را میبیند، ناامید میشود؛ لذا به سمت پوچی کشیده میشود. بسیاری از دختران و پسـران در کشورهای غربی، به سمت بیهودگی و بی اعتنایی به مظاهر زندگی و پوچی و غرقه شدن در شهواتِ آنی کشیده میشوند؛ این براثر یأس است؛ بسـیاری از دانشمندان و نویسندگان و سخنگویان بشریّت به این حالت دچار میشوند؛ امّا آن ملّتی که به آینده امید دارد، میداند که روزگـار ظلم و سـتم و زورگویی و تجـاوز و طغیـان و اسـتکبار، بـا همه ی حجم عظیمی که امروز در جهـان به وجود آورده است، یك روزگار تمام شـدنی است و دورانی خواهـد رسـید که قـدرت قاهره ی حق، همه ی قلّه های فساد و ظلم را از بین خواهـد برد و چشم انداز زندگی بشر را با نور عدالت منوّر خواهد کرد؛ معنای انتظار دوران امام زمان این است.(2)

1- . در دیدار اساتید و فارغ التّحصیلان تخصّصی مهدویّت 1390/4/18

2- . در اجتماع مردم قم در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج) 1370/11/30

ساخت سرنوشت بشر

[در] میـدان زنـدگی اجتماعی و عمومی و آنچه مربوط به سـرنوشت بشـر و ملّتها است، در این زمینه، اعتقاد به قضـیّه ی مهـدی و موضوع ظهور و فرج و انتظار، گنجینه ی عظیمی است که ملّتها میتوانند از آن بهره های فراوانی ببرند.(1)

ایستادگی و مبارزه در برابر ظلم و استکبار

انتظار، چیز عجیبی است و دارای ابعاد گوناگونی میباشد. یکی از ابعاد انتظار، اعتماد و امیدواری به آینده و مأیوس نبودن است. همین روح انتظار است که به انسان تعلیم میدهد تا در راه خیر و صلاح مبارزه کند.(2)

***

امام زمان (سلام الله علیه)، رمز عدالت و مظهر قسط الهی در روی زمین است. به همین جهت است که همه ی بشریّت، به شکلی انتظار ظهور آن حضـرت را می کشـند. البتّه مسلمانان به صورت مشخّص، این انتظار بزرگ را معلوم و تحدید کردند و شیعیان نسبت به شخصی که این لباس بر قامت او دوخته شـده است، آگاهی های روشن و مشـخّص کننـده ای هم دارند. لذاست که موضوع امام زمان (عجّل الله تعـالی فرجه الشّریف) با این دیـد، نه مخصوص شـیعه و نه حتّی مخصوص مسـلمین است؛ بلکه انتظاری در دل همه ی قشـرهای بشـر و ملّتهای عالم است. امیـدی است در دل بنی آدم؛ که تاریخ بشـریّت به سـمت صـلاح حرکت میکند. این امید، به بازوان قوّت میبخشد، به دلها نور میدهد و معلوم میکند که هر حرکت عدالت خواهانه ای، در جهت قانون و گردش طبیعی این عالم و تاریخ بشر است.(3)

***

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم 1374/10/17

2- . در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز ولادت حضرت ولیّ عصر (عج) 1368/12/22

3- . در دیدار مهمانان خارجی دهه ی فجر و اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1371/11/18

اگر چنانچه درست توجّه کنیم، جوامع هم با حالت انتظار از آن رکودی که قدرتها و دشمنها بر اینها تحمیل میکنند، خارج میشوند.(1)

***

احساس ضعف برای یك ملّت، خیلی احساس خطرناك و سمّ مهلکی است. یکی از برکات اعتقاد به مهدویّت این است که انسان احساس اطمینان میکند؛ احساس قوّت قلب میکند؛ احساس قدرت میکند. و ملّت ما بحمدالله این گونه است.(2)

***

ملّتی که در دل [او] خورشیدِ امید به آینده، به زندگی، به لطف الهی، به مدد الهی میدرخشد، یك چنین ملّتی که تسلیم نمیشود، مرعوب نمیشود، با این حرفها از میدان خارج نمیشود. این خصوصیّت اعتقاد به آن معنویّت مهدوی (علیه آلاف التّحیّة و الثّناء) است. عقیده ی به امام زمان، هم در باطن فرد، هم در حرکت اجتماع، هم در آینده، هم در حال، یك چنین تأثیر عظیمی دارد.(3)

***

گاهی اوقات دستهای قلدر و قدرتمند، ملّتهای ضعیف را به جایی میرسانند که امیدشان را از دست میدهند؛ وقتی امید را از دست دادند دیگر هیچ اقدامی نمیکنند؛ میگویند چه فایده ای دارد؟ ما که دیگر کار از کارمان گذشته است، با چه کسی دربیفتیم؟ چه اقدامی بکنیم؟ برای چه تلاش بکنیم؟ ما که دیگر نمیتوانیم!(4)

***

این عید(5) مایه ی امید و درست نقطه ی مقابل آن فضای یأس آلودی است که استکبار میخواهد در مقابل چشم مستضعفان عالم به وجود بیاورد.

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1375/10/6

2- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1384/6/29

3- . در دیدار اقشار مختلف مردم 1374/10/17

4- . در دیدار اقشار مختلف مردم 1376/9/25

5- . سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)

اگر امروز شـما، سـیاست گذاران و طرّاحان برنامه های استکباری را مشاهده کنید، خواهید دید که از مهم ترین کارها و هدفهای آنها یکی این است که در مقابل چشم مردم، فضای یأس آلودی نسـبت به اصـلاحاتی که بایـد انجام بگیرد، ایجاد کنند. ملّتها باید از صـلاح مأیوس بشوند، تا حربه ی اسـتکبار کارگر بیفتد؛ وَالّا اگر ملّتها امیدوار باشند و امیدوار بمانند، حربه ی استکبار چندان کارگر نیست. سعی میکنند فضای تیره ای را در مقابل چشـمها ترسیم کنند؛ فضای تیره به این معنا که به ملّتها تفهیم کنند که نیروی ذاتی شما، فرهنگ شما، اعتقادات شما، شخصـیّت و هویّت ملّی شـما، نمیتواند برای شما کاری انجام بدهد و باید قدرتهای بزرگ به شما کمك کنند تا بتوانید حرکت کنید. درست 180 درجه مقابل این فکر، فکر انتظاری است که بر محیط ما و بر محیطهای طرف داران مذهب اهل بیت (علیهم السّلام) حاکم است. انتظار، یعنی دل سـرشار از امیـد بودن نسـبت به پایان راه زنـدگی بشـر. ممکن است کسانی آن دوران را نبینند و نتوانند درك کنند - فاصـله هست - امّا بلاشك آن دوران وجود دارد؛ لـذا تبریك این عیـد - که عیـد امیـد و عید انتظار فرج و گشایش است - درست نقطه ی مقابل آن چیزی است که دشـمن میخواهـد به وجود بیاورد... اگر همین اتّحاد را، همین ایمان را، همین ایسـتادگی در میدانهای انقلاب را، همین وفاداری به خطّ امام عظیم الشّأن را، همین نترسیدن از استکبارِ مسلّطِ جهان خوار را ادامه بدهید، به فضل پروردگار همه ی هدفهای دیگر شـما هم برآورده خواهـد شـد؛ که یکی از این هدفها نابود شدن و از هم پاشـیدن پیکره ی اسـتکبار جهانی است. این وعده ی الهی است و وعده ی الهی بلاشك عمل خواهد کرد؛ اگرچه بسـیاری در دنیا آن را نپسـندند و نخواهند. این همان چشم اندازی است که امید به ما میدهد و این همان امیدی است که در ماجرای انتظار فرج، آموزشهای اسلامی به ما یاد داده است.(1)

***

1- . در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عجّ) 1370/11/30

ما ملّت ایران باید به این معنای انتظار، بیش از گذشته تکیه کنیم؛ چون دنیای بشری، به انتظاری که ما داریم، محتاج است. این امیدی که در دل ملّت ایران وجود داشت و در سایه ی آن توانست این کارهای بزرگ را انجام بدهد، ملّتهای ضعیف و مظلوم دنیا، امروز به این امید احتیاج دارند؛ آنها هم باید این امید را پیدا کنند؛ اگر پیدا کردند و نور امید در دل ملّتها تابید، کارهای دنیا اصلاح خواهد شد و مشکل ملّتهای مظلوم، اگر نگوییم به صورت کامل، به صورت معتنابهی - ولو در طول چند سال - حل خواهد شد. امّا اگر این امید، در دلها نتابد و همان طوری که شیطانها خواستند مردم مأیوس باشند، ملّتها مأیوس بمانند، روزبه روز وضع بدتر خواهد شد.(1)

***

روح امید را در خودتان زنده نگه دارید. نام مبارك حضرت مهدی (ارواحنا فداه) در خطابه ی دانشجویان و در سخن همه ی کسانی که از دلِ روشنی برخوردارند، اشاره به ذخیره ی امید بشریّت و تاریخ است. امام مهدی (علیه الصّلاة و السّلام و ارواحنا فداه) ذخیره ی امید بشریّت است. اگر این امید در دل انسان وجود داشته باشد، به نظر او قدرت نماییِ صوری قدرتمندان، پوچ و حضور قدرت مندانه ی آنها در عرصه های بازیگریِ جهانی درخور استهزا خواهد آمد.(2)

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی شرکت کننده در سمینار تبیین حکم تاریخی حضرت امام خمینی (ره)، در سالروز میلاد امام عصر (عج) 1369/12/11

2- . در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی در دانشگاه افسری امام علی (ع) 1383/10/2

فصل پنجم : وظایف جامعه ی منتظر

اشاره

ص: 117

تلاش برای حاکمیّت اسلام

ما آن وقتی میتوانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهـدی موعود (ارواحنا فداه) زمینه باید آماده بشود؛ و آن عبـارت از عمل کردن به احکام اسـلامی و حاکمیّت قرآن و اسـلام است. همان طور که عرض کردم، فرموده انـد: «واللّه لتمحّصنّ» و «واللّه لتغربلنّ» (1)؛ این تمحیص و این امتحان بزرگ که مریدان و شـیعیان ولیّ عصـر (ارواحنا فداه) با آن مواجه هسـتند، همان امتحان تلاش برای حاکمیّت اسلام است. برای حاکمیّت اسلام باید کوشش کنید؛ ملّت بزرگ ما این یك قدم را برداشتند.(2)

***

بایـد تمـام قوانین مـا، مقرّرات مملکتی، ادارات دولتی، نهادهـای اجرائی، همه و همه ازلحـاظ ظـاهر و ازلحاظ محتوا اسـلامی بشود و به اسـلامی شـدن روزبه روز نزدیـك تر بشود. این جهتی است که انتظـار ولیّ عصـر (عجّ ل الله تعـالی فرجه الشّ ریف) به ما و به حرکت ما میدهد.

در دعای ندبه میخوانید که امام زمان (عجّل الله تعالی فرجه الشّ ریف) در مقابل فسوق، عدوان، طغیان، نفاق مقابله میکند و نفاق، طغیان، عصیان،

1- . الغیبة للنعمانی، ص: 205

2- . در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج) 1370/11/30

شقاق و دودستگی را ریشه کن میکند و ازاله میکند؛ ما هم باید در جامعه مان امروز در آن جهت حرکت کنیم و پیش برویم.(1)

برقراری عدالت و مبارزه با فساد در نظام اسلامی

ما که منتظر امام زمان هستیم، بایـد در جهتی که حکومت امام زمان (علیه آلاف التحیّة و الثناء و عجّل الله تعالی فرجه) تشـکیل خواهد شـد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البتّه، ما کوچك تر از آن هستیم که بتوانیم آن گونه بنایی را که اولیای الهی ساختند یا خواهنـد ساخت، بنا کنیم؛ امّا بایـد در آن جهت تلاش و کار کنیم. مظهر عدل پروردگار، امام زمان (عجّل الله فرجه الشّریف) است و میـدانیم که بزرگ ترین خصوصـیّت امام زمان (علیه الصّلاة و السّلام) - که در دعاها و زیارات و روایات آمـده است - عدالت میباشد: «یملأ الله به الارض قسـطاً و عـدلا» . ما بایـد امروز جامعه را جامعه ی عـدالت بکنیم. در بنای یك جامعه، عـدالت از همه چیز مهم تر است.(2)

***

در نظـام اسـلامی که مظهر کامل آن، حکومت حضـرت بقیّة الله (ارواحنا فـداه) است، فریب و حیله گری برای جلب آراء مردم، خودش جرم است؛ اسـتفاده از قـدرت برای به دست آوردن پول، یکی از بزرگ ترین جرائم است. آنجا یاران حضـرت مهـدی موظّفند در سـطوح پایین زنـدگی کنند. نظام اسـلامی ما پرتوی کوچکی از آن حقیقت درخشان است. ما هرگز این ادّعا را نکردیم و نمیکنیم؛ امّا باید نشانه ای از او داشته باشیم.

در نظام اسلامی، مراکز قدرت و کسانی که دستگاه های مختلف و مدیریّتها و امضاها را در اختیار دارند، باید به جمع ثروت شخصی برای خود، به عنوان یك گناه نگاه کنند. اگر این طور شد، آنگاه دستها و دامنها

1- . در مکتب جمعه، ج 2، ص 203

2- . در دیدار مسئولان و اقشار مختلف مردم 1368/12/22

پاك خواهـد ماند؛ وَالّا اگر مسـئولی که فلان تجارت خارجی و فلان مناقصه ی بزرگ در اختیار او است، فلان پروژه ی مهم و پرخرج زیر امضـای او است و فلاـن صـندوق پـول زیر کلیـد او است، به خودش اجـازه دهـد برای منـافع شخصـی و جمع آوری ثروت برای خود یا نزدیکـانش، از این امکـان – که متعلّق به کشور و مردم است – اسـتفاده کنـد، همـان چیزی اتّفـاق خواهـد افتـاد که در کشورهـای دچـار سیسـتمهای ظالمـانه در گذشـته و امروز در دنیـا اتّفـاق افتـاده است؛ یعنی ثروت در یـك نقطه متمرکز خواهـد شـد و جمع کثیری دچـار محرومیّت و فقر خواهند گردید. این تبعیض است؛ این چیزی است که اسلام برای مبارزه با آن آمده است. ما هم که مدّعی اسلام هستیم، باید با آن مبارزه کنیم.

اینکه امیرالمؤمنین (علیه السّلام) میفرمایـد «ما رأیت نعمةً موفورةً الّا و فی جانبها حقٌّ مضـیّع» (1) – یعنی هر جایی که شـما دیدید یك ثروت انباشته ای به وجود آمده، بدانید در کنارش حقوق ضایع شده ی فراوانی وجود دارد – مظهر اصلی و مصداق عمده ی آن همین است که کارگزاران حکومت، مسـئولان حکومت، با استفاده از نفوذ، با استفاده از قدرت، بتوانند راحت از امکانات عمومی استفاده کنند؛ بانکها راحت وام بدهنـد، مراکز گونـاگون امکـان اسـتفاده ی از زمین، از آب، از هـوا، از تجـارت، از وارد کردن و صـادر کردن را در اختیـار آنها بگذارنـد، ناگهان ببینیـد کسانی که دسـتشان از مال دنیا تا انـدکی پیش خالی بود، حالا ثروتهای گزاف پیـدا کرده اند، ظاهر کار هم شـکل قانونی [دارد].

من یك وقت گفتم قانون دان های قانون شـکن، خطرناك تر از همه انـد؛ کسانی که قانون را خوب بلدنـد، پیچ وخم ها و دالانهای تودرتوی قانون را خوب می شناسند امّا خودشان قانون شکنند، بدون اینکه معلوم شود

1- . شمس الدین، محمّدمهدی، دراسات فی نهج البلاغه، ص 40؛ جورج جورداق، روائع نهج البلاغه، ص 233. البتّه این سخن به طور مشـهور به امیرالمؤمنین (ع) نسـبت داده می شود لکن در روایـات یـافت نشـده است؛ آیت الله خـامنه ای (مـدّظلّه العالی) نیز در یکی از بیانات خود اظهار می دارند که سند این روایت را نیافته اند. (خطبه های نماز جمعه ی تهران، 1366/7/24)

کارشان قانون شکنی است؛ اگر خدای نکرده چنین چیزی برای ملّت ما رواج پیدا کند، یك فاجعه است. این آن چیزی است که برای ملّت ما – اگر خـدای نکرده رواج پیدا کند – یك فاجعه است؛ این آن چیزی است که با نظام اسـلامی و با مسـئله ی انتظار مهدی موعود کاملاً منافات دارد. این آن حدّی است که من از مسـئولین خواسـته ام، به مسئولین هم بارها گفته ام، تأکید هم کرده ام، بازهم میگویم و پای این مطلب ایسـتاده ام؛ باید با فساد در دسـتگاه های دولتی و دیگر دستگاه های حکومتی مبارزه بشود. متعهّدِ این مبارزه خود مسئولینند؛ خود مسـئولان قوای مختلف. برای جلوگیری از فساد در دولت، در درجه ی اوّل خود مسـئولین دولتی، خود وزرا و خود مدیران ارشد مسئولند؛ باید خودشان مبارزه کنند، نگذارند در مجموعه های آنها فساد به وجود بیاید. آنها اگر بخواهند مبارزه کنند و اگر جدّی بگیرند این مبارزه را، بهتر از همه کس خواهند توانست مبارزه کنند. البتّه باید حواسشان جمع باشد، دامنهای خودشان را پاکیزه نگه دارند.(1)

کسب آمادگی های لازم

آمادگی معنوی – پیوند با مؤمنین – آمادگی برای مبارزه

مبانی فکری مهدویّت یك مبانی بسـیار مسـتحکم و اسـتواری است. همه ی شبهاتی که مخالفین و معاندین این فکر در اذهان منتشر کرده اند، دارای جوابهای مستحکمی است. منتها آن چیزی که من میخواهم حالا عرض بکنم، این است که با وجود اینکه بعد منطقی و فکری و اسـتدلالی این فکر، بعد بسـیار بارزی است، درعین حال جنبه ی عاطفی و معنوی و ایمانی این عقیده ی شـیعی هم بسـیار جنبه ی مهمّی است. یك جنبه ی فردی دارد مسـئله ی اعتقاد به مهدی و آن جنبه ی فردی این است که هرکسی باید سعی کند یك رابطه ی شخصی میان خود و میان ولیّ الله الاعظم (ارواحنا فداه)

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه شعبان، 1381/7/30

به وجود بیاورد. همه باید میان قلب خود و روح خود و آن وجود مقدّسی که مظهر اسماء و صفات الهی است، مظهر قدرت و علم الهی است، وعاء کامل معرفت الله است، یك ارتباطی به وجود بیاورند؛ با توجّه، با توسّل، با سخن گفتن، با اظهار ارادت کردن و خود را آماده نگه دارند؛ همه باید خودشان را آماده نگه دارند. هیچ کس نمیتواند بگوید که ظهور مهدی (علیه الصّلاة و السّلام) در آینده ی نزدیکی نیست؛ ما نمیدانیم، شاید در آینده ی نزدیکی بود؛ شاید در زمان حیات ما بود؛ شاید این توفیق برای مردم این نسل وجود داشت. مگر میشود با آلودگی، با ضعف نَفْس، با عدم اصلاح نَفْس، با آن بزرگوار رابطه برقرار کرد در دوران دولت حق و حکومت الهی او؟ باید خود را آماده کنیم؛ هرکسی باید احساس کند که وظیفه دارد خود را آماده بکند؛ این آمادگی معنوی است، روحی است، آمادگی ایمانی است. از امید و ایمان و نورانیّت، سرمایه ی عظیمی هرکسی باید در خود ایجاد بکند تا شایسته ی این بشود که از نزدیکان آن حضرت، از خواصّ آن حضرت، از یاران آن بزرگوار، از همکاران او در حرکت عظیم جهانی اش قرار بگیرد. اگر از نزدیکان او نشدیم، اگر از پیروان او نشدیم، آن وقت شقاوتی بالاتر از این نیست؛ باید خودمان را آماده بکنیم. اینجا است که بعد تربیتی و سازندگی این فکر هم خود را نشان میدهد. کدام عاملی میتواند انسان را بسازد به این اندازه و با این قدرت؟ بنابراین این فکر، فکر مهمّی است و در محافل شیعی و معتقدین به اهل بیت و در تعالیم تشیّع - در همه جای دنیا و در همه ی زمانها - باید یك فصل مهمّی اختصاص پیدا کند به قضیّه ی مهدی.(1)

***

جامعه ای میتواند پذیرای مهدی موعود (ارواحنا فداه) باشد که در آن آمادگی و قابلیّت باشد، وَالّا مثل انبیا و اولیای طول تاریخ میشود. چه علّتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولوالعزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدی ها

1- . در دیدار میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (ع) در روز نیمه ی شعبان 1372/11/8

پاك و پیراسته کننـد؟ چرا؟ چون زمینه ها آماده نبود. امیرالمؤمنین علیّبن ابی طالب (علیه الصّلاة و السّلام) با آن قـدرت الهی، با آن علم متّصل به معدن علم الهی، با آن نیروی اراده، با آن زیبایی ها و درخشـندگی هایی که در شخصـیّت آن بزرگوار وجود داشت، با آن توصـیه های پیغمبر اکرم درباره ی او، چرا در زمان خودش، در همین مدّت کوتاه نتوانست ریشه ی بدی را بخشکاند؟ خودِ آن بزرگوار را از سر راه برداشتند! «قتل فی محراب عبادته لشدّة عدله»(1). تاوان عـدالت امیرالمؤمنین، جان امیرالمؤمنین بود که از دست رفت! چرا؟ چون زمینه، زمینه ی نامساعد بود؛ زمینه را نامساعد کرده بودند؛ زمینه را زمینه ی دنیاطلبی کرده بودند! آن کسانی که در اواخر یا اواسط حکومت علوی مقابل امیرالمؤمنین صف آرایی کردنـد کسانی بودنـد که زمینه های دینی شان زمینه های مسـتحکم و مادّه غلیظِ متناسبِ دینی نبود. عـدم آمادگی، این طور فاجعه به بار می آورد. آن وقت اگر امام زمان (علیه الصّلاة و السّلام) در یك دنیای بدون آمادگی تشریف بیاورند، همان خواهـد شـد! بایـد آمـادگی باشـد. این آمـادگی چگونه است؟ این، همانی است که شـما نمونه هایی از آن را در جامعه خودتان مشاهـده میکنید. امروز در ایران اسلامی چیزهایی از درخشندگی های معنوی وجود دارد که در هیچ جای دنیا نیست.(2)

***

بزرگ ترین وظیفه ی منتظران امام زمان این است که ازلحاظ معنوی، ازلحاظ اخلاقی، از لحاظ عملی، از لحاظ پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین، ازلحاظ آمادگی برای پنجه درافکنـدن با زورگویان، از این جهات، خودشان را آماده کنند. آن کسانی که در دوران دفاع مقدّس، در صـفوف دفاع مقدّس، سرازپانشناخته شرکت میکردند، آنها منتظران حقیقی بودند. آن کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است

1- . تعبیری از جرج جرداق در کتاب «الامام علی صوت العداله الانسانیّه»

2- . در دیدار اقشار مختلف مردم 1376/9/25

آماده ی دفاع از ارزشـها است، آماده ی دفاع از میهن اسلامی است، آماده ی دفاع از پرچم برافراشته ی اسلام است، او میتواند ادّعا کند که اگر امام زمان هم بیایـد، پشت سـر امام زمان در میـدانهای خطر قدم خواهد گذاشت؛ امّا آن کسانی که در مقابل خطر، در مقابل انحراف، در مقابل چرب و شیرین دنیا خودشان را میبازند، زانویشان سست میشود، آن کسانی که برای مطامع شخصی خودشان حاضر نیستند هیچ حرکتی را که مطـامع آنها را به خطر می انـدازد انجام بدهنـد، چطور میتواننـد منتظر امام زمان به حساب بیاینـد؟ آن کسـی که در انتظار آن مصلح بزرگ است، باید در خود زمینه های صلاح را آماده کند، کاری کند که بتواند برای صلاح بِایستد.(1)

***

باید خود را به عنوان یك سرباز، به عنوان انسانی که حاضر است برای آن چنان شرایطی مجاهدت کند، آماده کنیم. انتظار فرج معنایش این نیست که انسان بنشیند، دست به هیچ کاری نزند.(2)

***

آمادگی روحی و جسمی

آمـاده بودنِ مـا هم، به معنـای آماده بودن دل، آماده بودن جسم، آماده بودن عزم و اراده، آماده بودن آگاهی و بصـیرت است؛ بایـد از همه جهت خودمان را آماده کنیم؛ اینها وظایف ما است که باید انجام بدهیم. اینکه «افضل الاعمال انتظار الفرج» (3)، اگر مراد از فرج، همین فرج ولیّ عصـر (ارواحنا فـداه) باشـد، به این خاطر افضل الاعمال است که همه ی خیرات را در خودش جمع میکند. وقتی انسان منتظر و «آماده باش» بود، همه ی آنچه باید انجام

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1381/7/30

2- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1387/5/27

3- . بحارالانوار، ج 75، ص 208

بدهـد، انجام میدهد. ما خیلی کار داریم، ما خیلی وظیفه داریم، خیلی کارها باید به وسـیله ی ما انجام بگیرد. بسـیاری از این کارهایی که زمین مانـده است، کارهایی است که ما بایـد انجام بـدهیم؛ هرکـدام مان در جای خود، در سـهم خود. ازلحاظ معرفت عمومی، ازلحاظ صلاـح عمومی، ازلحاظ رفاه عمومی، ازلحاظ امنیّت عمومی، ازلحاظ معرفت عمومی، از جهاتی که در یك جامعه نیاز است اگر نقصـی وجود دارد – که وجود دارد، همه ی مـا داریم می بینیم – مـا که نبایـد همیشه دیگران را موظّف بـدانیم، هرکـدام از مـا وظیفه ای داریم؛ آن وظیفه را باید بشناسـیم، پیدا کنیم، خودمان را برای انجام آن وظیفه آماده کنیم، آن را آماده کنیم؛ اینها شد انتظار فرج؛ انتظار فرج این اسـت که تلاش کنیم، کار کنیم. اگر تلاش خودمان را کردیم، ولو آن مقصودی که موردنظر ما است، حاصل نشـد، ایرادی ندارد؛ مهم این اسـت که راه را بپیماییم، حرکت را بکنیم، [گفت:] به قدر وسع بکوشم؛(1) این، آن چیزی است که لازم و وظیفه ی همه ی ما است. خب به قدر وسع کوشـیدن، معرفت هم لازم دارد، آگاهی هم لازم دارد. کار زیادی، کار مضـر، هدف گیریِ جایی که هدف نیست، غفلتِ از جایی که هدف باید باشد، اینها همه آفات راه است، بایست توجّه داشته باشیم.(2)

پذیرش حق و عدل

انتظار ایجاب میکند که انسان خود را به آن شـکلی، به آن صورتی، به آن هیئت و خلقی نزدیك کند که در دوران مورد انتظار، آن خلق و آن شکل و آن هیئت متوقّع است. این لازمه ی انتظار است. وقتی بنا است در آن دوران، منتظَر، عـدل باشد، حق باشد، توحید باشد، اخلاص باشد، عبودیّت

1- . سعدی؛ «به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل / که گر مراد نیابم به قدر وسع بکوشم»

2- . در دیدار کارکنان دفتر مقام معظّم رهبری و خانواده های آنان به مناسبت نیمه ی شعبان 1396/2/21

خدا باشد - یك چنین دورانی قرار است باشد - ما که منتظر هستیم، باید خودمان را به این امور نزدیك کنیم، خودمان را با عدل آشنا کنیم، آماده ی عدل کنیم، آماده ی پذیرش حق کنیم.(1)

مجاهدت و مقاومت

شما جوانان عزیز که در آغاز زندگی و تلاش خود هستید، باید سعی کنید تا زمینه را برای آن چنان دورانی آماده کنید؛ دورانی که در آن، ظلم و ستم به هیچ شکلی وجود ندارد؛ دورانی که در آن، اندیشه و عقول بشر، از همیشه فعّال تر و خلّاق تر و آفریننده تر است؛ دورانی که ملّتها با یکدیگر نمیجنگند؛ دستهای جنگ افروز عالم - همانهایی که جنگهای منطقه ای و جهانی را در گذشته به راه انداختند و می اندازند - دیگر نمیتوانند جنگی به راه بیندازند؛ در مقیاس عالم، صلح و امنیّتِ کامل هست؛ باید برای آن دوران تلاش کرد. قبل از دوران مهدی موعود، آسایش و راحت طلبی و عافیت نیست. در روایات، «واللّه لتمحّصنّ» و «واللّه لتغربلنّ» (2) است؛ بشدّت امتحان میشوید؛ فشار داده میشوید. امتحان در کجا و چه زمانی است؟ آن وقتی که میدان مجاهدتی هست. قبل از ظهور مهدی موعود، در میدانهای مجاهدت، انسانهای پاك امتحان میشوند؛ در کوره های آزمایش وارد میشوند و سربلند بیرون می آیند و جهان به دوران آرمانی و هدفیِ مهدی موعود (ارواحنا فداه) روزبه روز نزدیك تر میشود؛ این، آن امید بزرگ است.(3)

***

آنچه که برای این ملّت اصل است، همان ایستادگی و مقاومت و مبارزه ی حقیقی است که خدای متعال را خشنود و قلب مقدّس ولیّ عصر (ارواحنا فداه)

1- . در دیدار اساتید و فارغ التّحصیلان تخصّصی مهدویّت 1390/4/18

2- . کتاب الغیبة (شیخ طوسی)، ص 340

3- . در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج) 1370/11/30

را از شـما راضـی و حالت انتظار آن بزرگوار را در شـما تقویت میکنـد و روح مبارك امام را از شـما شاد مینمایـد و دشـمن را ناکام خواهد کرد.(1)

ارتباط قلبی با امام زمان (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف)

ارتباط قلبی یکایك مردم مؤمن با مقام ولایت عظمی و ولیّ اللّه اعظم، یکی از برکاتی است که از مشـخّص بودن مهدی موعود (عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف) در عقیـده ی مردم ما ناشـی می شود. ما علاوه بر اعتقاد به اصل وجود مهدی و اینکه کسـی خواهد آمد و دنیا را از عدل و داد پُر خواهد کرد، شـخص مهدی را هم می شناسیم و نام و کنیه و پدر و مادر و تاریخ ولادت و کیفیّات غیبت و اصحاب نزدیك و حتّی بعضـی از کیفیّات هنگام ظهور او را نیز می دانیم. اگرچه آن شخصـیّت درخشان و خورشـید تابان را در بیرون و محیط زنـدگی خود نمی بینیم و او را تطبیق نمی کنیم، اما معرفت به حال او داریم. رابطه ی بین شیعیانی که این اعتقاد را دارند، با مقام ولایت و مهدی موعود، یك رابطه ی دایمی است و چه قـدر خوب و بلکه لازم است که یکایك ما، قلباً هم این رابطه را با توجّه و توسّل و حرف زدن با آن حضـرت حفظ کنیم.

طیّ همین زیاراتی که وارد شده است - که بعضی مأثور(2) است و به احتمال زیاد به خود معصوم (علیه السّلام) مستند است - این رابطه ی قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان، یك امر مستحسـن(3)، بلکه لازم و دارای آثاری است؛ امیـد را و انتظار را به طور دائم در دل انسان زنده نگه میدارد.(4)

1- . بیانات به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی 1375/8/9

2- . نقل شده از معصوم

3- . ستوده و پسندیده

4- . در دیدار مسئولان و اقشار مختلف مردم 1368/12/22

فصل ششم : آسیب شناسی انتظار فرج و جامعه ی منتظر

اشاره

ص: 129

ضرورت پیرایه زدایی از مسئله ی انتظار فرج و مهدویّت

امروز بحمداللَّه ملّت ما توجّهشان به مقوله ی مهدویّت و وجود مقدّس حضرت مهدی (سلام اللَّه علیه) از همیشه بیشتر است. روز به روز انسان احساس میکند در دل جوانان، در میان آحاد مردم، شوق و عشق و ارادت و تذکّر نسبت به وجود مقدّس حضرت حجت (سلام اللَّه علیه) بیشتر میشود. این هم از برکات خود آن بزرگوار است. نگاه آن بزرگوار، نظره ی رحیمه ی آن بزرگوار به ملّت ما، دلهای آنها را متوجّه آن حقیقت تابناك کرده است. خودِ این، نشانه ی توجّه آن بزرگوار است. این را بایـد قدر دانست. البتّه مثل همه ی حقائقی که در برهه های مختلفی از زمـان، ملعبه ی دست سودجویـان میشود، این حقیقت هم گـاهی ملعبه ی دست سودجویان میشود. این کسانی که ادّعاهای خلاـف واقع میکننـد - ادّعـای رؤیت، ادّعـای تشـرّف، حتّی به صورت کاملاـً خرافی، ادّعای اقتـدای به آن حضـرت در نماز - که حقیقتاً ادّعاهـای شـرم آوری است، اینهـا همـان پیرایه هـای باطلی است که این حقیقت روشن را در چشم و دل انسانهای پاك نهاد ممکن اسـت مَشُوب(1) کند. نباید گذاشت. همه ی آحاد مردم توجّه داشته باشند این ادّعاهای اتّصال و ارتباط و تشرّف به حضرت و دستور گرفتن از آن بزرگوار، هیچ کدام قابل تصدیق نیست. بزرگان ما،

1- . آغشته و آمیخته شده

برجستگان ما، انسانهای باارزشی که یك لحظه ی عمر آنها ارزش دارد به روزها و ماه ها و سالهای عمر امثال ما، چنین ادّعاهایی نکردند. ممکن است یك انسان سعادتمندی، چشمش، دلش این ظرفیّت را پیدا کند که به نور آن جمال مبارك روشن شود، امّا یك چنین کسانی اهل ادّعا نیستند؛ اهل گفتن نیستند؛ اهل دکّان داری نیستند. این کسانی که دکّان داری میکنند به این وسیله، انسان میتواند به طور قطع و یقین بگوید اینها دروغ گو هستند؛ مفتری هستند. این عقیده ی روشن و تابناك را بایستی از این آفت اعتقادی دور نگه داشت.(1)

***

در موضوع مهدویّت و قضایای مربوط به امام زمان - مسئله ی انتظار، مسئله ی طول عمر، مسئله ی دوران حکومت، مسئله ی وظایفی که منتظرین دارند، و مسائل گوناگونی که وجود دارد - بهترین مرجع عبارت است از حدیث و آنچه از خود ائمّه (علیهم السّلام) نقل شده، که جای تردیدی را باقی نمیگذارد و این مهم ترین مطلب است. همین طور که آقای ری شهری اشاره کردند، بنده هم به این معنا معتقدم که شواهد عقلی و اعتباری به عنوان مؤیّد میتوانند به کار بروند، [امّا] آنچه تعیین کننده و قاطع است، منابع روایی و حدیثی و قرآنی است که به اینها بایستی تکیه کرد، از اینها باید استفاده کرد. البتّه باید تنقیح بشود؛ به حرفهای سست نباید اعتماد کرد. حرف قرص کم نداریم؛ حرفهای قوی، محکم و بنیادهای فکری مستحکم بحمدالله در این زمینه خیلی زیاد است و میتوان به اینها تکیه کرد و از اینها استفاده کرد.(2)

آسیب ها

تلاش برای گسترش ظلم و فساد برای تعجیل فرج!

در روایات دارد «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جورا» ؛ در

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1387/5/27

2- . در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسّسه ی دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث 1393/3/21

بسیاری از روایات همین بیان هست. یعنی خدای متعال به وسیله ی امام زمان دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، همچنان که این دنیا پر از ظلم و جور بوده است. چه وقت دنیا پر از ظلم و جور بوده؟ در طول تاریخ ازاین قبیل زیاد داریم که دنیا پر از ظلم و جور بوده: آن روزی که نغمه ی حق طلبی در میان ملّتها نبوده؛ آن روزی که فرعون بود و موسی ظهور نکرده بود؛ آن روزی که نمرود بود و ابراهیم تبر بت شکنی را به دست نگرفته بود؛ آن روزی که آمریکا و قدرتهای بزرگ جهانی هر کار میخواستند میکردند و از انقلاب اسلامی ما هنوز خبری نبود و امام ما قامت برای مبارزه نیاراسته بود؛ این روزها در تاریخ بشریّت بسیار وجود دارد که دنیا پر از ظلم و جور بود. این حدیث است. این حدیث را با یك تغییر مختصر که من نمیدانم این تغییر از چه زمانی به وجود آمده و اوّل در کجا به وجود آمده؟ و جای تحقیق برای فضلا هست، این جوری کردند که «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جورا» ؛«کما ملئت ظلماً و جورا» را تبدیل کردند به «بعد ما ملئت ظلماً و جورا» که بنده خودم تاکنون با فحص مختصری که کردم، با این تعبیرِ «بعد ما ملئت» هیچ جا این حدیث را نشنیدم.(1) هرجا این حدیث را من دیدم «کما ملئت ظلماً و جورا»

1- . ظاهراً اوّلین نقل با این عبارت در کتب شیعه، از سیّدبن طاووس در کتاب الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف (ج 1، ص 177 باب بشارة الرسول (ص) بالمهدی (ع) است. ایشان این روایت را از ابن مسعود فرّاء در کتاب المصابیح ذکر کرده است و تصریح دارد که ابن مسعود این روایت را بصورت مرفوعه نقل کرده است. (به روایتی که بخشی از سلسله ی سند آن حذف شده است مرفوعه گفته میشود.) بعد از ایشان، سیّد شرف الدّین علی استرآبادی در کتاب تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة (ص 377) روایت دیگری را نقل میکند که عبارت «بعد ما ملئت جورا» آمده است که سند این روایت نیز مرفوعه است. شیخ حرّ عاملی نیز در کتاب اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات عبارت «بعد ما ملئت فتنة و ظلما» را با چند سند نقل میکند (ج 2، ص 120). البتّه حدیثی که ایشان نقل میکند طولانی است و امکان تغییر الفاظ آن وجود دارد بخصوص که یکی از نقلهای ایشان از شیخ صدوق و کتاب اعتقادات ایشان است در حالی که عبارت شیخ صدوق در اعتقادات (ص 122) - که همان روایت شیخ حرّ عاملی را نقل میکند - چنین است: «کما ملئت قبله ظلماً و جوراً». در تفسیر برهان نیز به نقل از امالی شیخ طوسی (ص 501) عبارت «بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» آمده است. در هر صورت عبارت «کما ملئت ظلماً و جوراً» بسیار فراوان تر و با اسناد بهتر و در کتب دست اوّل و معتبر روایی نقل شده است ازجمله: در کتابهای الأصول الستة عشر (ط - دار الشبستری)،

است امّا در زبانها هست و اینجا و آنجا گفته میشود که «بعـد ما ملئت ظلماً و جورا». «بعـد ما ملئت» یعنی چه؟ یعنی امام زمان هنگامی ظهور میکنـد که تمام دنیا پر از ظلم و جور باشـد. این حرف خطرناکی است. معنای این حرف این است که اگر یك روزی ما دنیا را دیدیم که پر از ظلم و جور نیست و یـك گوشه ای از دنیـا بارقه ای از عـدل و داد به شـمار می آیـد، آن روز بایـد ما تصوّر کنیم که امام زمان قطعاً ظهور نخواهد کرد و دنبال این همان تحریفی است که مدّتها افرادی حتّی بعضـی از عمّامه به سـرها را ما شنیده بودیم که فکر میکردند اگر میخواهیـد امام زمان زودتر ظهور بکنـد، هرچه میتوانیـد به فساد اضافه کنید؛ یا اگر خودتان هم اهل فساد نیستید، از اینکه مفسدین در دنیا هسـتند ناراحت نباشـید، چون این مقـدّمه ی ظهور امام زمان است. با تحریف یك کلمه و تبدیل «کما ملئت» به «بعد ما ملئت»، این راه برای تحریف باز شـده بود.(1) کسـانی خیال میکردنـد که اگر ما یك قسـمتی از دنیا را از نور عـدل روشن بکنیم، ظهور امام زمان به تأخیر افتاده، و چه فکر خطرناك

1- . در بیانات معظّمٌلّه در سالهای اخیر تأکیـدی بر دلالت عبارت «بعـد ما ملئت ظلما و جورا» بر معنای محرّف از مهـدویّت مشاهـده نشده است بلکه عبارت مذکور صـرفاً به عنوان یکی از نقلها مطرح شده است، ازجمله در دیدار کارکنان دفتر رهبری، 1392/4/2 و بیانات در دیدار مسـئولان و پژوهشـگران مؤسّسه ی دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث 1393/3/21؛ بخصوص در دیدار کارکنان دفتر مقام معظم رهبری و خانوده های آنان (1394/3/12) تصریح دارند که این دو نقل به لحاظ معنی فرق چندانی با هم ندارند.

و زیان باری. نه، چنین چیزی در روایات نیست. در هیچ روایتی بنده تا الان ندیدم که گفته باشند امام زمان هنگامی ظهور میکند که دنیا پر از ظلم و جور باشد. دنیا در گذشته پر از ظلم و جور بوده. امام زمان وقتی ظهور میکنند، دنیا پر از عدل و داد خواهد شد.(1)

بی عملی و فرار از مسئولیّت در دوران انتظار فرج

اگر امام زمان دنیای پر از عدل و داد درست خواهد کرد، پس ما باید به سهم خودمان در زمینه سازی این دنیا کوشش کنیم. اگر خورشید منوّری خواهد درخشید و دنیا را روشن و منوّر خواهد کرد، این بدین معنا نیست که ما در شب تاریك وقتی نمیتوانیم خورشید بیافرینیم، چراغی روشن نکنیم.(2)

***

یك معنای انحرافی در باب انتظار بود که خوشبختانه امروز از آن فهم و برداشت غلط، اثر چندانی نیست. کسانی که مغرض و یا نادان بودند، این طور به مردم یاد داده بودند که انتظار، یعنی اینکه شما از هر عمل مثبت و از هر اقدام و هر مجاهدت و هر اصلاحی دست بکشید و منتظر بمانید، تا صاحب عصر و زمان، خودش بیاید و اوضاع را اصلاح کند و مفاسد را برطرف کند!(3)

***

البتّه وقتی نتوانستند این عقیده را از مردم بگیرند، سعی میکنند این عقیده را در ذهنهای مردم خراب کنند. خراب کردن این عقیده چه جوری است؟ این جوری است که بگویند خب خودِ آقا می آید همه ی کارها را درست میکند! این خراب کردن عقیده است؛ یك موتور محرّکی را تبدیل

1- . در اجتماع مردم قم 1363/2/27

2- . بیانات در خطبه های نماز جمعه، 1367/1/12

3- . در دیدار اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی شرکت کننده در سمینار تبیین حکم تاریخی حضرت امام خمینی (ره)، در سالروز میلاد امام عصر (عج) 1369/12/11

کردن به یك چوب لای چرخ است؛ یك داروی مقوّی را تبـدیل کردن به یك دوای مخـدّر و دوای خواب آور است. خودِ آقا می آیـد انجام میدهد یعنی چه؟ تکلیف شـما امروز چیست؟ شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی تا آن بزرگوار بتواند بیاید در آن زمینه ی آماده اقدام بکند؛ از صفر که نمیشود شروع کرد!(1)

***

اعتقـاد به امام زمان به معنای گوشه گیری نیست. جریانهای انحرافی، قبل از انقلاب تبلیغ میکردنـد، الان هم گوشه وکنار تبلیغ میکننـد که «خب آقا امام زمان می آید درست میکند، ما امروز دیگر چه کار کنیم؟ چه لزومی دارد ما حرکتی بکنیم؟»؛ این مثل این است که در شب تاریکی انسان یك چراغ روشن نکنـد، چون فردا بنا است خورشـید عالم تاب بیایـد و روز بشود و همه ی دنیا را روشن کند. خورشـیدِ فردا ربطی به وضعِ کنونی من و شما ندارد. امروز اگر ما می بینیم در هر نقطه دنیا ظلم و بی عدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد، اینها همان چیزهایی است که امام زمان برای مبارزه با آنها می آید. اگر ما سرباز امام زمانیم، باید خود را برای مبارزه با اینها آماده کنیم.(2)

بدفهمی نسبت به روایاتِ نافیِ قیام قبل از ظهور

«[مـا که] مبـارزه میکردیم؛ بعضـی ها به اسـتناد روایاتی که هر پرچمی که قبل از برافراشـته شـدن پرچم حضـرت مهـدی (ارواحنا فـداه) برافراشـته شود، در آتش است، با مبارزه مخالف بودند. میگفتند آقا شـما قبل از مبارزه ی حضـرت صاحب الزّمان (عجّل الله تعالی فرجه) میخواهید مبارزه شـروع کنید؟ خب، این پرچم مبارزه را که بلند میکنید، در آتش است. معنای حدیث را نمیفهمیدند. یك عدّه ای از صدر اسلام، از زمان ائمّه (علیهم السّلام) که شنیده

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم 1376/9/25

2- . در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان 1381/7/30

بودند مهدی ظهور خواهد کرد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، ادّعای مهدی گری میکردند؛ بعضی بر خودشان هم امر مشتبه بود. بد نیست بدانید هم در بنی امیّه ادّعای مهدویّت بود، هم در بنی عبّاس بود، هم در افراد دیگری که چه در زمان بنی عبّاس و چه در زمانهای بعد تا امروز وجود داشتند، ادّعای مهدویّت وجود داشت. بله، این پرچم مهدویّت را کسی بلند کند، در آتش است. این معنایش این نیست که مردم با ظلم مبارزه نکنند، مردم برای تشکیل جامعه ی الهی و جامعه ی اسلامی و علوی مبارزه و قیام نکنند. این، بد فهمیدن دین است.(1)

انجام کارهای غیر عالمانه و غیر متّکی به اسناد و مدارك

از کارِ عالمانه و همراه با دقّت در مسئله ی انتظار و مسئله ی دوران ظهور نباید غفلت کرد. و از کارِ عامیانه و جاهلانه بشدّت باید پرهیز کرد. ازجمله ی چیزهایی که میتواند در مسئله ی مربوط به امام زمان (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) یك خطر بزرگ باشد، کارهای عامیانه و جاهلانه و دور از معرفت و غیر متّکی به سند و مدرك در مسئله ی مربوط به امام زمان (عجّل اللَّه تعالی فرجه الشّریف) است، که همین زمینه را برای مدّعیان دروغین فراهم میکند. کارهای غیرعالمانه، غیر مستند، غیر متّکی به منابع و مدارك معتبر، صرف تخیّلات و توهّمات، این جور کاری مردم را از حالت انتظار حقیقی دور میکند، زمینه را برای مدّعیان دروغ گو و دجّال فراهم میکند؛ از این بایستی بشدّت پرهیز کرد... وقتی انحراف و غلط به وجود آمد، آن وقت حقیقت، مهجور خواهد شد، مشتبه خواهد شد، وسیله ی گمراهی اذهان مردم فراهم خواهد شد؛ لذا از کارِ عوامانه، از تسلیم شدن در مقابل شایعات عامیانه بایستی بشدّت پرهیز کرد. کار عالمانه، قوی، متّکی به مدرك و سند [انجام شود؛] که البتّه کار اهل فنِّ این کار است.(2)

1- . در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز، 1387/2/14

2- . در دیدار اساتید و فارغ التّحصیلان تخصّصی مهدویّت 1390/4/18

مدّعیان دروغین مهدویّت

کارهـای غیر عالمـانه، غیر مسـتند، غیر متّکی به منـابع و مـدارك معتبر، صـرف تخیّلات و توهمات؛ اینجور کاری مردم را از حالت انتظار حقیقی دور میکنـد، زمینه را برای مـدعیان دروغگو و دجال فراهم میکنـد؛ از این بایستی بشدّت پرهیز کرد. در طول تاریخ مدّعیانی بودند؛ بعضی از مدّعیان هم همین چیزی که حالا اشاره کردند، یك علامتی را بر خودشان یا بر یك کسی تطبیق کردند؛ همه ی اینها غلط است. بعضـی از این چیزهایی که راجع به علایم ظهور هست، قطعی نیست؛ چیزهایی است که در روایات معتبرِ قابل اسـتناد هم نیامـده است؛ روایات ضـعیف است، نمیشود به آنها استناد کرد. آن مواردی هم که قابل استناد است، این جور نیست که بشود راحت تطبیق کرد. همیشه عدّه ای این شـعرهای شاه نعمت اللَّه ولی را در طول سالهای متمادی و در موارد زیادی بر آدمهای مختلفی در قرون مختلف تطبیق کردند، که بنده دیدم. گفتند بله، اینکه گفته من فلان کس را، فلان جور میبینم، این فلان کس است؛ یك شخصی را گفته اند. باز در یك زمان، صد سال بعـد مثلاً، یك کس دیگری را پیـدا کردنـد و به او تطبیق کردند! اینها غلط است، اینها کارهای منحرف کننده است، کارهای غلطانداز است.(1)

***

آنچه که با یکی از اصول دینی معارضه دارد و مدرك معتبری ندارد، ردّش کنید. این میشود خرافه، و معیار خرافه این است. امروز شما ببینید مدّعیان ارتباط با امام زمان و ارتباط با غیب، با شکلهای مختلف در جامعه دارند کار میکنند.(2)

1- . در دیدار اساتید و فارغ التّحصیلان تخصّصی مهدویّت 1390/4/18

2- . در دیدار روحانیون 1385/8/17

فصل هفتم : حکومت اسلامی و انتظار فرج

اشاره

ص: 139

مردمی بودن حکومت حضرت مهدی (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف)

حکومت آینده ی حضرت مهدی موعود (ارواحنا فداه)، یك حکومت مردمی به تمام معنا است. مردمی یعنی چه؟ یعنی متّکی به ایمانها و اراده ها و بازوان مردم است. امام زمان، تنها دنیا را پر از عـدل و داد نمیکنـد؛ امام زمان با تکیه ی به آحاد مؤمن مردم است که بنای عـدل الهی را در سرتاسـر عالـم اسـتقرار میبخشـد؛ یك حکومت صددرصد مردمی. امّا این حکومت مردمی با حکومتهای مدّعی مردمی بودن و دموکراسی در دنیای امروز از زمین تا آسمان تفاوت دارد.(1)

لزوم برقراری حکومت اسلامی به عنوان مقدّمه ی ظهور

امّا قبل از آنکه امام زمان ظهور بکننـد، چه حالتی وجود دارد؟ خیلی روشن است. قبل از آمدن امام زمان، مقدّمات پر شدن دنیا از عدل و داد بایـد وجود داشـته باشـد. امـام زمـان می آیـد، حکومت صددرصـد عادلانـه را به وجود می آورد. قبل از آنکه این حکومت عادلانه ی صددرصد به وجود بیاید، ای بسا مردم، بندگان خدا، مؤمنین، مبارزین بتوانند حکومت عدالت پنجاه درصد، شصت درصد، هفتاد درصد، را به وجود بیاورند و من میخواهم

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان در مصلّای تهران 1381/7/30

به شـما برادران و خواهران بگویم که بدون به وجود آمدن حکومت عادلانه ی الهی با درصد بالا، آمدن امام زمان (علیه الصّلاة و السّلام) امکان پـذیر نیست. اگر انقلاب اسـلامی انجام نمیگرفت، امکان و احتمال ظهور امام زمان خیلی کمتر بود. تشـکیل جامعه ی اسـلامی، تشـکیل حکومتی بر مبنای قرآن، بشـریّت را به حکومت امام زمان یك قـدم نزدیك تر کرد. زمینه برای آمـدن امام زمان آماده شـد و هرچه جمهوری اسـلامی به طرف عـدالت جلوتر برود، به طرف اسـلام پیش روی بکنـد، احکـام اسـلام را در شـئون اجتماعی خودش گسترش بیشتری بدهـد، ظهور ولیّ عصـر (عجّل الله تعالی فرجه) نزدیك تر خواهد شد؛ این را به طور قطع و یقین بدانید. خیال نکنید که امروز اگر شما تلاشـی میخواهید بکنید در راه تحکیم نظام اسلامی، این تلاش با آمدن امام زمان ربطی ندارد؛ این اشتباه است. و خیال نکنند کسانی که از اصـلاحات، از گسترش عـدالت، از گسترش احکام الهی مأیوسـند که اگر دست روی دست بگذارنـد و به کنـج خانه بخزنـد، ممکن است امام زمان (علیه الصّلاة و السّلام) ظهور کنـد؛ چنین چیزی نیست. مقـدّمات را فراهم میکنیـد، امام زمان می آیـد. پنجاه درصد و شصت درصد و هفتاد درصد را شـما آماده میکنید، صد درصد به وسـیله ی امام زمان خواهد شد. شـما بشـریّت را با نغمه ی اسـلام آشنا میکنید، دلها تکان میخورد، جان مشـتاقان دنیای بشریّت به اسلام متوجّه میشود، آن وقت وقتی فریادِ ایّهاالنّاس امام زمان بلند شد، انسانها از اکناف عالم به آن پاسخ مثبت میدهند.(1)

***

تشـکیل نظام جمهوری اسـلامی یکی از مقدّمات این حرکت عظیم تاریخی است. هر اقدامی در جهت استقرار عدالت، یك قدم به سمت آن هدف والا است.(2)

1- . در اجتماع مردم قم 1363/2/27

2- . در دیدار اقشار مختلف مردم در نیمه ی شعبان 1387/5/27

زمینه سازی انقلاب اسلامی برای ظهور

و ما به ظهور ولیّ عصـر امید زیادی داریم و امیدواریم که خدای متعال آن روز را هرچه زودتر برای بشر برساند و من گمان میکنم این ملّت نشان داده و در میدان عمل، امتحان پس داده که حاضـر است آن بار سنگینی را که آن روز بر دوش مبارزین وجود خواهد داشت، بر دوش بکشد و آن بار را حمل کند. امروز دیگر آن روزی نیست که در دنیا کسانی پیدا نشوند برای حمل بار امانت؛ ملّت ما در تجربه ی چندساله ی انقلابِ خود کاملاً نشـان داد و مشـخّص کرد که یك ملّت زنـده است؛ ملّتِ بااسـتعداد است و قـدرتهای الهی در وجود این ملّت به مرحله ی عمل می آیـد، و انسانها در این جامعه، انسانهایی هسـتند که حاضـرند از تمام ظرفیّتشان در راه خـدا اسـتفاده بشود؛ یعنی چنین انسانهایی در این جامعه وجود دارند و دیگران هم در همین راه و این خط دارند حرکت میکنند.(1)

***

تا شـما ملّت ایران، این اتّحاد و آمادگی برای انجام کارهای بزرگ را دارید، همه ی آرزوهای انبیا و اولیا (علیهم السّلام) به دست شما قابل عمل است. آمال بزرگ آنان، اسـتقرار عدل جهانی و نجات مستضـعفان و نابودی ظلم در سطح عالم بود. البتّه وعده ی الهی حق است و استقرار عدل جهانی فقط در دوران ظهور حضرت بقیّة الله (ارواحناله الفداء) انجام خواهد گرفت؛ امّا یك ملّت مؤمن و مبارز میتواند زمینه را برای تشکیل آن حکومت فراهم کند؛ همچنان که ملّت ایران تاکنون توانسته و بر خیلی از مشکلات فائق آمده است.(2)

***

اوّلین قدم برای حاکمیّت اسلام و برای نزدیك شدن ملّتهای مسلمان به

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم قم به مناسبت نیمه ی شعبان 1366/1/24

2- . در مراسم بیعت اصناف مشهد و تعاونی های شهری خراسان، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و تعدادی از کارکنان و مسئولان وزارت نیرو و سازمانهای تابعه 1368/4/8

عهد ظهور مهدی موعود (ارواحنا فداه وعجّل الله فرجه)، به وسیله ی ملّت ایران برداشته شده است؛ و آن، ایجاد حاکمیّت قرآن است.(1)

***

اینکه امروز در نظام جمهوری اسلامی، شعارهایی که امام زمان (علیه الصّلاة و السّلام و عجّل الله تعالی فرجه) بر سر دست خواهد گرفت و عمل خواهد کرد، شعارهای مردم ما است، شعارهای یك کشور است و یك دولت است، این خودش یك گام بسیار بلندی به سوی اهداف امام زمان است. روزی شعار توحید، شعار معنویّت و شعار دینداری، در دنیا منسوخ شده بود؛ سعی کرده بودند به طور کلّی آن را به دست فراموشی بسپارند؛ امّا امروز در این منطقه ی عالم، این شعارها، شعارهای رسمی حکومت است؛ شعارهای رسمی اداره کشور و آحاد ملّت است؛ علاوه بر این، این شعارها آرزوی ملّتهای مسلمان در بسیاری از کشورهای دنیا است؛ و این شعارها یك روز تحقّق پیدا خواهد کرد. این زمینه ها وقتی آماده شد، آن وقتی که معلوم شد در مقابل قدرتهای مادّی مستکبران عالم، زمینه ی این وجود دارد که انسان، آحاد بشر بتوانند بر روی حرف حقّ خود بِایستند، آن روز، روز ظهور امام زمان است.(2)

***

مردم عزیزمان و بخصوص جوانها هم به برکت غدیر، بدانند این راهی که اسلام و قرآن و خطّ غدیر ترسیم کرده، یك راه روشن است؛ راهی است که با استدلال و فلسفه ی مستحکمی ترسیم شده و روندگان بسیار بزرگ و عظیم المنزلتی پیدا کرده است. امروز هم خوشبختانه این راه در دنیا مطرح است و دیگر ما در تنهایی و عزلت نیستیم. امروز ما در مرکز و محور توجّه مردم جهان بخصوص کشورهای اسلامی هستیم. راه، راه خوش عاقبت و روشنی است؛ با تلاش مسئولان و با امید و پشتیبانی قشرهای مختلف مردم بایستی

1- . در دیدار مردم قم 1370/11/30

2- . در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد امام زمان (عج) 1379/8/22

قـدم به قـدم این راه را طی کنیم و پیش برویم. این راه گرچه کوتـاه مـدّت نیست، امّا همان راهی است که بالاخره به نجات بشـریّت منتهی خواهد شد؛ همان راهی است که ان شاءالله زمینه های ظهور مهدی موعود (صلوات الله علیه وعجّل الله فرجه) را فراهم خواهد کرد.(1)

***

آیه ی کریمه ی قرآن میفرماید: «وَ لَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنٰا لِعِبٰادِنَا اَلْمُرْسَلِينَ. إِنَّهُمْ لَهُمُ اَلْمَنْصُورُونَ. وَ إِنَّ جُنْدَنٰا لَهُمُ اَلْغٰالِبُونَ» (2)؛ این آیه اوّلاً ثابت میکنـد که در نهایتِ تاریـخِ بشـریّت دورانی وجود خواهـد داشت که در آن دوران آرمان پیامبران و رسولان الهی محقّق خواهد شد؛ ثانیاً ثابت میکنـد که رسـیدن به آن دوران به کمك جنـدالله خواهـد بود؛ سـپاهیان پروردگار و جنود خـدایی، تاریـخ را و بشـریّت را کمك خواهنـد کرد که به آن دوران برسد؛ ثالثاً با یك نگاه هوشـیارانه نشان خواهد داد که انقلاب ما - انقلاب اسـلامی ایران - ما را یك مرحله ی اساسی به ظهور حضرت مهدی (صلوات الله و سلامه علیه و عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) نزدیك کرده است.(3)

***

در سـطح دنیا انسانیّت فرج میطلبد امّا راه فرج را نمیداند. شـما ملّت انقلابی مسلمان باید با حرکت منظّم خود در تداوم انقلاب اسلامی به فرج جهانی انسانیّت نزدیك بشویـد و شـما بایـد به سوی ظهور مهـدی موعود (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) و انقلاب نهایی اسـلامی بشـریّت - که سـطح عالم را خواهـد گرفت و همه ی این گره ها را باز خواهـد کرد - قدم به قدم خودتان نزدیك بشوید و بشـریّت را نزدیك کنید. انتظار فرج این است.(4)

1- . بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم 1379/12/24

2- . سوره ی صافّات، آیات 171 تا 173، ترجمه: «و قطعاً فرمان ما درباره ی بندگان فرستاده ی ما از پیش [چنین] رفته است. که آنان [بر دشمنان خودشان] حتماً پیروز خواهند شد. و سپاه ما هرآینه غالب آیندگانند.»

3- . بیانات به مناسبت نیمه ی شعبان 1360/3/27

4- . در مکتب جمعه، ج 3، ص 251

شکل گیری و پیروزی انقلاب اسلامی بر اساس اندیشه ی انتظار

شما میدانیـد با امید به این گشایش(1) بوده که مـا از اوّل انقلاـب تا حالا توانستیم قـدمهای محکم خودمان را یکی پس از دیگری به طرف جلو برداریم. آن روزی که جنگ تازه شروع شده بود، نفَسهای مأیوس کننده مرتّب میدمیدند که این جنگ آخرش به ناکامی منتهی خواهد شد؛ سـلاح نداریم، مهمّات نداریم، به ما نمیفروشـند، ارز نداریم، وسـیله ی صادر کردن نفت نداریم، مشتری نداریم، هزار مشکل. وقتی هم که انسان بخواهد مشکلات را بزرگ کند، ذهن انسان خیلی کار میکند برای بزرگ کردن مشکلات؛ امّا یك عدّه ای هم قرص و محکم ایسـتادند و گفتند ما به امید خدا و با کمك مردم، با امکاناتی که داریم، جنگ را اداره خواهیم کرد و دشـمن را عقب خواهیم راند و راندند. امروز به فضل الهی ملّت ایران در مقابل همه ی کسانی که نگاه میکردنـد ببیننـد انقلاب ما چه خواهد کرد، روسـفید و سـربلند است؛ این معنای انتظار فرج است.(2)

***

آن روزی که ملّت ایران قیـام کرد، امیـد پیـدا کرد که قیام کرد. امروز که آن امیـد برآورده شـده است، از آن قیام، آن نتیجه ی بزرگ را گرفته است، امروز هم به آینـده امیـدوار است و با امیـد و با نشاط حرکت میکند. این نور امید است که جوانها را به انگیزه و حرکت و نشاط وادار میکند، از دل مردگی و افسردگی آنها جلوگیری میکند و روح پویایی را در جامعه زنده میکند؛ انتظار فرج این است. بنابراین، هم باید منتظر فرج نهایی بود، هم باید منتظر فرج در همه ی مراحل زندگی فردی و اجتماعی بود.(3)

***

موضوع امام زمان (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) با این دید، نه مخصوص شیعه

1- . به معنایی که در روایات مطرح است (رك: فصل اوّل: مصادیق فرج)

2- . در اجتماع مردم قم، در سالروز میلاد امام زمان (عج) 1363/2/27

3- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1384/6/29

و نه حتّی مخصوص مسلمین است. بلکه انتظاری در دل همه ی قشرهای بشر و ملّتهای عالم است. امیدی است در دل بنی آدم که تاریخ بشریّت به سمت صلاح حرکت میکند. این امید به بازوان قوّت میبخشد، به دلها نور میدهد و معلوم میکند که هر حرکت عدالت خواهانه ای در جهت قانون و گردش طبیعی این عالم و تاریخ بشر است. به همین خاطر است که وقتی ملّت ما، قبل از پیروزی انقلاب به مبارزات مشغول بودند، احساسشان این بود که در جهت پیشرفت به سمت آرمان بشریّت حرکت میکنند. بعد از پیروزی انقلاب هم احساس ملّت ایران این است که هر حرکت و هر اقداممان؛ هر مبارزه ای که کردیم و هر رنجی که تحمّل نمودیم، در جهت مقصودی است که میان آحاد بشر و همه ی اهل معرفت مشترك است. مقصود، استقرار عدالت، و هدف، رسیدن به عدل برای بشر است. و اسلام این عدل را تأمین میکند.(1)

***

در این راه(2) لطف پروردگار و دعای مستجاب ولیّ عصر (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) پشتیبان ما است و ما باید خود را با آن حضرت و با یادش هرچه بیشتر آشنا کنیم. امام زمان را فراموش نکنیم. مملکت ما مملکت امام زمان است. انقلاب ما، انقلاب امام زمان است، زیرا انقلاب اسلام است. یاد ولیّ الله الاعظم را در دلهای خودتان داشته باشید. دعای «اللّهم انّا نرغب الیك فی دولة کریمة» (3) را با همه ی دل و با نیاز کامل بخوانید. هم روحتان در انتظار مهدی باشد، هم نیروی جسمی تان در این راه حرکت بکند. هر قدمی که در راه استواری این انقلاب اسلامی برمیدارید یك قدم به ظهور مهدی نزدیك تر میشوید.(4)

***

1- . در دیدار قشرهای مختلف مردم و میهمانان خارجی دهه ی فجر در روز نیمه ی شعبان 1371/11/18

2- . تداوم حرکت انقلاب اسلامی

3- . کافی، ج 3، ص 434

4- . بیانات در خطبه های نماز جمعه 1360/3/29

روز نیمه ی شـعبان برای ما همیشه روز امید و روز انتظار بوده است. در همه ی دوران اختناق، ملّت ما در روز نیمه ی شـعبان حال و شور دیگری داشت. یقیناً یکی از عواملی که توانسـته است ذهن و دید مردم ما را نسبت به انقلاب از دیدگاه اسلامی تحت تأثیر قرار بدهد همین است که در باب مسـئله ی امام زمان و مسـئله ی انتظار به یك نتیجه گیری اسـلامی درستی رسـیدند. البتّه بوده اند کسانی در گذشته که از مسـئله ی امام زمان و مسـئله ی انتظار به صورت تحقیرآمیزی استفاده میکرده اند، عقیده به امام زمان را ترمز حرکتهای جامعه قرار میدادند امّا بینش درست اسـلامی در این قضیّه مطلب را 180 درجه عوض کرد؛ یعنی مردم از نتیجه ی انقلاب اسـتفاده کردنـد که حرکت جوامع اسـلامی و حرکت همه ی جوامع بشـری به سوی خیر و صـلاح است، به سوی حکومت حق و عـدالت است، به سوی نـابودی کاخهـای استبداد است، به سوی روی کار آمدن مستضعفان است، که در شکل بارزترینش در دوران ظهور ولیّ عصر (عجّل الله تعالی فرجه) تأمین میشود و تا آن روزگار ملّتهای مسـلمان و همه ی مستضـعفان جهان میتوانند گامهایی را در این راه بردارند؛ این را مردم ما فهمیدند و همین تـأثیر زیادی در ذهن مردم داشت که عمل آنها را تحت تأثیر قرار داد. امروز بحمـدالله بعـد از اینکه ملّت ما به مبارزه ی وسـیعی دست زد اوّلین آثار صدق این اعتقاد را دریافت کرده است.

... اگر ناظران جهانی میخواهند بدانند که حکومت و نظام جمهوری اسـلامی به کدام طرف به پیش میرود، از مسـئله ی امام زمان میتوانند این را درك کننـد. روزگـاری که در روایـات و در آیـات قرآن برای ما ترسـیم شـده است، روزگار حاکمیّت علم و تقوا، حاکمیّت صالحان، حاکمیّت بنـدگان خدا، حاکمیّت کامل قانون الهی، حاکمیّت مستضـعفان است؛ نه فقط در محدوده ی یك کشور بلکه هرجا مستضـعفی هست، مشمول لطف و فیض آن آینده است. ما به چه طرف پیش میرویم؟ البتّه این راه، راه طولانی ای

است؛ ما بایـد برای رسـیدن به آن روز خودمان را و جامعه مان را و ابزار کارمان را و پایه ی رفتارمان را آماده کنیم و تا ما آماده نشویم، ولیّ عصر ظهور نخواهد کرد؛ آمادگی زمینه ی جامعه به ظهور ولیّ عصر (عجّل الله تعالی فرجه) کمك خواهد کرد.(1)

ترسیم معنای انتظار در تشکیل حکومت اسلامی

همه ی خصوصیّاتی که در ظهور مهدی (علیه السّلام) هست در یك مقیاس کوچك در انقلاب اسلامی ملّت ایران هم هست. در آنجا هم مخاطب حضـرت بقیّة الله همه ی مردم عالمنـد؛ یعنی در آن لحظه ای که به خانه ی کعبه پشت میدهـد و تکیه میکند و دعوت خود را با صـدای بلنـد فریاد میکنـد، صدا میزند «یا اهل العالم!». انقلاب اسـلامی ما هم از آغاز اعلام کرد که مخصوص یك ملّت و یك قوم و یك کشور نیست. همچنانی که آن بزرگوار با همه ی قـدرتهای بزرگ جهان ستیزه میکنـد و درمی افتـد، انقلاب ما هم با دست خالی و فقط با تکیه به نیروی ایمان با همه ی قدرتهای عظیم جهانی مقابل شد. همان طوری که ظهور حضرت مهدی همه ی حسابهای مادّی و معمولی را به هم میریزد، انقلاـب مـا هم همه ی حسابهـا را به هم ریخت. امروز بـا انقلاب اسـلامی ما که در خطّ ایجاد عـدالت در سـطح جهان هست، انقلاب حضـرت مهدی (علیه الصّلاة و السّلام) یك گام بزرگ به هدف خود نزدیك شد. نه فقط به وجود آمدن حکومت اسلامی آن عاقبت موعود را به عقب نمی اندازد بلکه آن را تسریع هم میکند و این است معنای انتظار.(2)

***

تشـکیل حکومت جمهوری اسـلامی و به هم ریختن نظام مستضـعف و مسـتکبر یك تحوّل عظیمی بود که در این کشور و میان این ملّت پیش آمد

1- . در جمع مردم قم به مناسبت نیمه ی شعبان، 1362/3/7

2- . در خطبه های نماز جمعه 1360/3/29

و نمونه ی کوچکی از آنچه که در زمان ولیّ عصـر پیش خواهد آمد در مقابل چشـمها قرار داد. ما میتوانیم جامعه ی دوران ولیّ عصـر را از بطن کنونی جامعه حـدس بزنیم؛ همان طوری که امروز حکومت، حکومت ایـدئولوژی اسـلامی است، حکومت مکتب است و در رأس تشـکیلات نظام انقلابی جمهوری اسـلامی رهبری قرار دارد که ملاك گزینش آن علم و تقوا است و احکام و قوانینی که در جامعه به سمت عمل شدن آنها پیش میرویم احکام و قوانین اسلامی [است] و همان طوری که در جامعه ی امروزی ما یك طبقه ی مستکبر وجود ندارد و تفاوتها و تمایلهای اجتماعی مطلقاً در جامعه به صورت قانونی خودنمایی نمیکند، همین طور در یك شـکل کامل تر با یك اداره ی بهتر با یك قضاوت همه جانبه تر در یك دایره ی وسیع تر در دوران حکومت مهدی موعود (علیه الصلوة و السّلام و عجّل الله فرجه) جامعه ای به وجود خواهـد آمـد که محور حرکت در آن جامعه، اسـلام و احکام اسـلامی است؛ «وَ لَقَدْ کَتَبْنٰا فِي اَلزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ اَلذِّکْرِ أَنَّ اَلْأَرْضَ یَرِثُهٰا عِبٰادِيَ اَلصّٰالِحُونَ» (1)؛ این همان روزگار است؛ روزگاری که بندگان صالح خدا، شایستگان جامعه، آن را به دست گیرند. اگر امروز علم و تجربه ی لازم مـا و مشـکلات و موانـع اجتمـاعی بزرگ که از دوران گذشـته به ارث مانـده است موجب شـده است که نتوانیم حکومت صالحـان را به طور همه جـانبه پیـاده کنیم، [امّـا] در دوران ولیّ عصـر (عجّل الله تعالی فرجه) حکومت، حکومت صالحان است به تمام معنی کلمه؛ حکومت قرآن، حکومت امام؛ قوانینی که در انطباق آن با اسلام و قرآن هیچ شك و شبهه ای وجود ندارد.(2)

تأثیر انقلاب اسلامی بر ذهنیّت مردم نسبت به منطق انتظار

کسانی که مغرض و یا نادان بودند، این طور به مردم یاد داده بودند که

1- . سوره ی انبیا، آیه ی 105، ترجمه: «و درحقیقت در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ی ما به ارث خواهند برد.»

2- . بیانات در جمع مردم قم به مناسبت نیمهٔ شعبان، 1362/3/7

انتظار، یعنی اینکه شـما از هر عمل مثبت و از هر اقـدام و هر مجاهدت و هر اصـلاحی دست بکشـید و منتظر بمانید، تا صاحب عصـر و زمان، خودش بیاید و اوضاع را اصـلاح کند و مفاسد را برطرف نماید! انقلاب، این منطق و معنای غلط و برداشت باطل را، یا کم رنگ کرد و یا از بین برد. پس بحمدالله این معنا، امروز در ذهن جامعه ی ما نیست.(1)

اتّصال قطعی انقلاب و نظام اسلامی به ظهور حضرت ولیّ عصر (عجّل الله تعالی فرجه)

این انقلاب، زمینه را آماده خواهد کرد تا آن بزرگوار ظهور کند. ایشان در زمینه ی نامساعد ظهور نخواهند کرد؛ در بحثهای مربوط به غیبت ولیّ عصـر (صـلوات الله علیه) و ظهـور آن بزرگوار برای مـا مسـلّم است که آن بزرگوار در زمینه ی آمـاده ظهور خواهنـد کرد... بنـابراین حضـرت آن وقتی می آید که زمینه آماده باشد؛ آن وقتی می آید که دنیا معنای عدل را فهمیده باشد؛ آن روزی ظهور میکنند که شمشـیر آن حضـرت بتواند با خودش اسـتدلال و منطق را حمل بکند؛ چون شمشیر انبیا، شمشیر کور نیست، شمشیر نور است. شمشیر کور آن است که یکی را میکشـید، نمیداند چرا کشته شد؛ شمشیر نور آن است که وقتی او را میکشید، او هم میفهمد چرا کشته شد، دیگران هم میفهمند چرا او کشـته شد؛ شمشیر انبیا این جوری است و اولیا هم دنبال انبیا هستند. آن بزرگوار باید روزی بیاید که [در جریان] آن سیل خونی که شنیده اید، حتّی خود آنهایی هم که کشـته میشوند بفهمند چرا دارند کشته میشوند تا حجّت تمام باشد، تا حکومت مهجورِ انبیا بتواند برای همیشه در عالَم بماند. [بنابراین] اگر ما خوب باشـیم - من و شما که معمّمیم و مسئول وصل کردن معارف الهی به نسلهای آینده هستیم و مسئول هدایتیم و ورثه ی انبیا به حساب می آییم - این جمهوری، این حکومت، این نظام قطعاً به آن

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی شرکت کننده در سمینار تبیین حکم تاریخی حضرت امام خمینی (ره)، در سالروز میلاد امام عصر (عج) 1369/12/11

بزرگوار خواهد پیوست؛ این را من به طور یقین میتوانم قول بدهم.(1)

***

امروز نظام اسلامی مجسّم و متبلور در این نظام است. برادران و عزیزان و همه ی کسانی که این سخن را می شنوند و خواهند شنید! بدانید اگر نظام اسـلامی ما به فضل پروردگار بر دشمنانش، بر استکبار، بر این خدعه ها، بر این توطئه ها، بر این دامها، بر این عقبات گوناگونی که بر سـر راهش گسترده اند بتواند پیروز بشود، اسلام یکریز و یك راست به سمت اوج قلّه ی تعالی و سلطه ی جهانی، و درنهایت ظهور ولیّ عصر (عجّل الله تعالی فرجه) پیش خواهد رفت و هیچ توقّفی پیدا نخواهد کرد؛ این در صورتی است که این ملّت پیروز بشود.(2)

1- . در دیدار جمعی از روحانیون نیشابور 1365/4/29

2- . در دیدار اقشار مختلف مردم قم به مناسبت نیمه ی شعبان 1366/1/24

فصل هشتم : دشمن و انتظار فرج

اشاره

ص: 153

تلاش دشمن برای محو و تحریف عقیده ی انتظار

هرجـایی که یـك چنین اعتقـادی وجود داشـته باشـد، همین امیـد وجود دارد، همین مبارزه وجود دارد. برای همین، یکی از اساسـی ترین کارهای استعمار و استکبار و ایادی آنها این بوده است که این عقیده را در دل مردم از بین ببرند؛ این چراغ را بارها خواستند خاموش کنند و نتوانسـته اند. ما قضایا میدانیم در تلاشـی که در این جهت انجام داده اند؛ نه فقط در ایران، در سطح دنیای اسلام. یك گزارش بسیار مهمّی که مربوط به سالها قبل [است] - تازه نیست - مربوط میشود به تلاش گروه های تبلیغی مسـیحیّت که از اروپا به سـمت شمال آفریقا اعزام میشدنـد تا جادّه ی اسـتعمار را در آنجا صاف کنند. یکی از غصّه های دین داران دنیا این است که تبلیغ برای مسـیحیّت در سـطح دنیا را - علی الظّاهر تبلیغ دین مسـیح را - قدرتمندانِ مسـلّطِ بر کشورهای مسیحی وسیله ای قرار داده اند برای اینکه ماشین استعمار را پیش ببرند. اینها شدند جادّه صاف کن استعمار! گروه های تبلیغی و به اصطلاح تبشیری را به اطراف دنیا میفرستادند به عنوان تبلیغ مسیحیّت. ظاهرش تبلیغ مسـیحیّت بود امّـا بـاطن قضـیّه این بود که از این وسـیله اسـتفاده کننـد، راه را بـاز کننـد برای اینکه اسـتعمارگران اروپایی آن روز از کشورهای مختلف

اروپا وارد کشورهای اسلامی بشوند و قدرت سیاسی را قبضه کنند و متأسّفانه در بسیاری از جاها هم موفّق شدند. این گزارش مربوط به گروه های تبلیغی است در شمال آفریقا. گزارشگر مینویسد: یکی از مشکلات ما در سر راه تبلیغ مسیحیّت و پیشرفت استعمار در شمال آفریقا، در منطقه ی تونس و مغرب و مانند اینها، این است که این مردم اعتقاد دارند که مهدی موعود خواهد آمد و اسلام را سربلند خواهند کرد. میگوید این از مشکلات ما است. این را در گزارش رسمی مینویسد و میفرستد برای آن هیئتی که مسئول رسیدگی به این کارها [هستند]؛ نفس اعتقاد به مهدی موعود. درحالی که آن اعتقادی که آن برادران ما در آن مناطق دنیا دارند، به روشنی و وضوح این اعتقادی که ما امروز در اینجا داریم نیست؛ ابهاماتی در آن هست؛ بیشتر کلّی گویی است تا تعیین مصداق و مورد و نام و خصوصیّات؛ درعین حال از این ترسیدند.

در همین کشور خود ما، یکی از بزرگان علما و روحانیون محترمی که امروز بحمدالله در میان ما هستند و برکات وجود ایشان بازهم شامل حال مردم میشود، ایشان برای من نقل میکردند که در اوایل روی کار آمدن رژیم منحوس و فاسد و وابسته ی پهلوی، آن کودتاگرِ بی سوادِ فاقدِ هرگونه معرفت و معنویّت یکی از آخوندهای وابسته ی به دربارِ پهلوی را صدا کرد و به این مضمون از او پرسید که چیست این قضیّه ی امام زمان که این جور مشکلاتی برای ما درست کرده است؟ این آخوند هم برطبق دل او و میل او یك جوابی میدهد. و او [هم] مأموریّت میدهد که بروید مسئله را حل کنید، تمام کنید، این اعتقاد را از دل مردم بیرون بیاورید. او میگوید این کار آسان نیست، این کار خیلی مشکلات دارد، باید کم کم شروع کنیم، با مقدّمات باید شروع کنیم. البتّه آن مقدّمات به فضل پروردگار و با هشیاری علمای ربّانی، آگاهان این کشور، در آن دوران ناکام ماند، نتوانستند آن نقشه ی شوم را عمل کنند؛ ولی یك کودتاچی غاصبی که مأموریّت دارد از طرف دستگاه های قدرت استعماری بیاید ایران را قبضه کند و دودستی تحویل دشمن بدهد، برای

اینکه بتواند بر این مردم مسلّط بشود، یکی از مقدّمات لازمش این است که این عقیده را از ذهن مردم پاك کند.(1)

***

و این را هم عرض بکنیم که مبنای کار قدرتهای طاغوتی، این است که این فروغ امید(2) را در دلها بمیرانند؛ همه ی امیدها را به یك نقطه ی مادّی متمرکز کنند که سررشته اش در دست خود آنها است. میخواهند همّتها را متوجّه و متمرکز به پول، به زخارف کم ارزش دنیایی که سرچشمه و معدن و منبعش هم دست خود این قدرتها است بکنند. همه چیز را با حسابهای کمّی و پولی محاسبه میکنند. معنویّات را از حساب خارج میکنند. بخصوص آن آینده ی موعود را میکوشند که از چشم ملّتها دور بکنند. امروز این جور است که استکبار و ایادی استکبار و این سرطان عظیم استکباری در سراسر دنیا، همین طور ریشه میدواند و بر جان ملّتها چنگ می اندازد و زندگی آنها و حیات آنها را به خطر می اندازد؛ مسئله این است. میخواهند ملّتها را ناامید و مأیوس نگه دارند از آینده. امّا ملّتها باید امیدوار باشند. این اراده ی الهی است که فرمود: «وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى اَلَّذِينَ اُسْتُضْعِفُوا فِي اَلْأَرْضِ» (3)؛ این اراده ی تکوینی الهی است.(4)

***

این عقیده(5) از آن عقاید بسیار کارگشا است. به دلیل همین که کارگشا

1- . در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولیّ عصر (عج) 10/17/1374؛ نیز ر. ك: بیانات در دیدار مسئولان نهضت سوادآموزی 1380/10/6 (در این بیانات معظّمٌلّه روایت مذکور را از قول مرحوم حجّت الاسلام و المسلمین فلسفی نقل میکنند.)

2- . امید به تحقّق وعده ی الهی مبنی بر استقرار عدالت کامل در جهان به دست حضرت ولی عصر (عج)

3- . سوره ی قصص، بخشی ازآیه ی 5، ترجمه: «و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند منّت نهیم.»

4- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1375/10/6

5- . عقیده به تحقّق وعده ی الهی مبنی بر استقرار عدالت کامل در جهان به دست حضرت ولیّ عصر (عج)

است، دشـمنان از يك طرف و البتّه دوسـتان نادان هم از يك طرف بر آن ميتازنـد. گاهى دوسـتان نادان، از روى نادانى و بر اثر بى توجّهى، كارى ميكننـد كه هيچ دشـمن دانايى به آن خوبى نميتواند ضـربه بزند! من يك سـندى را ديدم كه مربوط به ده ها سال قبل است، اوايلى كه اسـتعمار وارد شـمال آفريقـا شـده بود. كشورهاى شـمال آفريقا به اهل بيت خيلى گرايش دارنـد؛ حالا مـذهبشان هر مـذهبى از مـذاهب اسـلامى كه هست، [كارى نداريم] امّا محبّ اهل بيتند؛ اين كشورهاى سودان و مغرب و مانند اينها. عقيده ى به مهدويّت، آنجاها خيلى پررنـگ است. آن زمـانى كه اسـتعمار وارد آن منـاطق شـد - كه ورود اسـتعمار در آن مناطق در قرن گذشـته است - يكى از چيزهايى كه مزاحم اسـتعمار بود، عقيده ى به مهدويّت بود. بنده سندى را ديدم كه آن بزرگان استعمار و فرماندهان استعمارى توصيه ميكنند كه ما بايد كارى بكنيم كه اين عقيـده ى به مهـدويّت از بين مردم بتدريـج زايل بشود. قضاوتشان اين بود كه تا وقتى اين عقيـده ى به مهدويّت در بين مردم هست، ما اسـتعمارگرها... نميتوانيم اينها را درست در اختيار بگيريم. ببينيـد عقيـده ى به مهـدويّت چقـدر مهم است! چقـدر خطا ميكنند كسانى كه به اسم روشـنفكرى، به اسم تجدّدطلبى مى آيند عقايد اسلامى را بدون مطالعه، بدون اطّلاع، بدون اينكه بدانند دارند چه كار ميكنند، مورد ترديد و تشـكيك قرار ميدهند؛ همان كارى كه دشـمن ميخواهد، اينها راحت انجام ميدهند؛ عقايد اسـلامى اين جورى است. خب حالا چرا؟ چنـد خصوصـيّت در عقيده ى مهدويّت هست كه اين خصوصـيّات براى هر ملّتى، به منزله ى خون در كالبد و در حكم روح در جسم است. يكى، اميد است. گاهى اوقات دستهاى قلدر و قدرتمند، ملّتهاى ضعيف را به جايى ميرسانند كه اميدشان را از دست ميدهند. وقتى اميد را از دست دادند، ديگر هيچ اقدام نمي كنند.(1)

***

1- . در ديدار اقشار مختلف مردم به مناسبت ميلاد حضرت مهدى (عج) 1376/9/25

دشمن ترین اشخاص با این عقیده و با شخص آن بزرگوار، ستمگران عالمند. از روز غیبت آن حضرت - بلکه از روز ولادت آن حضرت - آن کسانی که وجودشان با ستم و زورگویی همراه بود، به دشمنی با این بزرگوار، با این پدیده ی الهی، با این نور الهی، با این شمشیر الهی مشغول شدند، تا امروز. امروز هم مستکبرین عالم، ستمگران عالم با این فکر، با این عقیده مخالفند، دشمنند؛ میدانند که این عقیده که در دلهای مؤمنین هست، این عشق که در دلهای مسلمین - بخصوص در دلهای شیعه - است، برای هدفهای ستمگرانه ی آنها مزاحم است. من یك وقتی عرض کرده ام که در کشورهای شمال آفریقا آن وقتی که استعمارگران، آن مناطق را تصرّف میکردند، یك گزارش رسمی، عوامل استعمارگران دادند - که این گزارش ثبت شده و موجود است - که در آن گزارش میگوید: این مردم چون معتقد به مهدویّتند، مبارزه ی با آنها سخت است.(1)

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه ی شعبان 1377/9/14

منابع

قرآن کریم

- ابن ابی زینب، محمدبن ابراهیم، الغیبة. ایران؛ تهران، نشر صدوق، چاپ اول، 1397 ق

- ابن بابویه، محمّدبن علی، کمال الدین و تمام النعمة. تهران، چاپ: دوّم، 1395 ق.

- ابن طاووس، علیّبن موسی، إقبال الأعمال (ط - القدیمة). تهران، چاپ: دوّم، 1409 ق.

- ابن طاووس، علیّبن موسی، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف. ایران؛ قم، چاپ: اوّل، 1400 ق.

- احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله و سلم. ایران؛ قم، 1419 ق

- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمّد، غرر الحکم و درر الکلم. قم، چاپ: دوّم، 1410 ق.

- خامنه ای (مدّ ظلّه العالی)، سیّدعلی، رهبر انقلاب اسلامی ایران، پایگاه اطّلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، KHAMENEI.IR .

- خمینی (قدّس سرّه)، روح الله، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، کشف اسرار، بی تا، بی جا (334 صفحه).

- خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، صحیفه ی نور، (22 جلد)، مؤسّسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران: چاپ پنجم، 1389 ه -. ش.

- خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، ولایت فقیه (حکومت اسلامی - ویرایش جدید)، 1 جلد، مؤسّسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (سلام الله علیه).

ص: 161

ایران، تهران، چاپ: اوّل، بی تا.

- در مکتب جمعه (مجموعه ی خطبه های نماز جمعه ی تهران)، ج 1-7، سازمان مدارك فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1369 ه -. ش.

- شریف الرضی، محمّدبن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح). قم، چاپ: اوّل، 1414 ق.

- شعیری، محمّدبن محمّد، جامع الاخبار. نجف، مطبعة حیدریّة، چاپ اول، بی تا.

- طبرسی، احمدبن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی). مشهد، چاپ: اوّل، 1403 ق.

- طوسی، محمّدبن الحسن، کتاب الغیبة للحجّة. ایران، قم: دارالمعارف الاسلامیّة، چاپ اول، 1411 ق.

- طوسی، محمّدبن الحسن، مصباح المتهجّد و سلاح المتعبّد. بیروت، چاپ: اوّل، 1411 ق.

- نجف، محمّدمهدی، صحیفة الإمام الرضا (علیه السلام). مشهد، کنگره ی جهانی امام رضا (علیه السلام)، چاپ اول، 1406 ق

- قمی، عبّاس، مفاتیح الجنان

- مجلسی، محمّدباقربن محمّد تقی، بحارالانوار (ط - بیروت). بیروت، چاپ: دوّم، 1403 ق.

- مجلسی، محمّدباقربن محمّد تقی، زاد المعاد - مفتاح الجنان. بیروت، چاپ: اوّل، 1423 ق.

- مطهّری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه ی تاریخ، (جلد 24 مجموعه آثار)، قم: انتشارات صدرا، چاپ هشیفتم، 1372 ه. ش.

- مولوی، جلال الدّین محمّدبن محمّد، مثنوی معنوی

ص: 162

درباره مرکز

بسمه تعالی

جَاهِدُواْ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملا مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیباني مي‌شود.

براي خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 88318722 ـ 021

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109

مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹